

ماهنامه تحلیلی
ویژه هادیان سیاسی بسیج

حد ایت

سال سیزدهم

سال ۱۳۹۲

شماره - ۱۴۴

امام خامنه ای (مدظله العالی) :

مسئله هسته ای ، مسئله فرداهای کشور و آینده کشور است ، مسئله سر نوشت کشور است .



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۴۴ - سال ۱۳۹۲

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسؤول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

مخاطبین: هادیان سیاسی

همکاران این شماره:

۱- رمضان شعبانی سارویی ۲- علی مرادزاده ۳- عبدالله داورزنی

۴- عباس حاجی نجاری ۵- بهزاد کاظمی ۶- احد کریم خانی

۷- عباسعلی بیگدلی

شمارگان: ۷/۷۷۲

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۶ - ۳۳۲۳۹۶۷۳

پست الکترونیکی هادی (ایمیل): ssb۱۱۰@yahoo.com E-mail:

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ❁ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی می‌باشد، فلذا بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد، انتظار می‌رود هادیان عزیز ما را یاری فرمایند.
- ❁ انتقادات و پیشنهادات ارسالی هادیان سیاسی، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ❁ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ❁ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ❁ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

۱.....	سفن هدایت
--------	-----------

۵.....	کلام نور
--------	----------

بفش سیاسی

۱۱.....	* مختصات سبک زندگی در جامعه اسلامی با نگاهی بر فرمایشات مقام معظم رهبری
۳۴.....	* تاثیر مذاکره ایران با آمریکا بر محور مقاومت
۵۰.....	* رؤیای بدون تعبیر نظام سلطه برای بیداری اسلامی
۶۱.....	* آوردگاه ژنو، تجربه‌ای دیگر برای ملت ایران

اندیشه سیاسی اسلام

۷۷..... اندیشه سیاسی شهید مطهری (۲)

مفاهیم

۹۱..... جنبش دانشجویی

۱۰۱..... بخش پرسش و پاسخ

بسیج مایه‌ی اُبَهِت و افتخار نظام

مقام معظم رهبری در تقارن هفته‌ی بسیج با حماسه‌ی بزرگ زینب کبری (سلام الله علیها)، در اجتماع پرشکوه پنجاه هزار نفر از فرماندهان بسیج سراسر کشور بیاناتی مهمی ایراد فرمودند که در سخن هدایت این شماره به بخش‌های از آن اشاره می‌شود. مقام معظم رهبری حماسه زینب کبری (سلام الله علیها)، در واقعه بعد از عاشورا را مکمل یا به عبارتی احیا کننده و نگه‌دارنده حماسه عاشورا دانسته که عظمت کار آن حضرت با بقیه حوادث تاریخ قابل سنجش نبوده بلکه با خود عاشورا باید سنجیده شود.

آنچه این بانوی بزرگ را به عنوان یک الگو برای بشریت معرفی کند عبارت است از: استواری در مقابل کوه سنگین مصائب، که حتی لرزشی هم در صدای این بانوی بزرگ از این همه حادثه پدید نیامد و با آن چنان قدرتی سخن گفت که، هم دشمن و هم سختی‌هایی را که دشمن تحمیل کرده بود، تحقیر کرد و وقتی دشمن



سخن هدایت

می‌خواهد او را شماتت کند، می‌گوید: ما رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً؛ شهادت بود، داغ بود، اما در راه خدا بود.

رهبر معظم انقلاب عامل اصلی بوجود آمدن چنین روحیه‌ای در حضرت زینب سلام الله علیها و سایر اولیاء الهی و انبیاء را صدق؛ برخورد صادقانه با عهد و پیمان الهی بیان کردند و فرمودند: قرآن کریم، این صدق را هم برای پیامبران عظام الهی و اولیاء و هم برای مومنین و مردم معمولی لازم می‌داند و همه ما باید در مقابل عهده‌ی که با خدا داریم پاسخگو باشیم.

مقام معظم رهبری در بخشی دیگر از سخنان خود بسیج را:

مظهر ثبات؛

افتخار و ابهت نظام اسلامی؛

مظهر عظمت ملت ایران؛

نیروی کارآمد درونی کشور؛

بسیج، برای دوستان نظام و انقلاب و کشور، مایه خرسندی و امید و اعتماد؛

برای بدخواهان و دشمنان و کینه ورزان نظام اسلامی، مایه بیم و هراس؛

مایه‌ی عزّت کشور و نظام؛

بسیج حضور متن مردم در عرصه‌های فعالیت‌های اساسی برای ملت و کشور؛

بسیج مظهری است از حضور مردمی در صحنه و پیوند مردم با یکدیگر؛

کارگشا و گره‌گشا برشمردند؛

که امتحان صداقت را داده است، در جنگ تحمیلی، در دفاع مقدّس که روزگار سخت کشور بود، بسیج امتحان داد؛ بعد از دوران دفاع مقدّس و قضایای بعد هم تا امروز بسیج همه‌جا امتحان صداقت خودش را داده است. سازمان بسیج و مجموعه‌ی بسیج نشان داده است که صداقت دارد.

محدوده بسیج از نظر معظم‌له محدود در همین تعدادی که در سازمان بسیج هستند نمی‌شود؛ خیلی‌ها هستند که دل‌هایشان با بسیج است، بسیج را تحسین می‌کنند، به بسیج احترام می‌گذارند، قدر بسیج را می‌دانند، در داخل سازمان بسیج هم نیستند؛ آنها هم بسیجی‌اند. آن کسانی که ارزش‌های بسیج را قبول دارند، به آن ارزش‌ها احترام می‌گذارند، به زحمات بسیج، به خدمات بسیج، به مجاهدت بسیج احترام می‌گذارند، آنها هم بسیجی‌اند.

حضور در صحنه یکی از مهم‌ترین کارهایی است؛ توانایی‌های بسیج، توانایی‌های کارگشا و گره‌گشا است. امروز خوشبختانه در درون مجموعه‌ی بسیج، شخصیت‌های برجسته‌ی علمی، شخصیت‌های هنری، شخصیت‌های اجتماعی، شخصیت‌های سیاسی، فعالان اجتماعی، متنفذین در میان مردم کم نیستند؛ بسیج، تا امروز یک مجموعه‌ی انسانی رو به رشد و رو به تعالی بوده است؛ بعد از این هم باید همین باشد.

حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای برای بالا بردن توانایی‌های بسیج الزاماتی بر می‌شمارد؛ الزامات اخلاقی، الزامات رفتاری، الزامات عملی. الزامات اخلاقی، یعنی ما در درون خودمان اخلاقیات نیکوی اسلامی را پرورش بدهیم؛ از جمله‌ی این اخلاقیات صبر است، از جمله‌ی این اخلاقیات گذشت است، از جمله‌ی این اخلاقیات حلم و ظرفیت داشتن و جنبه داشتن است، از جمله‌ی این اخلاقیات تواضع است؛ این خصوصیات را در درون خودمان تقویت کنیم. الزامات رفتاری هم این است که همین خلقت نیکو را در عمل با مردم، در عمل با محیط، در تعامل با جامعه و انسان‌ها به کار ببریم. امام صادق (علیه الصلوة و السلام) به اصحابش می‌فرمود: در بین مردم جوری عمل کنید که هر کس شما را می‌بیند، بگوید این‌ها یاران امام صادق هستند، رفتار یکایک عزیزان بسیجی، شما جوان‌ها، شما عناصر پاک، شما دل‌های پاکیزه و روشن، رفتار یکایک شما با آحاد مردم باید جوری باشد که بگویند این‌ها

پرورش یافتگان نظام اسلامی‌اند؛ مایه‌ی جلب محبت، مایه‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی و برای جمهوری اسلامی باشد. این الزامات عملی، الزامات جهادی، الزامات اجتماعی، کارهایی است که بایستی انجام بگیرد؛ یعنی تقویت خصال نیک در خود، برخورد مهربان و خدوم و تحسین برانگیز با محیط، عمل جدّی در همه‌ی جبهه‌ها - هم در جبهه‌ی علم، هم در جبهه‌ی فعالیت‌ها و خدمات مردمی، هم در جبهه‌ی کار، هم در جبهه‌ی سیاست، هم در جبهه‌ی تولید - در هر جا که حضور دارید، کار جدّی و بدون احساس خستگی و با پرهیز از تنبلی؛ کار کنیم. این مجموعه‌ی عظیم - که ده‌ها هزار فرمانده‌ی آنها امروز در اینجا جمع هستند - می‌تواند کشور را به معنای واقعی کلمه، در همه‌ی جهات مثبت حرکت بدهد، مایه‌ی استقرار و ثبات باشد، مایه‌ی اُبّهت نظام باشد که بحمدالله هست.



در آستانه روز ملی مبارزه با استکبار، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای در دیدار پرشور هزاران نفر از دانشجویان و دانش‌آموزان، تحلیل مهمی از حوادث سیزدهم آبان و ریشه‌های دشمنی استکبار با ملت ایران را بیان فرمودند که به فرازهایی از این بیانات اشاره می‌شود.

واقعه‌ی تبعید امام در سال ۴۳، کشتار بی‌رحمانه‌ی دانش‌آموزان در تهران در سال ۵۷، و حرکت شجاعانه‌ی دانشجویان در تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۵۸؛ از جمله حوادثی است که مقام معظم رهبری آنها را مرتبط به دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا می‌دانند:

الف) در سال ۴۳ امام (رضوان الله تعالی علیه) به خاطر اعتراض علیه کاپیتولاسیون - که به معنای حفظ امنیّت مأموران آمریکایی در ایران و مصونیت قضایی آنها بود - تبعید شدند؛ پس قضیه‌ی مربوط شد به آمریکا. ب) در سال ۵۷ رژیم وابسته‌ی به آمریکا در خیابان‌های تهران دانش‌آموزان را به قتل رساند و آسفالت خیابان‌های تهران به خون نوجوانان ما رنگین شد، برای دفاع از رژیم وابسته‌ی به آمریکا؛ این هم مربوط شد به آمریکا .

ج) در سال ۵۸ ضربت متقابل بود؛ یعنی جوانان شجاع و مؤمن دانشجوی ما به سفارت آمریکا حمله کردند و حقیقت و هویت این سفارت را که عبارت بود از لانه‌ی جاسوسی کشف کردند و در مقابل چشم مردم دنیا گذاشتند.

لانه جاسوسی مناسب‌ترین نام سفارت آمریکا

آن روز جوانهای ما اسم سفارت آمریکا را گذاشتند لانه‌ی جاسوسی، امروز بعد از گذشت سی و چند سال از آن روز، اسم سفارتخانه‌های آمریکا در نزدیک‌ترین کشورها به آمریکا - یعنی کشورهای اروپایی - شده است لانه‌ی جاسوسی؛ یعنی جوان‌های ما سی سال از تقویم تاریخ دنیا جلو بودند.

دلیل بی‌اعتمادی به آمریکا

رویکرد استکباری که آمریکایی‌ها دارند و از ده‌ها سال پیش تا امروز هم ادامه دارد، موجب شده است که در ملت‌های دنیا یک احساس بی‌اعتمادی و بی‌زاری نسبت به دولت آمریکا به وجود بیاید؛ این مخصوص کشور ما نیست؛ هر ملتی به آمریکا اعتماد کرد، ضربه خورد؛ حتی آن کسانی که دوست آمریکا بودند. ملت‌ها و حتی دولت‌ها به آمریکا بی‌اعتمادند به خاطر همین رفتار و رویکردی که در سیاست آمریکایی‌ها هست. هرکسی اعتماد کرد به آمریکا، ضربه‌اش را خورد؛ لذا امروز در میان ملت‌ها شاید بشود گفت منفورترین قدرت‌های دنیا آمریکا است.

سازش کار نخواندن مجموعه‌ی مذاکره‌کنندگان

هیچ‌کس نباید این مجموعه‌ی مذاکره‌کنندگان ما را با مجموعه‌ی شامل آمریکا - همان شش دولت، به اصطلاح پنج بعلاوه‌ی یک - سازش کار بداند؛ این غلط است؛ این‌ها مأموران دولت جمهوری اسلامی ایران هستند، این‌ها بچه‌های خودمان هستند، بچه‌های انقلابند؛ یک مأموریتی را دارند انجام

می‌دهند. کار سختی هم هست [که] بر عهده‌ی این‌ها است؛ دارند با تلاش فراوان آن کاری را که بر عهده‌ی آنها است انجام می‌دهند. بنابراین نباید مأموری را که مشغول یک کاری است و مسئول یک فرایندی است مورد تضعیف یا توهین یا بعضی از تعبیراتی که گاهی شنیده می‌شود - که این‌ها سازش‌کارند، و مانند این‌ها - قرار داد؛ نه، این حرف‌ها نیست.

مذاکره فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر

این را هم توجّه داشته باشید، این مذاکره‌ای که امروز دارد انجام می‌گیرد با شش کشور - که آمریکا هم جزو این شش کشور است - فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر. بنده هم اوّل امسال در مشهد مقدّس در سخنرانی گفتم [که] مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن الله ضرری نمی‌کنیم.

القا حل همه‌ی مشکلات با تسلیم در قضیه‌ی هسته‌ای

یکی از ترفندها و خلاف‌گویی‌ها این است که این جور القا کنند به افکار عمومی مردم که اگر ما در قضیه‌ی هسته‌ای، تسلیم طرف مقابل شدیم، همه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی و غیره حل خواهد شد؛ این را دارند تبلیغ می‌کنند. البتّه تبلیغاتچی‌های خارجی با شیوه‌های کاملاً ماهرانه‌ی تبلیغاتی خط می‌دهند، در داخل هم بعضی از روی ساده‌لوحی و بدون اینکه نیت سوئی داشته باشند، بعضی هم واقعاً از روی غرض همین را دارند تبلیغ می‌کنند که اگر ما در این قضیه کوتاه آمدیم و تسلیم شدیم در مقابل طرف مقابل، همه‌ی مشکلات اقتصادی و مانند اینها حل خواهد شد؛ این خطا است.

دلایل خطا بودن حل مشکلات با تسلیم در قضیه‌ی هسته‌ای

۱- یک مسئله این است که دشمنی آمریکا با ملّت ایران و با جمهوری

اسلامی اصلاً حول محور هسته‌ای نیست؛ این خطا است اگر خیال کنیم که دعوای آمریکا با ما سر قضیه‌ی هسته‌ای است؛ نه، قضیه‌ی هسته‌ای بهانه است؛ قبل از اینکه مسئله‌ی هسته‌ای مطرح باشد، همین دشمنی‌ها، همین مخالفت‌ها از اوّل انقلاب بود؛

۲- اگر یک روزی هم مسئله‌ی هسته‌ای حل شد - فرض کنید جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرد؛ همان‌که آنها می‌خواهند - خیال نکنید مسئله تمام خواهد شد؛ نه، ده بهانه‌ی دیگر را به تدریج پیش می‌کشند: چرا شما موشک دارید؟ چرا هواپیمای بدون سرنشین دارید؟ چرا با رژیم صهیونیستی بدید؟ چرا رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسید؟ چرا از مقاومت در منطقه‌ی به قول خودشان خاورمیانه حمایت می‌کنید؟ و چرا؟ و چرا؟ و چرا؟

۳- تحریم آمریکا از اوّل انقلاب شروع شد، روزه‌روز هم بیشتر شده است، تا امروز که خب به نقطه‌ی بالایی رسیده. دشمنی‌های دیگر [هم] کردند: این‌ها هواپیمای جمهوری اسلامی را سرنگون کردند، ۲۹۰ انسان مسافر را کشتند؛ این‌ها اوایل انقلاب هنوز مردم از هیجان انقلاب بیرون نیامده، کودتای پایگاه شهید نوژه را به راه انداختند، علیه انقلاب کودتا کردند؛ این‌ها از ضدانقلاب‌ها در هر نقطه‌ای از کشور که بودند حمایت کردند؛ به ضدانقلاب سلاح دادند و مانند این‌ها؛ همان کاری که بعدها در بعضی کشورهای دیگر کردند، در اینجا [هم] این کارها را کردند.

۴- مسئله مسئله‌ی دیگری است؛ [مسئله این است که] ملت ایران به خواسته‌های آمریکا نه گفت، ملت ایران گفت آمریکا علیه ما هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

۵- اینها با موجودیت جمهوری اسلامی مخالفند، با نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی مخالفند. همین اواخر یکی از سیاستمداران و از عناصر فکری آمریکا گفت - و گفته‌ی او پخش شد، این مسئله‌ی پنهانی هم نیست

- که ایران چه اتمی باشد، چه اتمی نباشد، خطرناک است. این شخص صریحاً گفت نفوذ و اقتدار ایران - به قول خودشان هژمونی ایران - در منطقه خطرناک است؛ ایرانی که امروز از اعتبار برخوردار است، از احترام برخوردار است، از اقتدار برخوردار است. آنها با این دشمنند، با این مخالفند.

اتکا به قدرت درونی برای حل مشکل اقتصادی

ما برای مسائل اقتصادی کشور همه‌ی تلاشمان بایستی متمرکز باشد بر روی مسائل داخلی؛ آن پیشرفت، آن گشایشی ارزش دارد که متکی باشد به قدرت درونی یک ملت. یک ملت اگر به قدرت خود، به توانایی‌های خود متکی بود، دیگر از اخم یک کشور، از تحریم یک کشور متلاطم نمی‌شود؛ این را باید ما حل کنیم. همه‌ی حرف ما با مسئولین - چه مسئولین گذشته، چه مسئولین امروز - همین است که باید برای گشایش مسائل کشور و مشکلات کشور، از جمله مشکلات اقتصادی، نگاه به درون باشد.

عدم استیصال در مواجهه با دشمنان در شرایط سخت

ما در مواجهه‌ی با دشمنانمان در طول این سال‌ها هیچ وقت دچار استیصال نشدیم، بعد از این هم نخواهیم شد. ما در دهه‌ی اوّل انقلاب، بخصوص در سالهای اوّل، دستانمان از اغلب ابزارهای مادی کوتاه بود؛ پول نداشتیم، سلاح نداشتیم، تجربه نداشتیم، سازماندهی نداشتیم، نیروی مسلّح کارآمد نداشتیم، ابزارهای جنگی نداشتیم؛ و دشمن ما - چه دشمنی که در صحنه‌ی جنگ با ما می‌جنگید، یعنی رژیم بعثی صدام؛ و چه دشمنی که پشت سر او قرار داشت، یعنی همین آمریکا و ناتو و شوروی آن روز - این‌ها در اوج قدرت بودند، در اوج توانایی بودند. همین دولت آمریکا آن روز در زمان ریگان یکی از دولت‌های محکم و قوی و توانای در عرصه‌های سیاسی و نظامی در دنیا بود، و ما در تهیدستی و فقر و تنگدستی قرار داشتیم، [اما]

نتوانستند با ما کاری بکنند.

وضعیت امروز جمهوری اسلامی

امروز وضعیت فرق کرده است؛ امروز جمهوری اسلامی، هم سلاح دارد، هم پول دارد، هم علم دارد، هم فناوری دارد، هم قدرت ساخت دارد، هم اعتبار بین‌المللی دارد، هم میلیون‌ها جوان آماده‌ی به کار دارد، میلیون‌ها استعداد دارد؛ امروز وضع ما این‌جوری است؛ ما اصلاً قابل مقایسه‌ی با سی‌سال قبل نیستیم. اتفاقاً در جبهه‌ی مقابل ما وضعیت به‌عکس است؛ آن روز آمریکایی‌ها در اوج قدرت بودند، امروز نیستند

منابع

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان
۲. به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۲

مختصات سبک زندگی در جامعه اسلامی

با نگاهی بر فرمایشات مقام معظم رهبری

رمضان شعبانی سارویی^۱



چکیده

«سبک زندگی» شیوه و روش زندگی در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از فردی، خانوادگی و اجتماعی است. پدیده سبک زندگی مساله مهمی است که رهبری نظام اسلامی در طراحی نقشه راه انقلاب اسلامی آن را نرم افزار تمدن اسلامی خواندند. طرح سبک زندگی حرکت اقتدارگونه نظام جمهوری اسلامی از جهت تبیین کلیات و آرمان‌های نظام به سمت تبیین جزئیات زندگی و کاربرد آموخته‌های دینی و اسلامی است. در منشور ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اعم از: هویت، ارزش‌ها، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین‌داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و

سبک

^۱- پژوهشگر و دانشجوی دکتری دانشگاه جامع امام حسین (ع)

خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی اجتماعی، با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است. این نوشتار با شیوه توصیفی تحلیلی تلاش دارد تا چارچوب و مختصات کلی سبک زندگی در جامعه اسلامی را از منظر امام خامنه‌ای مورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی:

سبک زندگی، جامعه اسلامی، آسیب شناسی، الگوی مطلوب

طرح مساله

سبک زندگی، مقوله تمرکز بسیاری از متغیرهای فرهنگی اجتماعی و مبین بسیاری از شرایط زندگی و حیات فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود. اهمیت توجه و طرح سبک زندگی از سوی رهبری در عصر کنونی را باید با توجه به طراحی فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی جسجو کرد. در منظر امام خامنه‌ای، انقلاب در فرآیند تکاملی خود پس از ایجاد انقلاب اسلامی و تاسیس نظام اسلامی، در حال گذر از مرحله دولت اسلامی به کشور اسلامی به‌عنوان مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است. این مرحله نیز خود زمینه‌سازی برای آرمان بلند انقلاب اسلامی یعنی تحقق تمدن نوین اسلامی است. بر این اساس مقوله سبک زندگی پیوند وثیقی با الگوی پیشرفت و تمدن اسلامی دارد.

در نگاه رهبری، تمدن نوین دو بخش دارد؛ «اول جنبه ابزاری تمدن و پیشرفت ابزاری که بعد سخت افزاری است که شامل عرصه‌هایی چون علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، نظامی، رسانه، و ... است. در این زمینه پیشرفت بهتری داشته‌ایم». در منظومه فکری رهبری «بعد دوم جنبه حقیقی تمدن، متن زندگی است که شامل رفتار، آداب، رسوم، سبک زندگی، خانواده، مسکن، لباس، ازدواج، الگوی مصرف و ... است» که در ارزیابی رهبری «در این

زمینه عقب هستیم». بنابراین از این منظر توجه به بخش نرم افزاری تمدن اسلامی، اهمیت توجه به سبک زندگی را برجسته می‌نماید. چنانکه می‌فرمایند: «اگر ما در این بخشی که (سبک زندگی) متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که در دنیای غرب نتوانسته است» (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (۹۱/۷/۲۳)).

بیانات جامع و راه‌گشای امام خامنه‌ای در جمع جوانان خراسان شمالی (در بیست و سوم مهرماه ۹۱) با هدف گفتمان‌سازی از سبک زندگی اسلامی و نقطه عطفی در توجه به جامعه‌ی نخبگانی است. طرح سوالات کلیدی از سوی ایشان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و دعوت از نخبگان جامعه با هدف پاسخ‌گویی به این سوالات، می‌تواند سرفصل بسیاری از پژوهش‌ها و تحقیقات از یک‌سو و مهم‌تر از آن نقشه عملیات و اجرا در عرصه سبک زندگی اسلامی ایرانی باشد.

در بررسی تاریخچه مفهوم سبک زندگی، آن را باید یک مفهوم آمیخته با تاریخ بشر دانست و برخلاف ادعای غرب که معتقدند نخستین بار توسط «آلفرد آدلر» مطرح شده، اما باید اظهارداشت؛ این مفهوم در مذاهب اسلامی در ادوار مختلف توسط علمای اسلام مطرح و کتاب‌های بسیاری در این خصوص تالیف شده است. از نمونه بارز آنها حلیه المتقین علامه مجلسی و سنن النبی^(ص) علامه طباطبایی را می‌توان نام برد که به سبک زندگی ائمه اطهار^(ع) پرداخته است. با این شرح، این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی در صدد بررسی مختصات سبک زندگی در جامعه اسلامی با نگاهی بر فرمایشات مقام معظم رهبری در ذیل چند مفهوم چیستی، چرایی، چگونگی و آسیب‌شناسی سبک زندگی در ایران، در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی است.

چارچوب مفهومی نظری

۱- چارچوب مفهومی

۱-۱: سبک زندگی

معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «style» است. سبک زندگی مجموعه‌ای ترکیب یافته از آداب است، و آداب جمع کلمه ادب و ادب به معنی ظرافت در رفتار است. تعاریف ارائه شده از سوی اندیشمندان غربی در موضوع سبک زندگی عبارت‌اند از:

- سوبل: سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیان‌گرانه در میان افراد است (Chaney, ۱, ۱۹۹۶)

- چینی: سبک‌های زندگی الگوهایی از کنش هستند که افراد را از یکدیگر متمایز می‌نمایند (همان، ۴).

- گیدنز سبک زندگی را به مجموعه‌ای از رفتار تعبیر کرده است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری خود را برآورد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران نیز مجسم سازد (گیدنز، ۱۳۷۸، ۱۲۰)

- بوردیو: سبک زندگی شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی‌کننده فرد در عرصه‌های (مختلف) است. در واقع عینیت یافته و تجسم یافته‌ی ترجیحات افراد است (باکاک، ۱۳۸۱، ۹۶). تعاریف مربوط به سبک زندگی غربیان، نوعاً به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- تعاریفی که تأکیدشان صرفاً بر روی واژه‌ی مصرف است و ۲- تعاریفی که علاوه بر مصرف، بر روی رفتار نیز تأکید دارند.

در تعریف اندیشمندان اسلامی از سبک زندگی آمده است:

- سبک زندگی به طور اجمال به معنی بنیادهای نظری تکون بخش مولفه‌ها و مختصات سبک زندگی اسلامی است (صادقی رشاد، ۱۳۹۲،

خبرگزاری رسا)

- الگو یا مجموعه نظام مند کنش‌های مرجح است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ۷۸)

- شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند؛ یعنی راهی است برای رسیدن به اهداف... (کاویانی، ۱۳۹۱، ۱۶)

- سبک زندگی با مفهوم عقل معاش که همان «شیوه زیستن» است، یکسان است؛ یعنی عقلی که به انسان می‌گوید چطور باید زندگی کرد. سبک زندگی اسلامی و عقل معاش، توجه به اجرای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است و می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات سه گانه انسان با خدا و خود و خلقت زندگی مومنانه‌ای ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان^(ع) شیوه زیستن را مشق کرد (پور امینی، ۱۳۹۲، ۱۷-۱۸)

تقریباً در اکثر تعریف‌های سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق. به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام‌مندی این کُل را از کُل‌های دیگر متمایز می‌کند. وجود کلماتی همچون الگو، نظام‌مندی، کلیت، هویت و تمایز در بیانات اخیر رهبر فرزانه انقلاب نیز حاکی از همین مطلب است و به همین دلیل است که امروز از دو مدل و الگوی متمایز و متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن گفته می‌شود. واژگان مترادف سبک زندگی اسلامی: سبک زندگی شیعی، ارزشی، ایدئولوژیک، جهادی، انقلابی، دینی و تعبیر معادل سبک زندگی غربی: سبک زندگی اروپایی، مسیحی، آمریکایی و وسترنیزه است.

۲-۱: آسیب شناسی

اصطلاح آسیب شناسی معادل pathology در زبان انگلیسی است. آسیب شناسی شناسایی ناهنجاری ها در یک سیستم است. فرایند تشخیص آسیب به همراه علل و ریشه های شکل گیری آن در یک سیستم، بر اساس اهداف و انتظارات ارگانیزم سالم و ارائه راهکار برای رهایی از آن است. هدف از مطالعات آسیب شناسانه در حوزه های علوم مختلف، تکمیل و یا تامین فرآیندهای سه گانه شناسایی، تشخیص، پیشگیری و یا درمان است که برآیند این فرآیند پیشنهاد راه حل های برای دفع و یا رفع آفات و آسیب هاست. در واقع آسیب شناسی درصدد شناسایی ناهنجاری های یک سیستم و برنامه ریزی برای آسیب زدایی آن با یک برنامه ریزی صحیح است.

۳-۱: تعریف جامعه اسلامی

جامعه اسلامی جامعه ای است که غالب افراد آن به مبانی بینشی و ارزشی اسلام اعتقاد دارند؛ حقوق اسلامی (احکام الزامی که دارای ضمانت اجرای دولتی است) در آن اجرا می شود؛ غالب افراد از جهت رفتاری، عقلایی عمل می کنند. رفتار عقلایی، رفتاری سازگار در جهت هدف است و برای مسلمان که هدفش دستیابی به حداکثر سرجمع لذت های دنیایی و آخرتی (سعادت دنیا و آخرت) است، رفتار سازگار، رفتاری است که مطابق دستورهای شریعت باشد. بر این اساس، افزون بر حقوق اسلامی، آن دسته از احکامی که تحت عنوان اخلاق اسلامی دسته بندی می شوند (احکام الزامی که دارای ضمانت اجرای دولتی نیستند و احکام غیر الزامی) به وسیله اکثر افراد در این جامعه رعایت می شود (میر معزین، ۳۴، ۱۳۸۴-۳۵).

۲- چارچوب نظری

۲-۱- چرستی سبک زندگی

چرستی سبک زندگی تقریباً گام اول در مباحث مربوط به سبک زندگی

است که بیشتر جنبه‌ی نظری دارد و به بحث از ماهیت و چه چیز بودن سبک زندگی می‌پردازد (هم‌زاده، ۱۳۹۲)

در منظر رهبری، رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. ایشان در سفر خراسان شمالی نقش جهان‌بینی را در تعیین سبک زندگی مهم برشمردند و فرمودند: «هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسأله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (رهبری، ۹۱/۷/۲۷).

اختلاف نظر در «چیستی» سبک زندگی، اختلاف ماهوی در «چیستی» سبک زندگی در فرهنگ خودی و غرب است که از دلایل مختلفی نشات می‌گیرد. از جمله:

۱- تضاد در جهان‌بینی: جهان‌بینی اسلامی مبتنی بر سه اصل است: (۱) اعتقاد به خدای یگانه (۲) اعتقاد به معاد و زندگی ابدی برای هر فردی از انسان در عالم آخرت (۳) اعتقاد به بعثت پیامبران توسط خدا برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت. تعریفی که فرهنگ اسلامی ایرانی از زندگی و خوب و بد بودن آن، بر اساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی (که هدف اصلی و زندگی

واقعی است) توصیف می‌کند؛ درست در نقطه‌ی مقابل فرهنگ غرب است که بر مبنای مکتب اومانیسم و لذت‌گرایی و هدف‌غایی بودن زندگی دنیوی، مفاهیم در هم تنیده خودبنیادی تفکر بشر، انسان‌گرایی (اومانیسم و هیومنیسم)، قدسیت زدایی و تقدس‌زدایی ماده‌گرا (ماتریالیسم)، تکنیک‌زدگی افراطی، غیب‌ستیزی و شریعت‌ستیزی و وحی‌ستیزی و متن‌گریزی استوار است.

این مطلب از دید اندیشمندان اسلامی به دور نمانده است؛ چنان که مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود.»

۲- تضاد در فلسفه و هدف‌غایی: بر این اساس، با اختلاف فاحشی که در فلسفه‌ی آغازین سبک زندگی و اهداف‌غایی آن بین فرهنگ غربی و خودی مشاهده می‌شود، «چیستی» سبک زندگی در دو فرهنگ، متفاوت از هم خواهد بود. فرهنگ غربی در تعریف «چیستی» سبک زندگی به حوزه‌هایی از آن نظر دارد که در راستای اهداف و اغراضش باشد و متقابلاً فرهنگ اسلامی ایرانی سبک زندگی را آن چیزی تعریف می‌کند که بتواند با بررسی آن‌ها، به اهدافی که در ذهن دارد نائل آید. از جمله مسائل ما با غرب، اختلاف در نگرش به زندگی و سبک زندگی است. آنها مقوله‌ی لذت را مبنا قرار می‌دهند و ما تقریباً به خدا را اصل قرار می‌دهیم، ولی لذت مشروع را هم ممنوع نمی‌دانیم. سبک زندگی هم بر همین اساس شکل می‌گیرد. بر این اساس الگوی پیشرفت دینی، توحیدمحور است، لذا سبک زندگی اسلامی نیز باید توحیدمحور باشد.

۲-۲- چرایی و چگونگی

تغییر در سبک زندگی اسلامی- ایرانی تغییری آرام و خزانده است که

برای بازبینی و تحلیل آن باید به با نگاه جریان‌ی باید همزمان به دو عامل داخلی و خارجی از وقایع تاریخی پهلوی اول و دوم توجه ویژه‌ای داشت و سپس به تغییر در سبک زندگی در دهه اول و دوم انقلاب اسلامی التفات کرد.

در حقیقت بررسی خاستگاه تحولات و تغییرات در سبک زندگی ایرانی را باید از دو بُعد خارجی و داخلی، مورد توجه قرار داد: تغییراتی که در عرصه‌های فکری در جهان اتفاق افتاد و به مرور از ترجمه‌ی آثار، تا ظهور فناوریهای نوین چون ماهواره و اینترنت و ابزارهای گوناگون فضای مجازی در صدد شکل دادن به رفتارها و آداب زندگی جامعه ایرانی است. از کلاه پهلوی تا مک دونالد سناریوی تهاجم فرهنگی و جنگ نرم غرب، همگی در جهت تغییر در هویت و استحاله در سبک اسلامی ایرانی بوده است. چنانچه در «استراتژی امنیت ملی آمریکا» در آستانه ورود به هزاره سوم یکی از مقومات امنیت ملی آمریکا را تحمیل سبک زندگی آمریکایی و نه حتی غربی، به جوامع گوناگون، حتی اروپا برشمرده اند (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱، ۶).

در بُعد داخلی نیز، مسائلی مانند بالاتر رفتن سطح رفاه، پایان جنگ، ظهور طبقه‌ی نوکیسه و رواج الگوهای مصرفی که با الگوهای مصرفی دهه‌ی شصت بسیار متفاوت بوده در بخشی از جامعه تمایلاتی در حوزه‌ی مصرف ایجاد می‌شود همچنین بخش دیگری از جامعه نگران از دست رفتن ارزش‌های اخلاقی و سرمایه‌های فرهنگی و معنوی جامعه می‌شود. بنابراین یکی از علت‌های طرح شدن مسئله‌ی سبک زندگی همین نگرانی‌هاست. بنابراین سبک زندگی به چالشی تبدیل می‌گردد و این نگرانی در مجموعه‌ی نیروهای گفتمان انقلاب ایجاد می‌شود که نکند این سبک‌های زندگی که قرباتی با ما ندارند، زمینه‌ای برای از دست رفتن میراث انقلاب گردد. به این ترتیب، از اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد، ارزش‌های مادی، در

مقایسه با ارزش‌های فرامادی، در جامعه‌ی ایرانی رو به قوت گرفتن است که با اوج گرفتن فاصله‌ی طبقاتی در جامعه، این قضیه تشدید می‌شود.

۱-۲-۳- الگوی مطلوب

مهم‌ترین اصول حاکم در الگوی مطلوب سبک زندگی در جامعه سالم دینی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده و مورد تایید رهبری است به شرح ذیل است:

۱. آشتی دادن جامعه اسلامی با فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی و اعتماد و اعتناء به اسلام کارآمد در اداره بشریت
۲. توجه به اصل اجتهاد به عنوان قوه محرکه اسلام و مایه هماهنگی دین با پیشرفت تمدن

۳. مبارزه با مظاهر فساد و تباهی.

۴. حق محوری، عدالت خواهی و مردم سالاری

۵. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا.

۶. تحقق واقعی استقلال و آزادی در جامعه

۷. دگرگون سازی "نظامات مدنی و اجتماعی جامعه" در سایه برپا داشتن مقررات اسلامی

۸. از بین رفتن مراکز و مظاهر فساد در جامعه.

۹. احیای مفاهیم دینی همچون جهاد و شهادت.

۱۰. پاسداری از اسلام با علم و آزادی دادن به افکار مخالف به شرط مواجهه صریح و روشن با آنها

۱۱. ارتقای روحی و معنویت افزایی در جامعه

۱۲. استمرار رهبری روحانیت در اداره جامعه

۱۳. پیرایه زدایی از دین و از میان بردن بدعت‌ها

۱۴. تحول بنیادین در اوضاع زندگی انسان‌ها و به‌سازی روابط اجتماعی

در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) جلوه‌هایی از مولفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی دینی، آسیب‌های فرهنگ زندگی، ارائه الگوهای مختلف از پیامبران، اهل بیت و اولیای الهی اشاره کرده است که نیازمند بررسی، تتبع و مدل سازی برای جامعه دینی است. برای نمونه آیه زیر به مجموعه‌ای از خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی اصحاب المهدی پرداخته شده است. شمارش این صفات در قرآن و روایات به معنای حرکت در مسیر تربیت چنین نسلی و الگو قرار دادن این شیوه می‌باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلٍ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما که از دین خود باز گردد، باکی نیست پس به زودی خداوند قومی را می‌آورد که:

- ۱- خدا ایشان را دوست دارد.
 - ۲- آنان نیز خدا را دوست می‌دارند.
 - ۳- در مقابل مؤمنین فروتن هستند.
 - ۴- در مقابل کافرین سرسختند.
 - ۵- در راه خدا جهاد می‌کنند.
 - ۶- از ملامت هیچ ملامتگری نمی‌هراسند.
- همچنین روایات زیادی در باب حقوق افراد نسبت به یکدیگر در منابع اسلامی وجود دارد. بهترین متن حدیثی که به بیان حقوق و وظایف متقابل پرداخته است؛ رساله حقوقیه از امام زین‌العابدین (علیه السلام) است که در آن امام چهارم حق برادر دینی، حق همسایه، حق خویشاوند، حق فرزند و اولاد و پدر و مادر، حق زن و شوهر، حق شاگرد و استاد، حق مولا و بنده، حق هم‌نشین و دوست و شریک، حق والی و رعیت، حق مشیر و مستشیر را بیان نموده‌اند. و یا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده‌اند: «المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده؛

مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او در سلامت و آسایش باشند.» (۶/۶- محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۵۸)

امروزه ما از الگوهای دینی روش زندگی فاصله گرفته‌ایم، یعنی فاصله خود را با توصیه‌هایی که در قرآن و سیره ائمه معصومین علیهم السلام در خصوص نحوه زندگی به آن‌ها سفارش شده، افزایش داده‌ایم. ما در دعاها و زیارات می‌خوانیم «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» خدایا زندگی ما را زندگی پیامبر و آلش قرار ده و مرگ ما را مرگ پیامبر و آلش قرار ده» پس ما باید ابتدا زندگی پیامبر و خاندان مطهرشان را بشناسیم و بعد بر اساس زندگی این بزرگواران گام برداریم. اصول حاکم بر زندگی ائمه^(ع) ثابت است، و ما باید در زندگی خود این اصول را پیاده سازی کنیم.

برای نمونه یکی از بهترین الگوها در بحث سبک زندگی اسلامی خطبه متقین نهج البلاغه است - البته برخی از موارد ذکر شده در آن خطبه برای افراد خاص است - اگر ما به مفاهیم اصلی این خطبه توجه کنیم ملاحظه می‌کنیم که مولای متقیان علی^(علیه السلام) به زیبایی صفات متقین را بیان می‌کند و در خصوص نشانه‌های انسان متقی می‌فرماید «مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ؛ متقی حق می‌گوید». حضرت علی^(علیه السلام) همچنین می‌فرماید «وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ؛ لباسشان میانه روی است. وَ مَشْيُهُمُ التَّوَاضُّعُ؛ راه و رسمشان بر اعتدال و رفتارشان با فروتنی آمیخته است». بنابراین سبک زندگی، خطبه متقیان امیرالمؤمنین علی^(علیه السلام) است.

اگر بپذیریم که انسان مختار است و مسئولیت او حرکت به سوی خداست و خداوند هم راه هدایت و مستقیم را معین کرده است و بر مبنای زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تغییر پذیر است، این مسأله ما را با سبک‌های متعدد زندگی در جوامع و ملیت‌های گوناگون روبرو خواهد کرد.

مقام معظم رهبری در سفر به استان خراسان شمالی همچون طبیبی حاذق، علت اصلی بیماری مبتلا به جامعه را الگوی سبک زندگی تشخیص دادند. الگویی که باید متأثر از آداب و اصول اسلامی و ایرانی باشد اما تحت تأثیر فرهنگ غربی است.

از دیدگاه امام خامنه‌ای مهم‌ترین آسیب‌های رایج در خصوص سبک زندگی در ایران که به شکل سوال طرح نمودند، به شرح ذیل است:

- (۱) چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟
- (۲) چرا در برخی از بخش‌های کشورمان روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر زیاد است؟
- (۳) چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟
- (۴) چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟
- (۵) چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟
- (۶) آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می‌کنیم؟
- (۷) الگوی تفریح سالم چیست؟
- (۸) نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟...چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟
- (۹) طراحی لباسمان چگونه است؟
- (۱۰) مسأله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چگونه است؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟
- (۱۱) آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوییم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟
- (۱۲) چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟
- (۱۳) بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی

چیست؟

(۱۴) در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و ناپردباری در میان بعضی از ماها چیست؟

(۱۵) حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات میشود؟ در اینترنت چقدر مراعات می‌شود؟

(۱۶) چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی در برخی از مردم چیست؟

(۱۷) وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟

(۱۸) انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟

(۱۹) محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخش‌های مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟

(۲۰) چرا برخی از حرف‌های خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می‌ماند؟

(۲۱) چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟

(۲۲) چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف‌اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست.

(۲۳) چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟

(۲۴) چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟

(۲۵) چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟

(۲۶) چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت

خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟

(۲۷) حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ (مقام معظم رهبری، ۹۲/۷/۲۳)

رهبر انقلاب اسلامی در آسیب شناسی سبک زندگی، با طرح مصادیق و سؤالات دقیق و عینی به مهمترین مسائل زندگی جامعه ایرانی روی آوردند. مقام معظم رهبری با روش راهبردی و برشمردن ضعف‌ها و آسیب‌ها از سبک زندگی در ایران همگان را به بخشی از واقعیات جامعه ایرانی توجه دادند.

در یک اقدام راهبردی امام خامنه‌ای، راه رسیدن جامعه اسلامی به آرامش حقیقی، سلوک عملی در مسیر زندگی اسلامی و حیات طیبه را بر سه اصل عقلانیت (خردورزی)، اخلاق اسلامی و رعایت حقوق استوار دانسته اند. ایشان نیازهای امروز و فردای ما و راز و رمز عدالت و پیشرفت را در همین موارد دانسته اند (مقام معظم رهبری، ۹۲/۷/۲۳).

در بررسی سبب شناسی و یافتن علل و ریشه ناهنجاری‌های فراوان در سبک زندگی رایج در ایران به دو عامل اساسی باید اشاره کرد:

اولاً: علل شناختی و بینشی که جهت‌گیری را نشان می‌دهد؛ «بدون شک بخشی از ناهنجاری‌های اجتماعی و اشکالات موجود در سبک زندگی ایرانی به نادرستی اعتقادات، باورها و هستی شناسی جمعی از مردم بر می‌گردد. تاثیرپذیری بخشی از جامعه از تفکرات و باورهای فرقه‌ها و جریان‌های ضد فرهنگی مانند بهائیت، وهابیت و سایر ادیان ساختگی، معتقدان عرفان‌های کاذب و خرافه‌گرایان، شیطان‌پرستان و بی‌دین‌ها، و نیز بعضی اقلیت‌های دینی که در شکل تحریف شده خود به حجاب، پرهیز از شرب خمر، معاشرت درست زن و مرد و... پایبند نیستند، همچنین افراد به ظاهر مسلمان که تحت تأثیر تبلیغ رسانه‌ای یا علوم انسانی غربی دانشگاه‌ها، هستی شناسی غربی را

پذیرفته‌اند و مبانی التقاطی دارند. و یا برخی افراد کم اطلاع از مبانی اعتقادی اسلام که شناخت درستی از مبانی اعتقادی اسلام ندارند، به خاطر اعتقادات و ارزش‌های خود به سبک رفتار متفاوتی گرایش دارند» (جزوه آسیب شناسی سبک زندگی در ایران (۱۳۹۲، ۱۹).

ثانیاً: علل ارزشی که خوب‌ها و بد‌ها را نشان می‌دهد؛ بخش دیگری از ناهنجاری‌های سبک زندگی ایرانی به ناآشنایی با آموزه‌های سبک زندگی اسلامی و احکام و حقوق و ارزش‌های دینی و جایگزینی ارزش‌های دیگر بجای بایدها و نبایدهای اسلامی است. عمده‌ترین عوامل انحراف سبک زندگی از این طریق بدین شرح است:

(الف) میراث چند هزار ساله حاکمیت شاهان و طاغوت‌ها

(ب) غرب‌زدگی و تقلید کور کورانه از غرب

(ج) نظم‌گریزی و دولت ستیزی نهادینه شده در فرهنگ عمومی به‌خاطر قرن‌ها مبارزه و رویارویی بخش عظیمی از مردم با حاکمیت طاغوت‌ها و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی.

(د) ضعف در تبیین و تدوین سبک زندگی اسلامی: معارفی که اسلام درخصوص سبک زندگی به بشر عرضه کرده است، بسیار گسترده و بی‌کرانه است. اما آنچه عملاً امروز در دسترس مردم است بخشی است از آن معارف که به صورت کلی، غیر کاربردی بوده و بخش دیگری از آن، بر شرایط روز تطبیق نشده است. بخشی دیگر معارف بسیار ارزشمند کاربردی بوده لکن جزء به جزء و غیر به هم پیوسته است. و ما کمتر مجموعه مدونی که منظومه نسبتاً کاملی از آموزه‌های سبک زندگی اسلامی را در اختیار قرار دهد در اختیار داریم. مشکل بزرگتر این است که چارچوب اصلی سبک زندگی اسلامی یعنی کلید تطبیق همه آموزه‌های موجود با زندگی هر فرد تبیین نشده است.

(ه) ضعف‌های ساختاری و شرایط نامناسبی که مردم را به سبک زندگی

غیر اسلامی سوق می‌دهد. (اموری مانند: ایجاد شهرهای خیلی بزرگ بی هویت، شهرها و شهرک‌های بدون نسخه، توسعه فرهنگ سراها به جای مسجد و حسینیه، خانه سازی با معماری غربی و خانه‌های باز، ساخت برج‌های بدون محیط عبادی (مسجد- حسینیه)، اختلاط دختر و پسر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، نظامات اداری دست و پاگیر و بروکراسی وارداتی، اختلاط کامل زن و مرد در محیط‌های درمانی، بازارچه‌ها و ...، شهرسازی‌های غیر مذهبی و خانه‌های مشرف و مزاحم، جوازهای خانه سازی در کوچه‌های باریک، جدایی مدارس و دانشگاه‌ها از حوزه‌های علمیه دینی، از مهمترین ضعف‌های ساختاری است.)

(و) حاکمیت طاغوت و نظام‌های ضد دینی و سکولار بر جهان

(ز) ضعف در ترویج یا عدم ترویج بسیاری از محورهای اساسی از سبک زندگی اسلامی یا عدم تبیین ارتباط این آموزه‌های تعالی بخش با اسلام (جزوه آسیب شناسی سبک زندگی در ایران (۱۳۹۲، ۲۰).

ثالثاً: علل رفتاری که رفتار ویژه‌ای را نشان می‌دهد؛ بخش دیگری از ناهنجاریهای سبک زندگی ایرانی به تبعیت از برخی نمادها و رفتارهای غربی و التقاطی است. از جمله: «پوشش‌های نامناسب و هنجار شکن، اختلاط زن و مرد نامحرم در محیط‌های مختلف، موسیقی‌های حرام، روابط نامشروع و بی‌بندوباری‌های اخلاقی، عاطفه‌زدایی و بی‌توجهی به پدر و مادر، فردگرایی و بی‌توجهی به فرزندان، بازی‌ها و سرگرمی‌های هدر دهنده عمر، مجالس رقص، آرایش نامناسب، حرمت‌شکنی در فضای رسانه، بی‌عاطفگی میان زن و مرد و عادی سازی طلاق، کنار گذاشتن کرامت زن و استفاده ابزاری از زن، مسئولیت ناپذیری در حفظ خانواده و ازدیاد نسل و سایر ناهنجاری‌هایی از این دست» (جزوه آسیب‌شناسی سبک زندگی در ایران، ۱۳۹۲، ۲۲). می‌توان اشاره کرد.

در این راستا امام خمینی^(۵) وابستگی و بیگانه نمودن کشورها را یکی از

هشدارهای دائمی مطرح نمودن «ازجمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله‌گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است» (وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی^(ه))

چنانکه امام خامنه‌ای به پیامدهای تقلید غرب هشدار مستمر می‌دهند: «تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به‌ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگ هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند فرهنگ‌های بومی را نابود کردند. بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند» (مقام معظم رهبری، ۹۲/۷/۲۳).

۲-۲-۳ - اقدامات و راهکارها

بر اساس الگوی ترسیمی مقام معظم رهبری در مهندسی فرهنگی یک پدیده اجتماعی، موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

الف) توصیف: در این اقدام الگوی مطلوب سبک زندگی در جامعه اسلامی ترسیم می‌گردد. «باید ما به دنبال این باشیم که «فرهنگ زندگی» را تبیین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق بخشیم» (امام خامنه‌ای، ۹۱/۷/۲۳). ضعف جدی در تولید محتوا و الگوی قابل پیروی در سبک زندگی اسلامی ایرانی یکی از چالش‌های جدی عصر جدید است. باید برای ساختن جامعه نمونه اسلامی و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی در

ساختارهای اجتماعی ورود پیدا کنیم، ساختارهای زندگی خانوادگی و اجتماعی به گونه‌ای تغییر کند که امکان پیشرفت یک زندگی مؤمنانه و حیات طیبه روزبروز ملموس‌تر شود و برعکس، امکان یک زندگی غیرمؤمنانه و پذیرش باورها و نمادهای سبک زندگی غربی محدودتر گردد.

اولین راهکار عملی، ارائه مختصات سبک زندگی بر اساس نسخه شفابخش و سعادت آفرین اسلام اهل بیت^(ع)، در قالب صورت‌های مفهومی است. مثلاً برای پرهیز از اسراف و روحیه مصرف زدگی در جامعه، به نشان دادن استاندارد دین در مقدار آب لازم برای مصرف وضو یا غسل و یا دیگر مناسک عبادی اقدام نمائیم.

راهکار دوم، معرفی اسوه و الگوست. در این راهکار به جای ارائه مختصات و آثار مفاهیم دینی، اقدام به معرفی یک نمونه عالی از اشخاصی می‌شود که آن مفاهیم را در وجود خود تحقق بخشیده اند و منظومه فکری و ساختار وجودی شان رنگ و بوی آن مفاهیم را به خود گرفته است. راهکاری که قرآن نیز به آن اشاره کرده است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه». «ارائه اسوه‌ای یعنی به جای بیان مفاهیم و شاخصه‌های دین برای مخاطب خود، یک مصداق برجسته و اسوه شاخص معرفی کنیم. برای تبیین کارآمدی دین در جامعه، دو راهکار معقول در پیش روی خود داریم. راهکار مفهومی راهکاری مناسب و مورد تأیید عقلا است؛ ولی کارآمدی راهکار اسوه‌ای بیشتر است. در روش راهکار اسوه‌ای، هیچ دین و مذهبی همانند تشیع، غنی و دارای گنجینه‌های فراوان نیست». اسوه بودن انبیاء مانند حضرت ابراهیم و محمد^(ص) و اهل بیت^(ع) در همه ابعاد، و نیز اولیا و شخصیت‌های الهی، به‌طور نمونه در صدق و راستگویی ابودر غفاری، زهد و پارسایی سلمان فارسی، علم‌آموزی خواجه نصیر و ابن سینا، اخلاق مداری میرزای شیرازی دوم، پشتکار صاحب الذریعه یا عبات الانوار، عمل به تکلیف امام خمینی^(ره)، و انقلابی بودن امام خامنه‌ای را اسوه قرار داد.

بر این اساس نخبگان متعهد حوزه‌های علمیه و مراکز آموزش عالی کشور در تولید ادبیات و معرفی الگوها از انبیاء تا شهدا، رسالت هدایت‌گری آحاد جامعه اسلامی را بر عهده دارند که باید متناسب با نیازها و شرایط جامعه و جامعه هدف، به مسئولیت خود اقدام نمایند.

ب) **نقد:** در این گام به تحلیل وضعیت موجود جامعه اسلامی و شناسایی آسیب‌ها اقدام می‌گردد. برای رسیدن به فرهنگ اسلامی و سبک زندگی دینی و پرهیز از تقلید سبک زندگی غربی باید ضعف‌های موجود جامعه همانند یک آسیب شناس، مستمراً با نگاه دقیق علمی، شناسایی و علت یابی کرد. جوامع اسلامی متأسفانه در طول سالهای متمادی نفوذ و سلطه فرهنگ غرب در جوامع اسلامی، عادت به تقلید در باورها، ارزشها و رفتارها کرده اند و همواره مقلد و مصرف کننده بوده اند و از فرهنگ اصیل اسلامی و ملی خود فاصله گرفته و گوهر خودی خود را از دست دادند. بنابراین شناسایی آسیب‌های پیروی از فرهنگ غرب در سبک زندگی برای ارتقای تشخیص در این مرحله است.

امام خامنه‌ای در مرحله آسیب‌شناسی سبک زندگی هشدار دادند: «مراقب باشیم دچار سطحی‌نگری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تحجر نشویم - این یک طرف قضیه است - دچار سکولاریزم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدایی دین از زندگی است».

ج) **تبیین:** در شیوه تبیین آسیب شناسی سبک زندگی در جامعه اسلامی، دسته‌بندی، ریشه یابی علل و عوامل شکل‌گیری آسیب‌ها، اولویت‌گذاری و طبقه‌بندی کردن آسیب‌ها از اقدامات اساسی در این مرحله است. دسته‌بندی و تحلیل وضعیت ابعاد آسیب‌های فرهنگی سبک زندگی در جامعه اسلامی شامل سه بعد: ۱- بعد فکری و معرفتی ۲- بعد عاطفی و احساسی ۳- بعد رفتاری و عملی است.

د) تجویز: در این گام محقق در صدد است با ارائه راه حل‌های لازم برای خروج از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب به ارائه روش‌ها و راهکارهای بهبود آسیب‌ها اقدام نماید. مهم‌ترین رسالت آسیب شناس در این گام اقدام به موقع در پیشگیری و درمان صحیح با راه حل‌های مناسب و به موقع متناسب با مخاطب و جامعه هدف برای دفع و یا رفع آسیب هاست. ارتقای آگاهی استدلالی از فرهنگ دینی، فرهنگ سازی از استانداردهای الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی، افزایش هوشیاری و عزم اجتماعی و ملی در مواجهه با تهاجم نرم دشمن و امثالهم از راهکارهای قابل توجه است. وجه مشترک کاری که برای اصلاح سبک زندگی ایرانی در این شرایط باید انجام شود، تکلیف ترک شده و وظیفه فراموش شده: امر به معرف و نهی از منکر است. رواج این فریضه الهی یک راه میان‌بر برای برای اصلاح سبک موجود زندگی در جامعه ایرانی است.

چنانکه مقام معظم رهبری یکی از تذکرات در بعد تجویزی، تذکر فرمودند: «بنده طرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید بتدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ سازان است. و شما جوانها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است».

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری در طراحی فرآیند انقلاب اسلامی، با توجه به نقش و جایگاه ولی فقیه در هدایت و رهبری انقلاب و نظام اسلامی، اهتمام ویژه‌ای به ساختن جامعه نمونه اسلامی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی دارند. طراحی مختصات مهندسی فرهنگی سبک زندگی در جامعه اسلامی، راهبری ایران اسلامی به این سواست. محقق اگر چه اشاراتی گذرا به برخی از مختصات سبک زندگی در جامعه اسلامی از منظر رهبری داشته،

ولی گستردگی عرصه و نو بودن موضوع و ضعف توان مولف کاستی هایی را در ارائه ایجاد نموده که به خواست الهی دیگر محققان با نقد و بررسی آن به تکمیل کردن این موضوع که مورد درخواست امام خامنه‌ای است اهتمام خواهند داشت.

با این شرح، در چارچوب مختصات طراحی شده رهبری ابعاد و مولفه‌ها و شاخص هایی است که باید به تحلیل جامع آن پرداخت. توصیف و چپستی جامعه سالم اسلامی؛ تبیین و ریشه یابی علل و عوامل شکل گیری آسیب‌ها و تحلیل وضعیت آسیب‌های فرهنگی جامعه اسلامی در ابعاد: فکری و معرفتی، عاطفی و احساسی، رفتاری و عملی؛ تجویز و ارائه راه حل برای خروج از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب و ارائه روش‌ها و راه کارهای بهبود از رسالت‌های اساسی همه فرهیختگان و هادیان سیاسی فرهنگی است.

در این راستا معرفی باورها و الگوهای دینی و انقلابی، تبیین احکام و ترویج بایدها و نبایدها و احکام و اخلاق و حقوق اسلامی و به روزرسانی آنها، ترویج اخلاق و تقویت ظرفیت روحی و اخلاقی خود و جامعه، بکارگیری باورهای دینی و پیروی از الگوهای رفتاری اسلامی ایرانی از اقدامات حیاتی است.

منابع

- باکاک رابرت، مصرف، ترجمه‌ی خسرو صبری، تهران، شیرازه، ۱۳۸۱
- جزوه آسیب شناسی سبک زندگی در ایران (۱۳۹۲) ویژه سخنوران فرهنگی، معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، بخش جستار کلیدواژه‌ی سبک زندگی
- پور امینی محمد باقر (۱۳۹۲) سبک زندگی، مشهد آستان قدس رضوی
- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱) گزارش نشست تخصصی سبک زندگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صادقی رشاد علی اکبر (۱۳۹۲) سومین نشست از سلسله همایش‌های سبک

- زندگی اسلامی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، خبرگزاری رسا.
- کاویانی محمد(۱۳۹۱) سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه
- گیدنز آنتونی(۱۳۷۸) تجدد و تشخص، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران، نشر نی
- مهدوی کنی محمد سعید(۱۳۸۷) دین و سبک زند گیف چاپ دوم، نشر دانشگاه امام صادق(ع)
- میر مغزیان سید حسین(۱۳۸۴) الگوی مصرف کلان در جامعه اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره زمستان
- هم‌زاده مهدی (۱۳۹۱) سبک زندگی دانشجوی انقلابی، نشست نوزدهمین نشست سراسری جنبش عدالت خواه دانشجویی در مشهد مقدس.
- Lifeways. London, ۱۹۹۶, Routledge. Chaney,david

تأثیر مذاکره ایران با آمریکا بر محور مقاومت و غیر قابل اعتماد بودن آمریکایی‌ها

احمد کریم خانی

طی ماه‌های گذشته و به‌ویژه پس از انتخابات ۲۴ خردادماه بحث‌ها در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از مذاکره و در نهایت احتمال برقراری رابطه میان ایران و آمریکا بوده است. سفر هیأت ایرانی به نیویورک و حواشی این سفر بخصوص تماس تلفنی روسای جمهور دو کشور و همچنین دیدار دوجانبه وزرای خارجه ایران و آمریکا تا حدودی این مسئله را پررنگ‌تر کرد که ایران و آمریکا با کم کردن از خصومت‌های سه دهه گذشته در مسیر همگرایی و ایجاد رابطه قرار گرفته‌اند. در این میان جدای از محقق شدن یا نشدن این امر مسئله‌ای که ذهن تحلیل‌گران و حامیان جمهوری اسلامی را به خود مشغول کرده این است که برقراری احتمالی این رابطه چه تأثیری بر محور مقاومت خواهد گذاشت؟ برای پاسخ به این مسئله و دغدغه جدی حامیان محور مقاومت ابتدا لازم است درک روشنی از سابقه و ماهیت تعارضات میان دو طرف پیدا کرد تا بتوان به درستی مسئله مورد نظر را تبیین کرد.

مصادیق بی‌اعتمادی به آمریکا

بی‌اعتمادی به آمریکا در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی ناشی از شواهد متعدد تاریخی است که می‌توان به برخی از آنها چنین اشاره کرد: سرنگونی دولت ایران در سال ۱۳۳۲ در کودتای ۲۸ مرداد و سر کار آوردن دولتی دست‌نشانده؛ حمایت از ۲۵ سال دیکتاتوری پهلوی در ایران؛ اقدامات گسترده براندازانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛ حمایت از دولت عراق برای تجاوز و تحمیل جنگ به ایران؛ ورود عملی به جنگ علیه جمهوری اسلامی با حمله به سکوهای نفتی ایران و هواپیمای مسافربری؛ ادامه سیاست تحریم

ایران؛ راه‌اندازی جنگ گسترده تبلیغاتی - رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی؛ مقابله گسترده با رشد علمی کشور با اقدامات خصمانه گسترده علیه برنامه هسته‌ای، ترور دانشمندان هسته‌ای و ...

البته بیان نمونه‌های تاریخی و اشاره به رویکردهای منفی آمریکا نسبت به ایران، نیازمند مجالی مجزا است ولیکن در این قسمت به جهت اهمیت موضوع مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا در مناقشات فکری و رسانه‌ای اخیر، تلاش می‌گردد صرفاً برخی از موارد تاریخی که ناظر به عهدشکنی ایالات متحده می‌باشد، را مورد اشاره قرار دهیم. چه اینکه تاریخ کوشش‌های دیپلماتیک بین ایران و آمریکا حاکی از مصادیق متعددی است که طی آنان، آمریکایی‌ها روند دیپلماسی را در آن ناکام گذاشته و در میانه عرصه‌های دیپلماتیک از خود حُسن نیت نشان نمی‌دهند.

۱- دولت موقت و استرداد شاه: در مقطع آغازین پیروزی انقلاب

اسلامی؛ دولت موقت معتقد بود که؛ حفظ و تثبیت نظام تازه تاسیس منوط به حفظ و گسترش روابط با کشورهای غربی، خصوصاً ایالات متحده آمریکا است. چرا که اساساً ابرقدرت کمونیستی شوروی را به عنوان تهدید اصلی منافع ملی و وحدت ارضی ایران تلقی می‌کردند. اوایل سال ۱۳۵۸ ه.ش، مهندس بازرگان، رئیس دولت موقت انقلاب اسلامی به همراه ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه تلاش نمود تا میانجی‌گری‌هایی بین مقامات عالی انقلاب و آمریکا برقرار کند، درست زمانی که بازرگان در حال میانجی‌گری بود؛ «سنای آمریکا» پیش نویس دو سناتور نزدیک به شاه مخلوع را به تصویب رساند که طبق آن دولت ایران بدلیل آنچه؛ اعدام‌های فوری مقامات رژیم سابق خوانده شده بود، محکوم می‌شد.

کمی بعد در حالی که مسئول وقت میز ایران در وزارت خارجه آمریکا؛ هنری پرشت، سعی داشت «جیمی کارتر» را متقاعد کند که برای نتیجه بخش بودن دیپلماسی بازرگان، از پذیرش شاه مخلوع در آمریکا پرهیز کند؛

رئیس جمهور آمریکا با فشارهای «زبْیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی، به حضور شاه مخلوع به بهانه درمان در آمریکا رضایت داد. امری که در منافع جدی با خواسته های مردم ایران مبنی بر تحویل شاه به ایران قرار داشت. گفته می شود؛ پذیرفتن شاه مخلوع در بیمارستانی در آمریکا، بخشی از پروژه «چیس مانهاتان» بود، موافقان آمریکایی این پروژه در نظر داشتند، دولت آمریکا را متقاعد کنند که با شتاب گرفتن اعتراض های ایرانیان به پذیرش شاه؛ بانک چیس مانهاتان، دارایی های ایران را مسدود کند.

۲- قانون داماتو: با روی کار آمدن دولت سازندگی در جمهوری

اسلامی، آقای هاشمی رفسنجانی تلاش نمود تا شرایط لازم برای عادی سازی روابط با بازیگران منطقه ای و بازیگران بین المللی را فراهم آورند. در این دوران مراودات اقتصادی ایران و آمریکا افزایش چشمگیری یافته بود به طوری که میزان واردات ایران از آمریکا تا سقف یک میلیارد دلار در سال افزایش یافته و آمریکا خریدار یک سوم نفت تولیدی ایران شد (Mearsheimer & Walt, ۲۰۰۸: ۲۸۵). ایران، شرکت نفتی کنکو آمریکایی را به عنوان برنده مزایده میدان نفتی سیری اعلام نمود. بسیاری بر این باور بودند که ایران به عمد، شرکت آمریکایی را بر رقیب فرانسوی ترجیح داده است که خود را آماده برقراری روابط سیاسی نشان دهد. لذا در حالی که می رفت نظریه «مذاکره به جای مهار» جایگزین سیاست مهاردوجانبه شود، اسحاق رابین در تل آویو بر این ادعا بود که؛ عدم موفقیت سیاست مهار دوجانبه به دلیل عدم برخورداری این سیاست از ابزارهای تحریم های اقتصادی بوده است که می تواند در تکمیل سیاست مهار، ایران را متوقف کند. لذا برنامه ای که رسماً در «لایحه اسرائیل آپیک» تحت عنوان «برنامه عمل تحریم های همه جانبه ایالات متحده علیه ایران» ارائه شده بود را برای تصویب در کنگره به سناتور جمهوری خواه «آلفونی داماتو» می رساند، تحریم هایی که بعدها به تحریم های داماتو علیه ایران معروف شد و توانست اولین چراغ سبز دولت هاشمی رفسنجانی برای مذاکره را خاموش کند، آنجایی که شرکت نفتی

آمریکایی «کنکو» را از انجام تعهداتش در قرارداد توسعه «حوزه نفتی سیری» بازداشت از همه تعجب آور تر اینکه، علیرغم سیاست تنش زدایی ایران، خصمانه ترین موضع آمریکا در قبال ایران، توسط وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در همین مقطع اتخاذ شد. کریستوفر که به میانه روی و دقت در کاربرد کلمات مشهور بود، در مورد ایران حدی را رعایت نمی کرد؛ او اولین بار از واژه یاغی برای ایران استفاده کرد.

۳- گفتگوی تمدن‌ها و محور شرارت نامیدن ایران: روی کار آمدن

دولت اصلاحات در ایران و اتخاذ سیاست تنش زدایی و گفتگوی تمدن‌ها، باعث تحول در رفتار سیاست خارجی ایران و ایجاد زمینه‌های همکاری با کشورهای مختلف شد. براین اساس، علی‌رغم آنکه در این ایام زمزمه‌هایی مبنی بر کاهش تنش و احتمال ایجاد رابطه میان ایران و غرب پدیدار شد، اما به قدرت رسیدن نومحافظه کاران در آمریکا با پیروزی جورج بوش پسر، قوت یافتن مسائل مربوط به پرونده‌ی هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هدف تهاجم قرار گرفتن برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روابط فوق را دستخوش تحولات شگرفی کرد. در این دوران ایران برای اثبات همکاری خود با آژانس، پروتکل الحاقی به NPT را امضاء کرد. در زمینه مذاکرات با تروئیکای اروپایی نیز، توافقنامه پاریس برای تبادل تضمین‌های متقابل و تعلیق غنی‌سازی اورانیوم به امضاء رسید. ایران همکاری‌هایی را با ایالات متحده جهت سرنگونی طالبان در افغانستان انجام داد. ایران در جریان عملیات ائتلاف علیه طالبان، شرکت در اجلاس امنیتی بن در ۲۰۰۱ و تشکیل دولت موقت افغانستان نقش موثری ایفا کرد که مورد توجه آمریکا قرار گرفت (شفیعی فر، ۱۳۸۱).

ایران در جریان عملیات ائتلاف علیه طالبان، شرکت در اجلاس امنیتی بن در ۲۰۰۱ و تشکیل دولت موقت افغانستان نقش موثری ایفا کرد که مورد توجه آمریکا قرار گرفت. ایران در دوره اصلاحات به رغم تمامی همکاری‌های بین‌المللی خود و ارسال پیام‌های مثبت به جهان غرب، از سوی کاخ سفید

در فهرست "محور شرارت" به همراه عراق و کره شمالی قرار گرفت. ایران در آن دوره به رغم تمامی همکاری‌های بین‌المللی خود و ارسال پیام‌های مثبت به جهان غرب، از سوی کاخ سفید در فهرست "محور شرارت" به همراه عراق و کره شمالی قرار گرفت. در این راستا ایالات متحده ی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به تلاش جهت دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی متهم و ایران را بر هم‌زنده ی صلح و ثبات بین‌المللی معرفی نمود. در واقع علیرغم همه نشانه‌های دوستی از سوی دولت اصلاحات، در آمریکا وضع کاملاً برعکس بود. جوست هیلترمن، استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا، در سخنرانی خرداد ۱۳۸۱ خود در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه، اشاره می‌کند که: آمریکا می‌خواهد رهبری و نظام اسلامی را در ایران عوض کند. به همین دلیل در شرایط فعلی، آشتی جویی و مسالمت بین ایران و آمریکا معنی ندارد؛ زیرا آمریکا بیشتر در پی تغییر نظام است تا رسیدن به آشتی. پس از آن نیز آمریکا تمام تلاش خود را جهت ناکامی ایران در اجرای فعالیت‌های هسته‌ای و ارجاع پرونده‌ی ایران به شورای امنیت به کار گرفت. همچنین آمریکا به تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پرداخت و سعی کرد با ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی را منزوی سازد.

هرچند مقاومت و ایستادگی مردم ایران، به روشنی بی حاصل بودن تحریم‌ها را به جهانیان نشان داد. لذا حتی نرم‌خویی دولت اصلاحات نه تنها منجر به برقراری رابطه با آمریکا و حل اختلافات نگردید، بلکه موضع آمریکا در قبال ایران آنچنان سخت گردید که به شکلی آشکار، براندازی جمهوری اسلامی و خشکاندن ریشه ملت ایران از جمله اهداف دولت آمریکا اعلام می‌گردید.

سیاست تغییر اوباما و نقش آفرینی در فتنه ۸۸: پیروزی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۸، باعث بازنگری در سیاست خارجی یکجانبه‌گرا و جنگ طلب دوره قبل، با تکیه بر شعار تغییر

گردید. بر همین اساس، فضای سیاسی واشنگتن نسبت به جمهوری اسلامی ایران در سال نخست دولت اوباما متأثر از رویکرد مذاکره گردید. لذا سیاست‌های اعلانی آمریکا مبتنی بر مذاکره و نامه‌نگاری‌ها به ایران در همین راستا قابل تحلیل است.

در مقابل اما، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، از همان ابتدا با توجه به عدم مشاهده تغییر عینی، رویکرد جدید آمریکا را مبتنی بر فریب ارزیابی کردند: حالا دولت جدید آمریکا می‌گوید ما مایلیم با ایران مذاکره کنیم، بیائید گذشته را فراموش کنیم. می‌گویند ما به سمت ایران دست دراز کردیم. خوب، این چه جور دستی است؟ اگر دستی دراز شده باشد که یک دستکش مخمل رویش باشد، اما زیرش یک دست چدنی باشد، این هیچ معنای خوبی ندارد... شعار تغییر می‌دهند؛ خوب، این تغییر کجاست؟... دارائی‌های ملت ایران را آزاد کردید؟ تحریم‌های ظالمانه را برداشتید؟ از لجن پراکنی و اتهام زنی و تبلیغات سوء علیه این ملت بزرگ و مسئولین مردمی آن دست برداشتید؟ شعار تغییر می‌دهند، اما در عمل تغییری مشاهده نمی‌شود...

بدین ترتیب مقام معظم رهبری گوشزد کردند که دولت اوباما نیز توطئه‌های دولت‌های قبلی آمریکا علیه ایران را دنبال می‌کند، با این تفاوت که دست چدنی را با دستکش مخملی پوشانده است. البته دیری نپائید که با حوادث انتخابات دهم ریاست جمهوری و فتنه ۸۸، رویکرد اصلی آمریکا آشکار گردید، که به استفاده از قدرت نرم و توسل به شیوه‌های براندازی نرم متکی بود. القای ناسالم بودن انتخابات و طرح موضوع تقلب، به نقطه مشترک تبلیغات و تکیه کلام عوامل خارجی و داخلی انقلاب بدل شد.

بیانیه مبادله هسته‌ای تهران: مورد دیگر در عهدشکنی و عدم صداقت آمریکا، به توافق هسته‌ای ایران با بزرگ‌ترین و ترکیه باز می‌گردد. نگاهی به موضوع درخواست ایران برای دریافت سوخت ۲۰ درصد، اشاره خوبی برای سنجش حسن نیت مقامات آمریکایی در مواجهه با موضوع هسته‌ای ایران

است.

پس از اینکه درخواست ایران برای تامین سوخت بیست درصد، توسط آمریکا با شروطی غیرقابل قبول مواجه شد، در اردیبهشت ماه سال ۸۹ و در حاشیه اجلاس جی ۱۵ در تهران، بیانیه تهران در خصوص تبادل هسته ای ایران و غرب در کشور ترکیه میان سه کشور ایران، برزیل و ترکیه به امضا رسید.

قبل از این توافق، اوباما نامه ای به رییس جمهور وقت برزیل نوشت. در این نامه اوباما صراحتاً از داسیلوا خواسته بود تا توافقنامه با ایران، درباره تبادل سوخت هسته ای، که آمریکا در ماه اکتبر سال گذشته موفق به پیگیری آن نشده بود، را این بار برزیل پیگیری کند. اوباما در این نامه تأکید کرده بود که؛ موفقیت در امضای این توافق با تهران در جامعه بین المللی اعتمادسازی خواهد کرد و تنش های اخیر درباره برنامه هسته ای ایران را رفع می کند.

اما در اقدامی که حتی تعجب مقامات ترک و برزیلی را به همراه داشت، واشنگتن بلافاصله پس از امضای این بیانیه ۳ جانبه، آن را رد و حتی قطعنامه تحریم های شدیدتر علیه ایران را به شورای امنیت سازمان ملل فرستاد. رهبر معظم انقلاب در بخشی از فرمایشات خود در ابتدای سال ۹۱ با اشاره به ماجرای موافقت ایران با نشست ترکیه و برزیل فرمودند: "این غنی سازی بیست درصد، همان چیزی است که در سال ۸۹ آمریکائی ها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما می باید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیوداروهاست، اورانیوم غنی شده ی بیست درصد تهیه می کردیم؛ چون سوخت بیست درصدمان تمام شده بود. آنها برای این کار شرط گذاشتند و گفتند باید اورانیومی را که تولید کرده اید، خارج بفرستید؛ اما ما قبول نکردیم. آمریکائی ها دولت برزیل و دولت ترکیه را واسطه کردند که با ما صحبت کنند، میانه را بگیرند؛ چیزی مورد توافق به وجود بیاید. ما قبول کردیم. مسئولین ترکیه، مسئولین برزیل به اینجا آمدند و با رئیس جمهور ما نشستند بحث کردند، صحبت کردند و یک نوشته ای را

امضاء کردند. بعد که این توافقنامه امضاء شد، آمریکایی ها زدند زیر قولشان! آنها نمی خواستند این قرارداد امضاء بشود؛ می خواستند امتیاز زیادی بگیرند، زورگویی کنند، باج بگیرند. به خاطر بدقولی ای که آمریکایی ها کردند، دولت برزیل و دولت ترکیه پیش ما شرمنده شدند. ماجرای این بیست درصد این است."

لذا چنانچه مشاهده می شود تاریخ روابط ایران و آمریکا طی دهه های گذشته، نمونه های بسیار روشن و متقنی از عهدشکنی و تزویر مقام های آمریکایی در مواجهه با حسن نیت و گام های اعتمادساز مقام های ایرانی را، در دل خود ثبت و ضبط کرده است.

در مجموع چند دهه خصومت آمریکا علیه ایران دیوار بزرگ بی اعتمادی را در مقابل ملت ما بنا کرده است. که می توان موارد ذیل را برشمرد.

۱- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۲- حمله نظامی عراق به ایران و حمایت آمریکا از عراق

۳- سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران

۴- حمله نظامی به طیس

۵- حمایت از گروه تروریستی منافقین

۶- کودتای نوژه

۷- آوردن نام ایران در لیست شرارت و تروریسم

۸- تحریم های شدید اقتصادی علیه ایران

و ...

مبانی سیاست گذاری آمریکا علیه ایران

استراتژی آمریکا در تقابل با ایران طی سه دهه گذشته مبتنی بر محورهایی است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

الف) حذف یا تضعیف مراکز قدرت و نفوذ ایران در منطقه به ویژه در عراق؛ سوریه، لبنان و فلسطین هدف غیر مستقیم از تحریک مذاکرات

فلسطینی اسرائیلی نیز گرفتن این برگه است، چرا که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها و رژیم‌های عربی معتقدند این موضوع نقش منطقه‌ای ایران را به‌ویژه در حمایت از مقاومت فلسطین و اصرار بر نامشروع بودن رژیم صهیونیستی تضعیف می‌کند. مسلم است که این موضوع یکی از اهداف اصلی جنگ کنونی در سوریه و هدف قرار دادن حزب الله در لبنان و اوضاع سیاسی کنونی در عراق نیز به شمار می‌رود و تضعیف قدرت و نفوذ ایران در ورای تمامی این اقدامات قرار دارد.

ب) تغییر نوک پیکان درگیری‌ها در منطقه از اسرائیل به سمت ایران. این اتفاق با تکیه بر تغییر درگیری‌های سیاسی به درگیری‌هایی مذهبی با ایران قابل اجراست، در همین راستا شعار ابزارها و مزدوران آمریکایی از جمله سازمانها و رژیم‌های خلیجی نیز این است که ایران دشمن آنهاست، نه اسرائیل.

ج) تلاش برای به‌کارگیری شرایط جهان غرب به‌ویژه در محورهای سیاسی و اسلامی برای پیشبرد استراتژی کنترل و تضعیف ایران.

د) ایجاد جنگ بی‌امان امنیتی، دیپلماتیک، اطلاع‌رسانی و اقتصادی علیه ایران برای تضعیف و آزار دادن این کشور از داخل. این راهبرد مرکب در حقیقت به عنوان جایگزین یا جبرانی برای شکست مستقیم در جنگ ۲۰۰۶ لبنان و در جنگ سال ۲۰۰۸ در غزه و علیه مقاومت فلسطین دنبال می‌شود و علت دیگر آن این است که قدرت آمریکا برای آغاز جنگ‌های مستقیم و جدید در منطقه دیگر تضعیف شده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که هدف اصلی آمریکا از این ایستادگی شامل هدف حداکثری است که در براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران از داخل ایران است و هدف حداقلی آن نیز کشاندن ایران به پای میز مذاکرات است

اهداف آمریکا از طرح مذاکره

استقبال دشمن از گفتگو و تلاش برای تشویق به آن در شرایط فعلی را

- می‌توان معطوف به چند هدف دانست که عبارتند از:
- ۱- القاء تاثیرگذاری تحریم‌ها بر رفتار سیاسی ایران
 - ۲- ایجاد شکاف، اختلاف و بی اعتمادی بین نیروهای انقلابی و ایجاد دو قطبی طرفدار و مخالف مذاکره
 - ۳- زیر سوال بردن شعارهای اساسی انقلاب اسلامی از جمله شعار استکبار ستیزی .
 - ۴- ایجاد تردید در ضرورت و کارایی روحیه‌ی استقامت و مقاومت
 - ۵- پیوند بین مذاکره و حل مشکلات
 - ۶- همچنین آمریکا در شرایط سخت اقتصادی و شکننده‌ای قرار دارد که نیازمند اجتناب از هرگونه اقدام چالشی است و در مواجهه با مسائل منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا نیز مصالحه را بر بحران ترجیح می‌دهد.

سناریوهای تأثیر مذاکره بر مقاومت

در صورتی که میان ایران و آمریکا مذاکراتی صورت بگیرد و این مذاکرات به توافقاتی منجر شود یا نهایتاً به از سرگیری مناسبات دیپلماتیک میان دو طرف بینجامد، بسیاری از مسائل، از جمله محور «مقاومت»، تحت الشعاع آن قرار خواهد گرفت. در اینجا به سناریوهای مختلف تأثیرات برقراری رابطه میان ایران و آمریکا بر مقوله‌ی «مقاومت» می‌پردازیم:

- ۱- **سازش و عقب‌نشینی از مقاوم** : یکی از پیش‌فرض‌های برقراری رابطه با آمریکا حل و فصل مسائل منطقه‌ای خواهد بود. بی تردید در رأس این مسائل، قضیه‌ی فلسطین و رژیم غاصب صهیونیستی قرار دارد. به احتمال زیاد، آمریکا یکی از شروط برقراری رابطه را ترک مخاصمه‌ی ایران با اسرائیل و دست برداشتن از اصول خود نسبت به آرمان فلسطین و قطع حمایت از گروه‌های مقاومت (فلسطین، لبنان و...) عنوان خواهد کرد. در این سناریو، که حالت برد- باخت دارد، جمهوری اسلامی ناچار به پذیرش شرط آمریکا بوده و در نتیجه، از شعار نابودی اسرائیل عقب‌نشینی می‌کند و چه بسا در مراحل

بعدی، با فشارهای آمریکا، این رژیم را مورد شناسایی رسمی قرار دهد یا حداقل رابطه‌ی خود را با هسته‌های مقاومت به حداقل برساند. نسبت به قضیه‌ی فلسطین نیز جمهوری اسلامی از شعار تمامیت فلسطین برای فلسطینی‌ها عدول کرده و به توافقات بین‌المللی، از جمله روند سازش، تن خواهد داد. به طور طبیعی، از الزامات این امر، پذیرش طرح «دو دولت» در سرزمین فلسطین و به عبارتی، به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی خواهد بود.

البته در گذشته‌های نه چندان دور، دعوت به سازش با شعارهایی چون تنش‌زدایی سابقه داشته و از سوی برخی جریانات سیاسی و رسانه‌ای، به ویژه در دوران اصلاحات، مطرح شده است. در آن زمان، این جریانات با اتکا بر مقولاتی همچون منافع ملی، قائل به آن بودند که نباید از فلسطینی‌ها فلسطینی‌تر شد و چون جمهوری اسلامی در سطح منطقه و جهان هزینه‌های زیادی در حمایت از فلسطین و ضدیت با اسرائیل می‌پردازد، بهتر است به تنش‌زدایی روی آورد و ضمن کاهش حمایت از مقاومت، از خصومت آشکار با رژیم صهیونیستی نیز دست بردارد.

در سطح رسمی نیز دولت اصلاحات اعلام کرد که اگر فلسطینیان موجودیت اسرائیل را بپذیرند، ایران نیز با آن‌ها موافقت خواهد کرد. وزارت خارجه‌ی دولت اصلاحات هم طی بیانیه‌ای اعلام کرد جهت نابودی رژیم صهیونیستی اقدام عملی انجام نخواهد داد. این رویکرد در جریان فتنه‌ی ۸۸ نیز با شعارهایی چون «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» احیا شد که حاکی از یک سناریوی حساب شده و انحرافی بر ضد سیاست‌های راهبردی نظام بود.

۲- برقراری رابطه محدود، بدون عدول از مقاومت: سناریوی دوم
آن است که ایران با آمریکا سازش کند، اما حرفی از مقاومت به میان نیاورد. بدین معنا که رابطه‌ی دو طرف تنها معطوف به مسائل فی‌مابین، از جمله پرونده‌ی هسته‌ای، مقوله‌ی حقوق بشر و حل و فصل منازعات دوطرفه‌ی

گذشته (اموال بلوکه شده، تحریم‌های یک‌جانبه و...) باشد. در این حالت، می‌تواند از نفوذ خود در حوزه‌هایی همچون عراق و سوریه و لبنان بهره‌برداری کند و برای نمونه، به حل سیاسی بحران سوریه کمک کند.

این سناریو هرچند با توجه به نفوذ ایران در منطقه و حساسیت آمریکا نسبت به مسائل منطقه‌ای (خصوصاً امنیت رژیم صهیونیستی) و همچنین نگرانی شدید اسرائیل از نزدیکی ایران و آمریکا، ضعیف است؛ اما می‌تواند بر اساس توافقات حداقلی و محدود ایجاد شود. چنین توافقی میان دو طرف البته شکننده خواهد بود، اما در سایه‌ی آن، ایران قادر به حمایت از مقاومت بوده و حتی می‌تواند طرح‌های دیپلماتیک خود، همچون برگزاری همه‌پرسی در اراضی اشغالی فلسطین را مجدداً مطرح کند.

۳- رابطه در سایه اقتدار: سناریوی سوم حاکی از ایجاد توافق میان

ایران و آمریکا در شرایط برابر و توأم با حفظ اصول و عزت جمهوری اسلامی است. این حالت برد- برد زمانی تحقق می‌یابد که آمریکا به اقتدار و نقش و جایگاه جمهوری اسلامی اعتراف کند و ایجاد رابطه با آن را یک ضرورت قلمداد نماید. جمهوری اسلامی نیز با توجه به آنکه به مبانی و آرمان‌هایش خدشه‌ای وارد نشده است، تلاش می‌کند از طریق رابطه با آمریکا، مشکلات خود را حل کند و حداقل فشارهای بین‌المللی، از جمله تحریم‌ها را مرتفع کند.

در چنین حالتی، ایران از این معرکه پیروز و قهرمانانه بیرون آمده و آمریکا نیز هرچند با پذیرش ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای از ابهتش کاسته خواهد شد، اما چون بازی برد- برد است، به برخی از اهداف خود دست خواهد یافت. دست کم آن است که کاخ سفید دیگر ناچار به سرمایه‌گذاری‌های کلان در مقابله با جمهوری اسلامی نبوده و کارش در برابر سایر رقبا (همچون روسیه و چین) آسان‌تر خواهد شد.

تحقق این سناریو حاکی از آن است که جمهوری اسلامی خط مقاومت را همچنان حفظ کرده و با تثبیت جایگاه خود، با قوت بیشتری، به حمایت از

مقاومت ادامه می‌دهد. رژیم صهیونیستی هم به تبع آمریکا، ایران مقتدر را به رسمیت می‌شناسد و دست از تهدیدات خود علیه این کشور برمی‌دارد. البته ممکن است پیش‌فرض این حالت، کسب ضمانت‌های امنیتی از سوی آمریکا باشد. ادامه‌ی این روند حتی ممکن است به عقب‌نشینی اسرائیل و پذیرش طرح‌های ایران (مثلاً برگزاری همه‌پرسی در اراضی اشغالی) منجر شود.

جمع‌بندی:

ایران به لحاظ عناصر و شاخص‌های مادی تشکیل‌دهنده‌ی قدرت، به طور بالقوه یک قدرت منطقه‌ای است. آمریکا در طول ۳۴ سال گذشته، راهبردهای متعددی را در برابر ایران اتخاذ کرده است. از نظر دیپلماتیک-سیاسی، اتخاذ سیاست مهار دوجانبه در زمان کلینتون، آغاز انسجام نسبی سیاست آمریکا در برابر ایران بود و مفهوم محوری مهار ایران و ایجاد توازن منطقه‌ای توسط عراق، سازمان‌دهنده‌ی اقدامات آمریکا در خصوص ایران گردید. بعدها با روی کار آمدن دولت خاتمی، این سیاست دچار مشکل شد و تا پایان دوران کلینتون قابلیت اقناعی خود را خصوصاً در اروپا و شورای خلیج فارس از دست داد. در دوران بوش پسر، بعد از یک دوره‌ی کوتاه همکاری در افغانستان و گفت‌وگوی چندجانبه با آمریکا، دوباره روابط تخصص‌آمیز شد و ایران در محور شرارت قرار گرفت و به دنبال آن، بحث تغییر رژیم مطرح گردید که آن هم به مرور ارزش خود را از دست داد.

به دنبال ناتوانی آمریکا در ایجاد ثبات در عراق و افغانستان و همچنین شکست اسرائیل از حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، آمریکا بازگشت به سیاست سنتی خود، یعنی توازن قوا در خلیج فارس را دوباره در دستور کار قرار داد. در این چارچوب، واشنگتن از جنگ تبلیغاتی اعراب محافظه‌کار مصر، اردن و عربستان علیه ایران، مبنی بر ظهور یک هلال شیعی به رهبری ایران و معرفی آن به عنوان تهدیدی برای منطقه و جهان، بهره گرفت و پایه‌گذار تشکیل ائتلافی ضدایرانی در منطقه گردید.

آمریکا در این راه تنها به اقدامات سیاسی و دیپلماتیک بسنده نکرد و با

فروش تسلیحات به کشورهای منطقه، عملاً برای ایجاد قدرت سخت‌افزاری لازم برای تقویت ثبات منطقه‌ای مطلوب خود و متوازن کردن قدرت فزاینده‌ی ایران گام برداشت و از جدی وانمود کردن خطر ایران کوتاهی نکرد؛ اما اقدامات و فعالیت‌های آمریکا نه تنها ایران را منزوی نکرده، بلکه در تحولات منطقه، ایران قدرت واقعی خود را در برابر غربی‌ها به منصفی ظهور گذاشته است.

استراتژی جدید ایالات متحده و اگذاری پرونده‌های مناطق مختلف منطقه به قدرت‌های ذی‌نفوذ و متحد آمریکا و تمرکز بر آسیای دور، به‌ویژه هند و چین است که به زودی می‌روند تا به رقیبی جدی و قابل ملاحظه برای قدرت جهانی آمریکا تبدیل شوند. این دقیقاً زمانی است که باید از فرصت‌ها نهایت استفاده را کرد و دشمن را وادار کرد که قدرت ما را به رسمیت بشناسد. آن هم دقیقاً در زمانی که مجبور است امتیاز دهد. این روزها در مطبوعات عربی، مقالات متعددی نوشته می‌شود مبنی بر بازگشت ژاندارم خلیج فارس (اصطلاحی که القدس العربیه به کار گرفته است) که با سقوط رژیم پهلوی از نقشه‌ی سیاسی محو شده بود؛ ژاندارمی که قرار نیست مطابق با نقشه‌ی آمریکایی‌ها و غربی‌ها عمل کند، بلکه برنامه و استراتژی خاص خودش را دارد و غرب مجبور است قدرتش را به رسمیت بشناسد. ژاندارمی که حتی می‌تواند اراده‌ی خود را به رقیبانش تحمیل کند. همان طور که در عراق، افغانستان و لبنان تحمیل کرد. قدرتی که هیچ کشوری در منطقه توانایی اثرگذاری آن را ندارد.

با توجه به شاخص‌هایی که مطرح شد شکست سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و در مقابل، تثبیت نقش منطقه‌ای ایران، آمریکا را وادار به پذیرش این نقش کرده است. لذا برای برون‌رفت از بحران‌های منطقه‌ای و اجتناب از شکست‌های بیشتر در خاورمیانه، مذاکره با ایران را به عنوان بهترین راه‌حل برای وضعیت کنونی انتخاب کرده است؛ اقدامی که در نگاه استراتژیست‌های دموکرات آمریکا، باعث تأمین منافع آمریکا خواهد شد. بنابراین بر خلاف

برخی تحلیل‌های جانب‌دارانه، گرایش آمریکا به سمت برقراری مجدد روابط با ایران از سر اضطرار بوده و به منزله‌ی قبول نقش منطقه‌ای ایران است و لذا سیگنال‌های مثبتی را به دولت جدید ارسال می‌کنند. از طرف دیگر "مقاومت" به عنوان یک اصل اعتقادی و راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی بی‌بدیل دارد و نظام طی ۳۴ سال گذشته، به هیچ وجه، از این اصل کوتاه نیامده و از حمایت‌های مختلف خود از محور مقاومت در منطقه دریغ نکرده است. از سوی دیگر، نرمش دیپلماتیک، یک تاکتیک مقطعی جهت دستیابی به اهداف مرحله‌ای است و اگر طرف مقابل حسن نیت نشان ندهد و به سیاست‌های خصمانه‌ی خود ادامه دهد، قطعاً راهکارهای دیگری دنبال خواهد شد. اساساً به دلیل اختلافات ریشه‌ای میان ایران و غرب و تجربه‌ی سالیان گذشته، گزینه‌ی نرمش دیپلماسی، بیش از حد خوش‌بینانه و ناکارآمد به نظر می‌آید و به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب از ابتدا نسبت به این موضوع خوش‌بین نبوده‌اند.

مناقشات ایران و غرب درباره‌ی محور مقاومت از پیچیدگی بیشتری برخوردار است، چون در یک طرف این قضیه رژیم غاصب اسرائیل قرار دارد که از حمایت بی‌چون‌وچرای غرب و به ویژه آمریکا برخوردار است و در مقابل، از نظر جمهوری اسلامی، فاقد مشروعیت است. آیا با توجه به این تضاد ماهوی، راهی برای توافق یا سازش متصور است؟

این اختلاف ریشه‌ای در صورتی قابل حل است که یکی از دو طرف از مواضع خود کوتاه بیایند. جبهه‌ی استکبار و صهیونیسم نشان داده است به هیچ وجه سر سازش با جمهوری اسلامی و محور مقاومت را ندارد و ضمن آزمودن انواع فشارها علیه این محور، در هر شرایطی از اسرائیل حمایت کرده است. ایران نیز به رغم انواع فشارها و تهدیدات، ثابت کرده در راه خود ثابت‌قدم است و از سرمایه‌ی عظیم فرهنگ مقاومت و ملت‌هایی که چشم امید به جمهوری اسلامی و رهبری آن دوخته‌اند، چشم‌پوشی نخواهد کرد؛ به‌ویژه آنکه فرهنگ مقاومت کارایی خود را نشان داده و در مقاطعی،

شکست‌های سختی به جبهه‌ی مقابل تحمیل کرده است. به این ترتیب، یکی از موضوعات مورد اختلاف در مناقشات ایران و آمریکا، بحث حمایت ایران از آرمان فلسطین و ضدیت با رژیم صهیونیستی است که برخاسته از اعتقادات دینی و افکار انقلابی است دیوار بی اعتمادی بین ایران و آمریکا.

رؤیای بدون تعبیر نظام سلطه برای بیداری اسلامی

بهزاد کاظمی

بیداری اسلامی به مفهوم حرکت در مسیر احیای اصول و معیارهای اسلامی است که طی آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی زنده می‌شود.

بیداری اسلامی جریانی است که طی آن، مسلمانان پس از قرن‌ها سرخوردگی خواستار احیای اسلام و حاکمیت قوانین اسلامی در جوامع خود شده‌اند. خودباوری و تکیه بر ارزش‌های اسلامی همراه با نفی تفکرات وارداتی از شرق و غرب بویژه در عرصه سیاسی و اجتماعی و بازگشت به اصول سیاسی اسلام، از مشخصات مهم این جریان به‌شمار می‌رود.

حضرت امام خمینی^(۵) چند دهه قبل، بیداری اسلامی را پیش‌بینی نموده و در پیام حج سال ۱۳۶۶ فرموده بودند:

«نمی‌دانند و نمی‌بینند که انقلاب اسلامی صادرشده و یا در شرف صدور است و با تأییدات خداوند متعال پرچم اسلام در آتیه‌های نه چندان دور به دست ملت‌های اسلامی بلکه مظلومان تشنه عدالت اسلامی در سراسر عالم به اهتزاز درخواهد آمد»

و پیش از آن نیز با صراحت فرموده بودند:

«ما می‌خواهیم این بیداری که در ایران واقع شد در همه ملت‌ها و دولت‌ها [واقع] بشود.» حضرت امام این حرکت را «امیدبخش آتیه روشن» و «وعده خداوند» می‌دانستند و می‌فرمودند منتظر «انفجار عظیم در توده‌ها» باشید. (صحیفه نور، ج ۱۵ ص ۷۵)

اکنون پس از گذشت حدود سه سال از آغاز این جریان پربرکت اسلامی زمزمه‌هایی از سوی نظام سلطه و ایادی آنها به گوش می‌رسد که ادعای توقف یا انحراف کامل آن را دارند. در نوشتار حاضر به بررسی این موضوع

می‌پردازیم.

حقیقت و ماهیت بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در حقیقت زنده شدن دوباره یک ملت در پرتو اسلام اصیل و تجدید حیات اسلام است که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه‌ی آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شود. در واقع ماهیت بیداری اسلامی بر محوریت اسلام است و در این فرآیند، ملت‌ها در پی پیدا کردن نقش واقعی خود و پاسخ دادن به ندای فطری خود هستند. آن‌ها می‌خواهند در سرنوشت خود تصمیم‌گیر باشند. زیرا در حقیقت حس استکبارستیزی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و خداجویی سبب آغاز این حرکت عظیم در کشورهای منطقه شده است.

خودآگاهی مسلمانان به‌ویژه در کشورهای اسلامی از قدرت خویش، بازگشت به قرآن، تکیه به فرهنگ غنی اسلامی و الهام‌گیری از انقلاب ایران مسأله‌ای نبود که هضم آن برای صاحبان قدرت آسان باشد. گسترش این پدیده که در ایران پا گرفت و اکنون تمام رژیم‌های را در منطقه تهدید می‌کند منافع قدرت‌ها را به مخاطره انداخت.

امام خامنه‌ای فرموده اند:

"اکنون شرایط منطقه و دنیای اسلام بگونه‌ای است که غربی‌ها تصور می‌کنند از هم‌اوردی با تفکر انقلاب اسلامی عقب مانده‌اند و بر همین اساس تمام توان خود را به کار گرفته‌اند تا این عقب‌ماندگی را جبران کنند. در چنین شرایطی حرکت بیداری اسلامی نیز در منطقه آغاز شد و غربی‌ها که خود را عقب مانده از حرکت تفکر انقلاب اسلامی، می‌دیدند، با سراسیمگی برای مقابله با بیداری اسلامی و اسلام سیاسی وارد میدان شدند." (دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب-۹۲/۶/۱۸)

ابعاد مهم جریان بیداری اسلامی

جریان بیداری اسلامی دو بعد مهم دارد: یک بعد نظری و اعتقادی و

دیگر بعد مادی و مطالبات مردمی. که مطالبات مردمی نیز به باورها و اعتقادات ملت‌های مسلمان برمی‌گردد.

چهره نظری و اعتقادی بیداری اسلامی، در واقع به طبیعت اسلامی این تحولات بازمی‌گردد. توجه به شاخص‌های اعتقادی که در شعارها و خواسته‌های انقلابیون از یک سو و آغاز حرکت‌های انقلابی از مبادی نمازهای جمعه و جماعت شکل می‌گرفت، موید اسلامی بودن این تحولات است.

درباره مطالبات مردمی نیز باید گفت این بعد در چارچوب اصلاح وضعیت امت و ملت مسلمان تعریف می‌شود. درخواست آزادی، استقلال، عدالت و رفاه مادی، موضعی است که مردم در شعارهای خود آنها را مطالبه می‌کنند.

بر این اساس حرکت عظیم بیداری اسلامی که در آغاز شکوفایی خود قرار دارد تلاش جوامع مسلمان در راستای احیای تمدن اسلامی و احقاق حقوق از دست رفته‌ی خود و ایجاد تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی با محوریت اسلام است.

از دیدگاه امام خامنه‌ای بیداری اسلامی بوجود آمده در جوامع اسلامی که منجر به سرنگونی مهره‌های استعماری غرب و آزادی ملت‌های مسلمان از چنگ استبداد سیاه شده است الهام گرفته از تفکر اسلام ناب محمدی^(ص) و انقلاب اسلامی است.

همچنانکه فرموده اند:

«قبل از انقلاب اسلامی، در بسیاری از کشورها و از جمله کشورهای اسلامی، گروه‌ها و جوان‌ها و ناراضی‌ها و آزادی طلب‌ها با ایدئولوژی‌های چپ وارد میدان می‌شدند، اما بعد از انقلاب اسلامی، پایه و مبنای حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی بخش، اسلام شد. امروز در هر نقطه‌ای از دنیای وسیع اسلام که جمعیت یا گروهی، به انگیزه آزادی خواهی و ضدیت با استکبار حرکت می‌کنند؛ مبنا و قاعده کار و امید و رکشان، تفکر اسلامی است.»

(حدیث ولایت، ج ۲، ص ۲۹۶)

بیداری اسلامی و احساس خطر استکبار

با به راه افتادن نهضت بیداری اسلامی، نظام سلطه و استکبار جهانی منافع خود را به شدت در خطر می‌بینند و تمام سعی خود را در عقیم ماندن این جریان صرف می‌کنند.

اراده ملت‌های مسلمان و اهتمام آنها برای ساقط کردن حکومت‌های غیر اسلامی و غرب‌گرا در منطقه، غربی‌ها را واداشت در برابر روند رو به رشد بیداری اسلامی دست به توطئه بزنند تا این جریان سرنوشت‌ساز را از مسیر درست خود که مقابله با استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی است به انحراف بکشانند.

به اعتقاد تحلیل‌گران و اندیشمندان، غرب برای به انحراف کشاندن بیداری اسلامی، مدل‌های جعلی و التقاطی از بیداری اسلامی را ارائه کرد و به جای بیداری اسلامی، نام بهار عربی را مطرح کرد.

البته با عنایت به گسترش آگاهی و بصیرت امت اسلامی، نسخه‌های جعلی غرب، جذابیتی برای ملت‌های مسلمان ندارد و مسلمانان به حدی از درک و تحلیل سیاسی رسیده‌اند که دیگر فریب نیرنگ‌بازی‌های غرب را نخورند و در مسیر حق خود پا برجا و محکم ایستاده‌اند تا جایی که انقلاب‌های مردمی و اسلامی را به سرانجام رسانده و ثمره آن را ببینند.

امام خامنه‌ای در این باره فرموده‌اند:

"ما البته تردید نداریم که ملت‌های به پا خاسته‌ی آن منطقه که بیداری اسلامی را تجسم بخشیدند، بإذن الله اجازه نخواهند داد که عقربه‌ی زمان به عقب برگردد و دوران زمامداران فاسد و وابسته و دیکتاتور، تکرار شود، لیکن غفلت از نقش قدرتهای استکباری در فتنه‌انگیزی و دخالت‌های ویرانگر، کار آنان را دشوار خواهد کرد و دوران عزت و امنیت و رفاه را سالها به عقب خواهد افکند." (پیام به کنگره عظیم حج - ۹۲/۷/۲۲)

استمرار بیداری اسلامی

امام خامنه‌ای با اشاره به آسیب‌های جریان بیداری اسلامی، استمرار آن

را قطعی دانسته‌اند:

"در این حوادثی که اخیراً رخ داد در دنیای اسلام در این منطقه ی ما، هر جایی می بینید خسارتهایی متحمل شدند، به خاطر این است که نمی دانستند چه کار باید بکنند، یک خطّ درست راهنما حاکم نبود بر کارها؛ خب این جوری شد؛ البتّه این جور هم نخواهد ماند. اینجا هم آن اتفاقی که در منطقه ی اسلامی و کشورهای اسلامی افتاده است - آن بیداری - یک چیز بی سابقه ای است، کار خودش را خواهد کرد. این یک عنصر، یک استدلال، که استدلال تجربه است." (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ۹۲/۶/۲۶)

ایشان ضمن برشمردن ترفندهای استکبار جهانی می‌فرمایند:

"امروز شما ملاحظه کنید در منطقه ی ما حوادث گوناگونی در جریان است. از چندین سال پیش تا امروز، دستگاه استکبار، غرب آسیا را منطقه ی تاخت و تاز خودش قرار داده؛ علی‌رغم حضور استکبار در منطقه و فعالیتّی که آنها کردند، بیداری اسلامی به وجود آمد؛ و من عرض بکنم بیداری اسلامی تمام شده نیست؛ این جور نیست که ما خیال کنیم که حالا با حوادثی که در بعضی از کشورها اتفاق افتاد، بیداری اسلامی از بین رفت. بیداری اسلامی یک حادثه ی سیاسی محض نبود که مثل یک کودتایی، مثل یک جابه‌جایی ای یکی بیاید و یکی برود، بعد دیگری بیاید او را از بین ببرد. بیداری اسلامی به معنای این بود که یک حالت تنبّه و آگاهی و خودباوری با تکیه ی به اسلام در جوامع اسلامی پدید آمد؛ در شمال آفریقا بر طبق یک اقتضائاتی، در مصر مثلاً یا در تونس یا قبل از اینها در سودان، حوادثی را به وجود آورد؛ در جاهای دیگر هم این زمینه ی بالقوه به طور کامل وجود دارد. این جور نیست که ما فکر کنیم که بیداری اسلامی از بین رفته است؛ نه، این یک واقعیتی در زیر پوست ظاهری جوامع است.

لذا شما می بینید در کشوری که ادّعای گرایش به اسلام می‌کند، مردم به آن دولتی که گرایش به اسلام دارد رأی می‌دهند؛ این نشانه ی اقبال به اسلام

و توجه به اسلام است. بنابراین حادثه‌ی بیداری اسلامی یک حادثه‌ی بسیار بزرگی است که وجود داشت؛ علی‌رغم استکبار این حادثه به وجود آمد، برخلاف خواسته‌ی استکبار بود. و طبیعی است که از آن طرف هم واکنش وجود دارد؛ امروز ما واکنش جبهه‌ی دشمن را داریم مشاهده می‌کنیم، هم در شرق منطقه‌ی ما، یعنی در منطقه‌ی پاکستان و افغانستان، تا منتهالیه غرب آسیا، یعنی منطقه‌ی سوریه و لبنان، حوادث وجود دارد. جبهه‌ی استکبار - که خب فرد شاخص جبهه‌ی استکبار هم دولت ایالات متحده‌ی آمریکا است - منافعی برای خودشان در منطقه تعریف کردند با نگاه استکباری - یعنی همان نگاه استعماری قرن نوزدهمی با شکل جدید - و به دنبال این هستند که همه‌ی مسائل منطقه را با توجه به این منافعی که برای خود تعریف کردند، حل بکنند؛ قضیه‌ی سوریه هم از همین قبیل است، قضیه‌ی بحرین هم از همین قبیل است. حضور استکبار در این منطقه، حضور متجاوزانه و زورگویانه و زیاده‌خواهانه‌ای است که هر مقاومتی در مقابل خودش را می‌خواهد از بین ببرد؛ البته تا به حال بحمدالله نتوانستند و نخواهند توانست." (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - ۹۲/۶/۱۴)

مؤلفه‌های تأثیرگذار و ضامن بقای بیداری اسلامی

در جریان بیداری اسلامی مؤلفه‌های بسیاری تأثیر دارند که علاوه بر اینکه عامل آغاز بیداری اسلامی هستند، ضامن استمرار و بقای آن بر اساس مبانی اسلامی نیز محسوب می‌شوند. مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار و تداوم بخش در جریان بیداری اسلامی عبارتند از:

۱- ایمان و عقیده عمیق الهی

امت اسلامی به وحدانیت پروردگار جهانیان و رسالت پیامبر اکرم (ص) اعتقاد عمیق دارد. قرآن را کلام خداوند سبحان و آن را منجی بشریت گمراه و مبارزه با طواغیت و دشمنان انسانیت تلقی می‌کند.

این تفکر و عقیده عمیق الهی، که مبنای نظری و عملی بیداری اسلامی است، ریشه در جان و دل مسلمانان دارد. بدیهی است حرکت و جنبشی که برپایه باور و اعتقاد قلبی، آغاز شده تا زمانی که این اعتقاد وجود دارد، تداوم خواهد داشت.

هر چه امروز سختی و بلا بر سر مسلمانان می آید بر اثر گم کردن سر رشته زندگی در زیر سایه توحید است. هر چه امت اسلامی به سمت توحید و عبودیت لله پیش برود، شر طواغیت و اندادالله از سر آن، بیشتر کم خواهد شد.

همان گونه که امام خمینی^(۵) فرمودند: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است با هم توحید کلمه کنید» (صحیفه امام ج ۲ ص ۳۲) امام خامنه‌ای در این باره فرموده‌اند:

"بی شک دوران کنونی، دوران بیداری و هویت یابی مسلمانان است؛ این حقیقت را از خلال چالش‌هایی که کشورهای مسلمان با آن روبه‌رو شده‌اند نیز بروشنی میتوان دریافت. درست در همین شرایط است که عزم و اراده‌ی متکی به ایمان و توکل و بصیرت و تدبیر، میتواند ملت‌های مسلمان را در این چالش‌ها به پیروزی و سرافرازی برساند و عزت و کرامت را در سرنوشت آنان رقم زند." (پیام به کنگره عظیم حج - ۹۲/۷/۲۲)

۲- رویارویی با دشمن مشترک

جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل است کیان اسلامی را تهدید می‌کند. جریان بیداری اسلامی علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را که با انقلاب اسلامی به اهتزاز در آمد در گستره امت اسلامی، برافراشته نگهداشته است.

امام خمینی^(۵) در این باره فرمود: «دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند. این دشمن مشترک را دفع کنید». (صحیفه امام ج ۱۶،

ص ۲۸۷)

امام خامنه‌ای نیز در این زمینه تأکید فرموده‌اند:

"جبهه‌ی مقابل که بیداری و عزّت مسلمانان را بر نمی‌تابد، با همه‌ی توان به میدان آمده و از همه‌ی ابزارهای امنیتی، روانی، نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی برای انفعال و سرکوب مسلمانان و به خود مشغول ساختن آنان بهره می‌گیرد. نگاهی به وضعیّت کشورهای غرب آسیا از پاکستان و افغانستان تا سوریه و عراق و فلسطین و کشورهای خلیج فارس، و نیز کشورهای شمال آفریقا از لیبی و مصر و تونس تا سودان و برخی کشورهای دیگر، حقایق بسیاری را روشن می‌سازد.

جنگ‌های داخلی؛ عصبیّت‌های کور دینی و مذهبی؛ بی‌ثباتی‌های سیاسی؛ رواج تروریسم قساوت‌آمیز؛ ظهور گروه‌ها و جریان‌های افراط‌گر که به شیوه‌ی اقوام وحشی تاریخ، سینه‌ی انسان‌ها را می‌شکافند و قلب آنان را با دندان می‌درند؛ مسلّحینی که کودکان و زنان را می‌کشند، مردان را سر می‌برند و به نوامیس تجاوز می‌کنند، و حتّی در مواردی این جنایات شرم‌آور و مشمّزکننده را به نام و زیر پرچم دین مرتکب می‌شوند؛ همه و همه محصول نقشه‌ی شیطانی و استکباری سرویس‌های امنیتی بیگانگان و عوامل حکومتی همدست آنان در منطقه است که در زمینه‌های مستعدّ داخلی کشورها امکان وقوع می‌یابد و روز ملّت‌ها را سیاه و کام آنان را تلخ می‌کند. یقیناً در چنین اوضاع و احوالی نمی‌توان انتظار داشت که کشورهای مسلمان، خلأهای مادّی و معنوی خود را ترمیم کنند و به امنیّت و رفاه و پیشرفت علمی و اقتدار بین‌المللی که برکات بیداری و هویت‌یابی است، دست یابند." (پیام به کنگره عظیم حج - ۹۲/۷/۲۲)

۳- آرمان مشترک

انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز درآوردن پرچم لاله‌الاله هستند. جنبش‌های اسلامی

معاصر بر ناتوانی لیبرالیسم و ناسیونالیسم در اداره و هدایت مسلمانان مهر تأیید زد و اسلام را به عنوان تنها راه حل زندگی سیاسی مسلمین مطرح ساخت.

حضرت امام خامنه‌ای هم در باره آرمان مشترک همه مسلمانان فرمودند: «مسلمانان جهان بیدار شده‌اند و هویت اسلامی خودشان را بازیافته‌اند؛ آنها از مسلمانی خودشان احساس عزت کرده‌اند. در کشورهای اسلامی، جوانان، دانشگاهیان، روشنفکران و نخبگان، دلشان مجذوب هدف‌های اسلامی است و برای آن ارزش قائلند؛ برای آن تلاش می‌کنند. در دنیای اسلام، ملت‌هایی از برکت این شجره‌ی طیبه، هویت حقیقی و هویت ملی و اسلامی خودشان را بازیافته‌اند و با اینکه در طول سالیان متمادی در پنجه‌ی قدرت ابرقدرت‌ها بوده‌اند، احساس قدرت کرده‌اند. امروز فلسطین یک نمونه است، عراق یک نمونه است، شمال آفریقا نمونه‌های متعددی دارد، لبنان یک نمونه است. آرمان، اسلام و استقلال در میان این ملت‌هاست و آنها امیدوارانه و پُرانگیزه تلاش می‌کنند. اینها ثمرات همان شجره‌ی طیبه‌ای است که این مرد بزرگ، این عبد صالح، با قیام خود و با خصوصیات منحصر به فرد خود توانست غرس کند». (بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی^(ره))

۴- اراده مردمی و قدرت ملتها

مردم‌گرایی اسلامی عاملی در ایجاد و گسترش بیداری اسلامی و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. اهمیت و ارزشی که این عامل دارد تنها در نقش آفرینی برای شروع بیداری اسلامی نیست بلکه مداومت این جریان در مسیر صحیح نیز تا حد بسیاری مرهون اراده مردمی و قدرت ملتها است.

نقاط عطف و عظمت‌های تاریخ بشریت در پرتو اراده و عزم راسخ مردم و قدرت ملتها رقم خورده است و ادامه این روند هم با حضور ملت‌های مسلمان در قالب بیداری اسلامی، تضمین کننده حفظ و استمرار آن خواهد

بود.

اگرچه بخشی از روشنفکران و نخبگان جوامع اسلامی با خواست و حرکت ملت‌های خود فاصله دارند ولی حقیقت بیداری اسلامی در قلوب مردم مسلمان، زنده و پایدار است. همان وضعیتی که اکنون در متن مردم کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود.

امام خامنه‌ای می‌فرماید:

"مطلوب مردم به پاخاسته «نظام مردمسالاری اسلامی» است. یعنی حاکمان با رأی مردم برگزیده می‌شوند و ارزش‌ها و اصول حاکم بر جامعه اصول مبتنی بر معرفت و شریعت اسلامی است این خود می‌تواند در کشورهای گوناگون به اقتضای شرایط با شیوه‌ها و شکل‌های گوناگون تحقق یابد ولی با حساسیت کامل باید مراقب بود که این با دموکراسی لیبرال غربی اشتباه نشود." (بیانات در اولین کنفرانس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۹۰/۰۶/۲۶)

۵- ناامیدی از سازش و تسلیم در برابر غرب

شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای در دهه‌های اخیر و قطع امید ملت‌ها از سیاست‌های سازشکارانه، منجر به شکل‌گیری جریان‌های مبارز مسلمان در برابر استکبار و اسرائیل غاصب و ظهور جنبش حماس در فلسطین و حزب‌الله در لبنان گردید. این شیوه و روش انقلابی در برابر استکبار جهانی از عواملی است که در جریان بیداری اسلامی کاملاً مشهود است و در تداوم آن نیز نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

پیش از آغاز بیداری اسلامی، جوامع اسلامی تحت تأثیر تبلیغات گسترده غربی‌ها همواره احساس حقارت و عقب ماندگی داشته است که در طرح‌های تسلیم و سازش با استکبار و صهیونیسم نمایان شد.

اینک با وقوع بیداری اسلامی این حس به عزت و سربلندی و احساس هویت بدل گشته و راه جدیدی در برابر امت اسلامی گشوده است. باور ملت‌های مسلمان به کارآیی و نتیجه بخش بودن این راه نوین، یکی از عوامل

استمرار بیداری اسلامی خواهد بود.

نتیجه:

با توجه به موارد ذکر شده روشن می‌شود تحولاتی که به عنوان بیداری اسلامی از سال ۱۳۸۹ در جوامع اسلامی شروع شد دارای روح و ماهیت اصیل اسلامی و پشتوانه عمیق مردمی است.

حقیقت این است که امواج بیداری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت در سراسر جهان بوده و ارزشهای اسلامی در حال احیا می‌باشد. امروز بیداری اسلامی به عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام ناب، تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک تفکر ریشه دار و اصیل سامان داده شده است.

کلام پایانی اینکه بیداری اسلامی به رغم خواست مستکبران عالم، زنده و پویا به راه خود ادامه می‌دهد و اگرچه با افت وخیز همراه بوده اما اصالت و عقبه ایمانی آن مانع توقف این حرکت تاثیرگذار خواهد بود زیرا عوامل و مؤلفه‌های بسیاری نظیر مواردی که به آنها اشاره شد وجود دارد که ضامن استمرار و بقای جریان بیداری اسلامی می‌باشند.

آوردگاه ژنو، تجربه‌ای دیگر برای ملت ایران

عباس حاجی نجاری

مقدمه:

دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۱ + ۵ که با روی کار آمدن دولت یازدهم همزمان شده است، به دلیل اثرپذیری از مؤلفه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تفاوت‌های قابل توجهی با روند مذاکرات گذشته دارد. پس از تحقق حماسه سیاسی مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۹۲ دولت آقای روحانی با شعار اعتدال‌گرایی و تعامل با جهان روی کار آمد و با انتقال مسئولیت مذاکرات هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه در شیوه و رویکرد مذاکرات تغییراتی اساسی ایجاد شد. این تغییر از عقبه و پشتوانه‌ی مستحکمی هم در عرصه داخلی بین‌المللی برخوردار بود چرا که پیشرفت‌های هسته‌ای ایران در عرصه غنی‌سازی شامل تولید صدها کیلو اورانیوم غنی شده بیست درصد و پائین‌تر از آن، تولید و نصب صفحه سوخت نیروگاه تهران و نصب و راه‌اندازی هزاران سانتریفیوژ نسل جدید در مراکز فردو و نطنز، موقعیت ایران را در تراز کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای تثبیت کرده است. در عرصه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز اقتدار ایران سبب شده که غربی‌ها به این باور برسند که سیاست‌های منطقه‌ای آنها جز با ملاحظه راهبردهای ایران امکان‌پذیر نباشد، که مصداق بارز آن تحولات اخیر سوریه و شکست راهبرد غرب در سرنگونی دولت قانونی این کشور در برابر راهبرد ایران در حمایت و تحکیم جبهه مقاومت است.

شرایط اقتصادی کشور و پیچیدگی مذاکرات آینده ایجاب می‌کرد که تیمی توانمند برای دفاع از حقوق ایران در عرصه بین‌المللی و پیگیری مذاکرات هسته‌ای و همچنین حل مشکلات اقتصادی کشور که پاشنه آشیل دولت یازدهم بود انتخاب شوند که در این زمینه هم مجلس با همراهی با

دولت در انتخابات تیمی همراه با رئیس جمهور، برای این دوعرصه به رغم ضعفهای برخی از وزرا عملاً بهترین فرصت را برای دولت در آستانه مذاکرات ایجاد کرد.

رهبری‌های راهبردی

دور جدید مذاکرات هسته‌ای اگر چه به ظاهر معطوف به مهار و کنترل توانمندی هسته‌ای ایران است، اما از منظر نظام سلطه این مذاکرات برآیند راهبردهای سه گانه درعرصه‌های جنگ افروزی، فساد انگیزی و فقرآفرینی درسه دهه گذشته است. زیرا در شرایطی که آنها از جنگ سخت و نرم خود علیه انقلاب اسلامی طرفی نبستند و تمام ظرفیت خود را در اجرای سناریوی تحریم فلج کننده علیه انقلاب اسلامی به کار گرفته‌اند و با ادعای اینکه تشدید تحریم‌ها سبب شده است که ایران در مذاکرات حاضر شود و در عین حال از روی میز بودن همه گزینه‌ها سخن می‌گویند تردیدی باقی نمی‌ماند که میز مدور کنفرانس ژنو در اصل خط مقدم مواجهه نظام سلطه با انقلاب اسلامی است.

مقام معظم رهبری با بستر سازی مناسب برای این دور از مذاکرات و تعیین خطوط قرمز نظام در این عرصه و حمایت از دستگاه دیپلماسی کشور و تیم مذاکره کننده هسته‌ای عملاً بهترین بستر را فراهم کردند تا حقانیت نظام اسلامی اثبات شود و به طور قطع دستگاه دیپلماسی کشور و تیم مذاکره کننده هسته‌ای با اتکاء به آن و با برنامه‌ریزی مناسب خواهد توانست این عرصه را به برآیند همه نقاط قوت کشور تبدیل و در صورت صداقت گروه مقابل، آن را به بازی برد - برد برای طرفین میدان بازی تبدیل کند.

مقام معظم رهبری در آستانه سفر رئیس جمهور به نیویورک در جمع فرماندهان سپاه یادآور شدند: غوغا و جنجال‌آفرینی آمریکای غرب و جریان‌های وابسته و دلبسته به آنها را در بحث هسته‌ای باید در چهارچوب چالش عمیق نظام سلطه و انقلاب اسلامی درک و تحلیل کرد. ایشان با اشاره

به پیچیدگی‌های دنیای دیپلماسی افزودند: عرصه‌ی دیپلماسی عرصه‌ی لب‌بند و درخواست مذاکره است، اما همه‌ی این رفتارها باید در چهارچوب چالش اصلی فهم و درک شود. ایشان ضمن موافقت با حرکت‌های صحیح و منطقی در سیاست‌های خارجی و داخلی افزودند: با مسأله‌ای که سال‌های پیش «نرمش قهرمانانه» خواندم، موافقم، چرا که این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است، اما با پایبندی به یک شرط اصلی. ایشان درک ماهیت طرف مقابل و فهم صحیح هدف‌گذاری او را شرط اصلی استفاده از تاکتیک نرمش قهرمانانه اعلام کردند و افزودند: یک گشتی گیر فنی نیز برخی مواقع به دلیل فنی نرمش نشان می‌دهد، اما فراموش نمی‌کند که حریفش کیست و هدف اصلی او چیست؟

بعد از مرحله اول مذاکرات اگرچه ایشان بعضی از اقدامات هیئت ایرانی در سفر به نیویورک را "به جا" ندانستند اما با توجه به فضای داخلی کشور و انتقادات برخی فعالان سیاسی داخل به برخی از ابعاد سفر و خصوصاً مذاکره تلفنی روسای جمهور ایران و آمریکا، به منظور جلوگیری از سوء استفاده دشمنان و تقویت روحیه تیم مذاکره کننده هسته‌ای در سخنرانی خود در جمع دانش آموزان با حمایت کم نظیر از تیم مذاکره کننده هسته‌ای یادآور شدند: اینها فرزندان انقلاب و مأموران جمهوری اسلامی هستند که با تلاش فراوان در حال انجام دادن مأموریت سخت خود می‌باشند و «هیچ کس نباید آنها را تضعیف کند، مورد توهین قرار دهد یا سازشکار بداند».

محورهای راهبردی در این فرمایشات برای تداوم تحرک دیپلماتیک و ادامه مذاکرات به شرح زیر است:

۱. اهمیت نقش استکبارستیزی در هویت بخشی به حرکت انقلابی مردم ایران و حفظ آن به عنوان یکی از اصول راهبردی در افق سیاست خارجی

۲. پیگیری و تأکید بر ضرورت پذیرش واقعیت جمهوری اسلامی ایران

از سوی دشمنان

۳. پذیرش اصل مذاکره حتی با دشمن در عرصه دیپلماسی، مشروط بر حفظ هوشیاری در برابر فریبکاری‌های احتمالی آنها
۴. محدود بودن مذاکره به مسائل هسته‌ای و لاغیر
۵. تأکید بر مواضع راهبردی نظام اسلامی در زمینه عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی
۶. بی‌اعتمادی و خوشبین نبودن ما به مذاکره. هر ملتی به آمریکا اعتماد کرد ضربه خواهد خورد حتی اگر از دوستان آمریکا باشد.
۷. هوشیاری در زمینه علت دشمنی آمریکا با ملت ایران و جمهوری اسلامی وعدم تقلیل مسئله به قضیه‌ی هسته‌ای و تأکید بر اینکه موضوع هسته‌ای بهانه است و آمریکاییها زمانی از خصومت دست برمی دارند که ملت ایران به ملتی منزوی، بی اعتبار و بی احترام تبدیل شود.
۸. تأکید بر نگاه به درون و مؤلفه‌های اقتدار درون را برای حل مشکلات کشور. محور اصلی، باید اتکا به توانایی داخلی باشد که می‌تواند پای میز مذاکره نیز اعتبار و اقتدار بیاورد.
۹. تنها راه رسیدن به اهداف والای انقلاب اسلامی حفظ آگاهی و هوشیاری است. لبخند فریب‌گرانه دشمن، ما را دچار اشتباه و خطا نکند. مسئولان، به اظهار نظرها و اقدامات طرف مقابل، دقت و توجه لازم را داشته باشند.
۱۰. نقد خلاف‌گویی و ترفند برخی رسانه‌ها و تبلیغاتچی‌های داخلی در رابطه با ادعای حل مشکلات اقتصادی با تسلیم در مقابل دشمن در قضیه‌ی هسته‌ای

دیپلماسی دولت یازدهم، میدانی برای آزمون غرب

دولت یازدهم با طرح شعار اعتدال در سیاست خارجی، گام‌های عملی خود را تنها پس از گذشت ۲ ماه از آغاز فعالیت رسمی خود در عرصه

دیپلماسی برداشت و به نظر می‌رسد نقطه آغاز این موضوع را باید سفر و حضور فعال دولت یازدهم در نیویورک و سخنان مهم آقای دکتر روحانی در شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل دانست. ضمن این که تاریخی ترین تحول در روابط ایران و آمریکا یعنی ملاقات آقای ظریف با جان کری در حاشیه نشست وزرای خارجه ۱+۵ با ایران و گفتگوی تلفنی ۱۵ دقیقه‌ای آقای روحانی با اوباما در لحظات پایانی حضور آقای روحانی در نیویورک اتفاق افتاد.

دولت یازدهم به رغم دولت‌های گذشته و یا شاید متأثر از تحولات اخیر، از همان آغاز کلید حل مشکلات کشور را در سیاست خارجی می‌دانست و از این روست که آقای روحانی در مراسم تودیع و معارفه وزیر امور خارجه دولت یازدهم، می‌گوید: یک پیام مهم انتخابات ۲۴ خرداد تجدیدنظر در سیاست خارجی بود، تجدید نظر به معنای تغییر در اصول و مبانی نیست چرا که آن اصول و مبانی سر جای خودش ثابت است، اما لااقل تغییر در شیوه‌ها و نحوه عملکرد و تاکتیک‌هاست که موردنظر مردم بوده (در دستور کار است)، اما این دولت تغییر در شیوه عملکرد و تاکتیک در سیاست خارجی را در دستور کار خود دارد. عرصه سیاست خارجی بسیار حساس است و من کلید حل مشکلاتمان را در این مقطع در دست سیاست خارجی می‌دانم.

مبتنی بر این استراتژی دولت یازدهم، نشست مجمع عمومی سازمان ملل اولین و مهمترین فرصت قابل اتکاء بود تا در آن دیدگاهها و مواضع خود را مطرح و بتواند فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در چارچوب راهبردهای خود بکار گیرد. مذاکرات وزرای خارجه گروه ۱+۵ با وزیر خارجه ایران در جریان این نشست و در راستای آن دیدار مستقیم وزرای خارجه ایران و آمریکا در جریان آن برای طرف آمریکایی و دیگر مذاکره‌کنندگان اتفاق غیرقابل انتظاری بود که می‌توانست تحولی برای دور جدید مذاکرات باشد.

برنامه ریزان این مذاکرات تصورشان این بود که دستاوردهای آن بسیار فراتر از هزینه‌ای خواهد بود که بر آن مترتب است، اما بهره برداری طرف آمریکایی از این مذاکرات که فراتر از مجوزهای اولیه و به نوعی شکستن خط قرمزی از نظام در برابر ما به ازای اندک آن بود، سایر تحولات سیاسی پس از آن و به ویژه مذاکرات بعدی ژنو و ... را تحت الشعاع قرار داد.

رئیس جمهور در دفاع از تحرک دیپلماتیک دولت یازدهم می‌گوید: باید در عرصه سیاست خارجی انعطاف حکمت آمیز داشت که همان نرمش قهرمانانه‌ای است که مقام معظم رهبری فرمودند و ما از اصول و آرمان‌ها و عزت ملی عدول نمی‌کنیم. ما می‌توانیم به پشتوانه و حمایت ملت و در سایه رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری مسائل را هر چه که پیچیده تر باشد حل و فصل کنیم. رئیس جمهور افزود: در سفر نیویورک احساس کردم که زمینه حل مسائل در دنیا وجود دارد اما باید گام به گام حرکت کنیم و مسائل یک شبه حل و فصل نمی‌شود.

اما عملکرد دوگانه آمریکایی‌ها و سوء استفاده آنها از حسن نیت طرف ایرانی سبب طراحی عملیات روانی پیچیده‌ای برای مدیریت روند مذاکرات هسته‌ای شد در این زمینه باراک اوباما در مصاحبه‌ای تلویزیونی با شبکه تلویزیونی «ای بی سی» آمریکا با اشاره به مکاتبه با رئیس جمهور ایران تأکید کرد: دیپلماسی که با پشتیبانی تهدید نظامی در مورد سوریه اعمال شد، مدلی بالقوه برای مذاکره با ایران درباره حل مسئله هسته‌ای تهران است. به نظرم وقتی مجموعه‌ای از تهدید واقعی در زمینه استفاده از زور اگر همراه باتلاش‌های جدی دیپلماتیک وجود داشته باشد، می‌توان به توافق دست یافت. به نظر من اگر تهدید مشروع توسل به زور با تلاش‌های جدی دیپلماتیک مخلوط شود، آن موقع است که می‌توان به توافق رسید.»

مواضع دوگانه اوباما و دیگر دولت مردان آمریکایی سبب شد که در آستانه دور دوم مذاکرات در ژنو رئیس جمهور ایران رسماً اعلام کند که دولت به غربی‌ها و مذاکرات جاری خوش بین نیست و در جریان معرفی دومین وزیر ورزش در

مجلس یادآور شد: طرف‌های مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی باید به این نکته توجه داشته باشند که فضای بوجود آمده فضایی استثنایی است که مردم در انتخابات ۲۴ خرداد آن را پیش روی همه قرار داده‌اند یکی از شعارهای اصلی که ملت ایران برگزیده است، شعار تعامل سازنده با جهان بوده است. امیدوارم طرف‌های مذاکره‌کننده با ایران در ۵+۱ از فرصت استثنایی که ملت ایران برای غرب و جامعه بین‌الملل ایجاد کرده‌اند، استفاده کرده تا بتوانیم در زمان معقولی به نتیجه مثبت دست پیدا کنیم. رئیس‌جمهور در ادامه تأکید کرد: دنیا بداند بدون حضور و ایفای نقش ایران، یا مشکلات منطقه حل نمی‌شود و یا با هزینه بسیار گزاف حل می‌شود. برای ما خط قرمزها قابل عبور نیست، حقوق ملت ایران خط قرمز ماست، منافع ملی خط قرمز ماست و از جمله این حقوق مردم ایران، حقوق هسته‌ای در چارچوب مقررات بین‌المللی و از جمله غنی‌سازی در داخل خاک ایران است.

شکست تابوی مذاکره بین ایران و آمریکا

روند دیپلماسی دولت یازدهم از آغاز به شدت مورد استقبال آمریکاییها قرار گرفت اما پس از سفر رئیس‌جمهور ایران به نیویورک و پس از طرح پیشنهاد ایران در اجلاس اول ژنو، مبتنی بر برآورد آنها از فضای ایران و منطقه و به ویژه واکنش‌های صهیونیست‌ها و متحدان منطقه‌ای آمریکا اهداف پنهانشان در روند پرونده هسته‌ای ایران گام به گام روشن ترشد. در این زمینه دوناگاه وجود داشت:

الف- نگاه بدبینانه معتقد بود نیاز اوباما عامل اصلی فضای موجود است. بدین معنی که در شرایط موجود، آمریکا به ایران نیاز دارد و به همین دلیل مایل است مقامات ایران را پشت میز مذاکره بنشاند و حتی حاضر است برای تحقق چنین هدفی امتیازاتی نیز بدهد. حتی فارغ از نیازهای اوباما، به نظر می‌رسد تیم اوباما بر این باور است که تحریم‌ها روی ایران تاثیر گذاشته و دولت جدید ایران را اساساً محصول طراحی‌های راهبردی خود می‌داند. بنابراین همزمان با مذاکرات، از آن جا که آمریکا حاضر به مذاکره از موضع

برابر نیست، این موضوع را به شکل راهبردی دنبال نخواهد کرد.

ب- اما نگاه خوشبینانه معتقد بود که احتمال این که دولت دموکرات آمریکا، رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم را پذیرفته و آن را به عنوان یک فرصت می‌داند، وجود دارد، بنابراین حاضر است برای آن امتیاز بدهد و به همین دلیل، می‌توان انتظار همکاری‌های تاکتیکی بیشتر با دولت آقای روحانی از سوی آمریکا داشت. در واقع دولت اوباما ارائه امتیازات به طرف ایرانی را مشروط به مواضع اپوزیسیونی دولت خواهد کرد.

با این وجود، در مورد سناریوی مطلوب آمریکا در شرایط کنونی می‌توان روی محورهای زیر تاکید داشت:

- ۱- مواضع جدید اوباما بر پایه رفتار تاکتیکی و کاملاً عمل‌گرایانه است.
- ۲- اوباما، دولت یازدهم را به عنوان یک فرصت می‌داند که روی کار آمدن آن در ایران را محصول طراحی‌های راهبردی خود در بخش تحریم‌ها معرفی می‌کند.
- در این راستا، معطوف به محیط داخلی ایران نیز اهداف سه‌گانه‌ای را دنبال می‌کند:

الف- سیاست دو قطبی سازی جامعه ایران

ب- ایجاد سرخوردگی برای پیگیری آرمان‌های انقلاب اسلامی

ج- ایدئولوژی زدایی از سیاست خارجی ایران

- ۳- اجرای سناریوی «رفع تحریم مشروط» از سوی آمریکا در مرحله جدید قطعا در دستور کار آمریکا خواهد بود. بدین معنی که کمک خواهد کرد برخی گشایش‌های اقتصادی در داخل ایران برای مثبت نگه داشتن فضا صورت گیرد.

۴- البته یکی از شروط اساسی تر آمریکا در مسیر جدید، مدیریت راهبردهای کلان تر جمهوری اسلامی به ویژه در حوزه مقاومت منطقه‌ای است.

پس از نشست اول ژنو و طرح پیشنهادهای ایران از سوی تیم مذاکره کننده هسته‌ای، آمریکایی‌ها که خود را یک گام به جلو می‌بینند به مرور اهداف خود را آشکارتر می‌کنند. وندی شرمن معاون ارشد وزیر امور خارجه امریکا می‌گوید: اوپاما از «حق استفاده صلح‌آمیز» سخن گفت نه «حق غنی‌سازی». اوپاما معتقد است که زمانی که ایران تمام نگرانی‌های ما را بر طرف ساخت، مردم ایران حق دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و برنامه هسته‌ای را دارند. ما معتقدیم که به دلیل همین تحریم‌ها بود و این تحریم‌ها بخش قابل توجهی از انگیزه ایران برای نشستن پشت میز مذاکرات را تشکیل داده است. در حقیقت روحانی و ظریف و همه گفته‌اند و به خصوص در زمان مبارزات انتخاباتی این مسئله روشن شده که او انتخاب شد تا جلوی تحریم‌ها را بگیرد و اقتصاد را بهبود دهد. پس این را می‌دانیم که این مسئله برای آن‌ها مهم است. پس اینطور هم نیست که تا قبل از اینکه نتیجه مد نظرمان را بگیریم آن‌ها را (تحریم‌ها را) برداریم و ما به همکاری با کنگره برای افزایش فشارهای مورد نیاز به ایران ادامه می‌دهیم.

شرمن که ریاست تیم مذاکره کننده امریکایی در گروه ۵+۱ را برعهده دارد همچنین در اظهاراتی در کمیته سیاست خارجی سنا با اهانت به مردم ایران می‌گوید: ما به دنبال حذف تحریم‌های وسیع علیه ایران نخواهیم بود و تنها به این کشور فرصت می‌دهیم برای از بین بردن نگرانی‌های ما، مدتی استراحت کند. ما به طور دقیق رفتار تیم مذاکره کننده ایرانی را زیر نظر می‌گیریم و بعد از مذاکرات درباره روش‌ها و تحریم‌های بعدی بحث خواهیم کرد. فریب و نیرنگ قسمتی از DNA ایرانیان است.

لس آنجلس تایمز به نقل از سناتور مارک کرک می‌نویسد: «تا زمانی که ایران به فعالیت‌های خود در زمینه دست یابی به دانش ساخت سلاح هسته‌ای ادامه می‌دهد، موشک‌های بالستیک دوربرد می‌سازد، از تروریسم در سراسر جهان حمایت و حقوق بشر را نقض می‌کند، سنا بیشترین فشارهای اقتصادی ممکن را بر این کشور اعمال خواهد کرد تا به دیپلماسی فرصت

موفقیت داده شود». برای اینکه مذاکرات ایران و آمریکا موفق باشد، ایران علاوه بر توقف برنامه هسته‌ای باید حمایت از مقاومت را تعطیل کرده، برنامه موشکی خود را هم متوقف کند و همچنین به روند نقض حقوق بشر در ایران پایان بدهد.

رادیو فردا به نقل از جن پساکی، یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا هم می‌گوید: ما در رابطه با چالش‌های موجود در مذاکرات هسته‌ای با رژیم تهران ساده‌اندیش نیستیم. ما فلج کننده‌ترین تحریم‌های تاریخ را اعمال کرده‌ایم، که دلیل رسیدن رژیم تهران به نقطه فعلی است. ما هیچ اقدامی نمی‌کنیم، مگر اینکه احساس کنیم تضمین دار است.

اما آلن ایر "سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با این ادعا که پس از مذاکرات ژنو، اختلافات با ایران برسر پرونده هسته‌ای این کشور کمتر شده است می‌گوید: با توجه به گفتگوی تلفنی روسای جمهوری ایران و آمریکا و دو دور مذاکره وزرای خارجه دو کشور، تابوی مذاکره بین ایران و آمریکا شکسته است.

چرایی رفتار دوگانه آمریکایی‌ها در برخورد با پرونده هسته‌ای ایران

در حالیکه تندروهای کنگره آمریکا از تصویب دور جدید تحریم‌ها علیه ایران سخن به میان آورده و انعطاف ایران در مذاکرات ژنو را کافی نمی‌دانند، کاخ سفید مدعی است که تلاش دارد تا کنگره را متقاعد کند تا از تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران خودداری کرده تا در روند مذاکرات هسته‌ای خللی ایجاد نشود. به گزارش رویترز کاخ سفید دوم آبان ماه نشستی با حضور مشاوران سنای آمریکا ترتیب داد، تا قانون‌گذاران را مجاب کند فعلاً تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران را به تعویق بینانند. کاخ سفید می‌خواهد تا سناتورها بررسی تحریم‌هایی که قرار بود ماه گذشته در کمیته بانکی این بخش از کنگره بررسی شود، اما به درخواست باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، عقب افتاد را دوباره به زمانی دیگر موکول کنند. جمهوری خواهان در برابر این درخواست مقاومت می‌کنند، اما تصمیم‌گیری در این

مورد در دست سناتور تیم جانسون دمکرات است که رئیس کمیته بانکی است و هم‌حزبی‌های او اکثریت مجلس سنا را در دست دارند. تازه‌ترین تحریم‌هایی که مجلس نمایندگان تصویب کرده و سنای آمریکا بررسی آن را در آن زمان عقب انداخت با هدف کاستن دوباره صادرات نفت ایران به اندازه یک میلیون بشکه نفت دیگر در روز، طراحی شده است.

در بررسی دیدگاه‌های دو جناح مذکور اگرچه در کلام آنها بعضاً تفاوت‌هایی دیده می‌شود، اما هدف راهبردی آنها تسلیم نظام اسلامی است.

اهداف تاکتیکی آنها را در چند محور زیر می‌توان یافت.

۱- عملکرد کنگره به عنوان «پلیس بد» باهدف سوق دادن ایران به تمکین در برابر خواست کاخ سفید به عنوان «پلیس خوب» صورت می‌گیرد.

۲- برآورد ضعف و نیاز در طرف ایران سبب شده است که آنها با بزرگنمایی تحریم‌های آینده، طرف مذاکره کننده، ایران را وادار به دادن امتیاز بیشتر و حتی عبور از خطوط قرمز نمایند.

۳- اثرگذاری بر فرآیندهای داخلی ایران و تقویت جریان معتقد به سازش و تسلیم و برقراری رابطه با آمریکا هدف دیگر این بازی دوگانه است.

۴- تأثیرگذاری بر کشورهای منطقه و اطمینان بخشی به آنها در زمینه اینکه آمریکا در برابر ایران کوتاه نمی‌آید.

۵- حفظ و تقویت روحیه رژیم صهیونیستی و تأکید هر دو جناح بر تداوم حمایت از آن رژیم و رفع نگرانی‌ها در مورد انعطاف احتمالی در برابر ایران.

۶- تأثیرگذاری بر سایر اعضای گروه ۱ + ۵ و حفظ ظرفیت آنها در چارچوب راهبردهای آمریکا.

سلطه صهیونیستها بر گروه ۱+۵

قبل نشست دوم ژنو وب سایت رادیو فردا در گزارشی از نقش لابی صهیونیست بر گروه ۱+۵ می‌نویسد: در حالیکه ایران و شش قدرت جهانی برای دیداری دوباره در ژنو توافق کردند و طرفین گفت‌وگوهای هفته گذشته در ژنو را مثبت ارزیابی کردند،

اسرائیل همچنان بر لزوم ادامه فشار بر ایران تاکید دارد. موضعی که تحلیلگران می‌گویند به فاصله‌ای میان تل‌آویو و واشنگتن دامن زده است. آنطور که خبرگزاری‌ها نوشته‌اند وزیر امور استراتژیک اسرائیل یووال اشتاینیتز و گروهی از مقام‌های امنیتی، دفاعی و سیاست خارجی اسرائیل در واشنگتن می‌روند تا در جریان نتایج گفت‌وگوهای محرمانه هفته گذشته بین ایران و گروه ۵+۱ در ژنو قرار گیرند. نشریه صهیونیستی هاآرتص هم نوشت: پس از گفتگوهای ژنو، اعضای هیئت مذاکره کننده انگلیسی در پایان مذاکرات هسته‌ای با ایران، برای گفت‌وگو با مقامات اسرائیلی، مستقیماً به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده و با یووال اشتاینیتز وزیر امور راهبردی رژیم صهیونیستی و دیگر مقامات اسرائیل دیدار داشته‌اند.

در آستانه دور دوم مذاکرات ژنو، ایپک کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل که قوی‌ترین لابی اسرائیل در آمریکاست، گفته بود تا آنجا که درتوان دارد، از هیچ تلاشی برای حفظ مجازات‌های تنبیهی علیه ایران فروگذار نخواهد کرد.

به گزارش رادیو فردا سران ایپک و دیگر سازمان‌های بانفوذ یهودی-آمریکایی گفته‌اند شکیبایی‌شان برای تلاش سیاسی آمریکا در حل بحران اتمی ایران تنها ۶۰ روز دیگر دوام خواهد داشت. بر اساس این گزارش، این سازمان‌ها به کاخ سفید اعلام کرده‌اند که در پایان این مهلت، تلاش علنی خود را برای برقراری تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران از سر خواهند گرفت.

بایسته‌های تیم مذاکره کننده ایران

در آستانه دور دوم مذاکرات، فرمایشات مقام معظم رهبری در روز ۱۲ آبان و پس از آن حضور میلیونی مردم ایران در مراسم روز ۱۳ آبان که با حضور دولتمردان هم همراه شد، دستگاه‌های تصمیم‌سازی و هیئت‌های حاکمه نظام سلطه را به محاق برد، به گونه‌ای که پس از انعکاس این مراسم و به‌رغم شعارهای مطرح شده، جی‌کارنی، سخنگوی کاخ سفید بدون اشاره به مظالم مطرح شده علیه مردم ایران در سال‌های اخیر، مدعی می‌شود که بیشتر مردم ایران خواهان داشتن رابطه خوبی با کشورهای غربی هستند و به

بهبتر شدن وضعیت اقتصادی کشورشان از طریق رابطه با غرب امیدوارند، او در عین حال صحبت‌هایش را به رأی مردم ایران در انتخابات اخیر مستند کرده و می‌گوید نتیجه انتخابات اخیر ایران ما را به این نتیجه رسانده است.

مبتنی بر این تحلیل بود که امریکایی‌ها و دیگر هم‌پیمان‌های غربی و منطقه‌ای‌شان در طراحی دوره‌های بعدی مذاکرات و با این باور که فشارها ایران را ضعیف کرده و بر این اساس مسئولان ایرانی در اثر تشدید فشارها گام‌به‌گام از مواضع خود عقب خواهند نشست، مواضع خود را تنظیم و و عملیات روانی و پیچیده‌ای را سامان دادند و با افزایش مطالبات خود عملاً تلاش کردند تیم مذاکره‌کننده ایرانی را منفعل کرده و به‌زعم خود به دادن امتیازات بیشتر وادارند. بر اساس این خط‌القایی که متأسفانه توسط برخی «عناصر تبلیغاتچی ساده‌لوح یا مغرض» داخلی نیز تکرار می‌شد، اینگونه القا می‌شد که اگر ایران در مسئله هسته‌ای تسلیم شود همه مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی کشور حل می‌شود. این خط‌القایی اگر چه در جای خود توهینی به منتخب مردم بود، اما در هفته‌های اخیر و پس از حضور حماسی مردم در مراسم پرشکوه ۱۳ آبان و اعلام انزجار از استکبار جهانی به بستری برای تقویت و انسجام ملی تبدیل شد و البته فرصت مغتنمی نیز برای دولتمردان و به ویژه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران بود که مبتنی بر خطوط قرمز طراحی شده نظام و با اتکا به حمایت‌های رهبری معظم انقلاب و مردم بتوانند با قدرت در این آوردگاه حاضر شده و از منافع ملی ایران در این عرصه دفاع کنند و مذاکرات را پیش ببرند

در این زمینه اگر چه رسانه‌های غربی عمده‌ترین دلیل عدم توافق نشست دوم در ژنو را مواضع فابیوس وزیر خارجه فرانسه اعلام کرده‌اند که با ورود ناگهانی خود به عرصه مذاکرات و اعلام اینکه متن پیشنهادی برای متوقف کردن برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران و توسعه نیروگاه اراک بسیار ناتوان است، اما تردیدی در آن نیست که فابیوس در این موضع‌گیری به نیابت از

جان‌کری و نتانیاهو و دیگران، با ورود به صحنه کوشید روند مذاکرات ژنو ۲ را متوقف و فرصت تنفسی برای تجدید قوای نظام سلطه به منظور ادامه مذاکرات فرسایشی در ژنو ۳ و... را فراهم کند. به طور طبیعی امریکایی‌ها تلاش خواهند کرد با بازسازی فضای چالشی گذشته و تکرار بازی دوگانه «پلیس خوب و بد» به نوعی عملیات روانی جدید را طراحی و اجرا کنند تا با اثرگذاری بر فرآیندهای داخلی، به زعم خود زمینه را برای عقب‌نشینی ایران از مواضع خود فراهم کنند.

مبتنی بر این مقدمات و با توجه به قصد نظام سلطه در فرسایشی کردن روند مذاکرات و به زعم خود خسته کردن ایرانیان و تحقق سناریوی تسلیم، اگر چه ممکن است در روند این مذاکرات توافقات حداقلی حاصل شود، اما تیم دستگاه دیپلماسی کشور و تیم مذاکره کننده هسته‌ای با توجه به حمایت و اعتماد کم نظیر رهبر معظم انقلاب و مردم مبتنی بر مولفه‌های زیر قادر است دستاوردهای ارزشمند تری را برای نظام اسلامی به ارمغان آورد:

۱- عملکرد تاکنون نظام سلطه به‌رغم لبخندهای اخیر به روندهای سیاسی داخلی ایران، نشان‌دهنده این است که پیوند زدن سرنوشت کشور به عرصه سیاست خارجی، با توجه به غیرقابل اعتماد بودن طرف مقابل نتیجه معکوس داشته و آنها را به اثرگذاری فشارها و تحریم‌ها امیدوارتر کرده است، لذا در عین اینکه تحرک دیپلماتیک باید بخشی از راهبرد ما باشد، اما باید نگاه را از بیرون به داخل متوجه کرد و آنگونه که مقام معظم رهبری فرمودند، اگر ملتی به قدرت و توانایی‌های خود متکی باشد، از اخم یا تحریم دشمن متلاطم نمی‌شود و ما باید به دنبال تحقق این هدف باشیم، اتکا بر توانایی داخلی است که می‌تواند پای میز مذاکره نیز اعتبار و اقتدار بیاورد.

۲- جمله کوتاه آقای روحانی در دیدار با مجمع نمایندگان فارس در این زمینه که «دولت به غربی‌ها و مذاکرات جاری خوش‌بین نیست» اگرچه در سایت اطلاع‌رسانی دولت انعکاس نداشت، اما با بازتاب قابل‌توجهی در

رسانه‌های غربی همراه شد. این گلایه به حق اگر توسط دستگاه دیپلماسی تبدیل به یک نقشه راه و گفتمان شود، وزنه تیم مذاکره‌کننده در مذاکرات آینده تغییر خواهد کرد و دستاوردهای بیشتری را برای تیم ایرانی خواهد داشت.

۳- نقطه اتکای اصلی تیم مذاکره‌کننده امریکایی در فزون‌خواهی بیشتر متأسفانه اظهارات دولتمردان در سیاه‌نمایی از شرایط اقتصادی کشور و بحرانی نشان دادن آن است. اگرچه در این تردیدی نیست که بخش عمده‌ای از مشکلات کنونی اقتصادی ناشی از ضعف مدیریت اقتصادی در گذشته است، اما سؤال اساسی این است که آیا بازخوانی مکرر آن بدون انجام هیچ اقدام قابل اعتنا از سوی وزرای دولت یازدهم، دستاوردی برای کشور داشته است؟ و یا اینکه در نقطه مقابل مردم را نسبت به قابلیت و توانمندی دولتمردان «تدبیر و امید» ناامید کرده است؟ مروری بر پیامدهای اظهارات وزیر محترم صنایع در مورد خودرو که آورده‌ای دهها میلیاردی برای دلان خودرو داشت تنها مصداق کوچکی از آن است. آیا در دولت برنامه‌ای برای جلوگیری از این فرصت‌سازی‌ها برای دشمن طراحی شده است؟

۴- تکیه بر استراتژی اقتصاد بدون نفت در داخل به عنوان یک الگوی عملیاتی با هدف قطع امید دشمنان به منظور بهره‌گیری از عنصر درآمدهای نفتی برای فشار بر ایران، در شرایط کنونی برای شکست جنگ روانی نظام سلطه بیش از پیش احساس می‌شود. اقتصاد ایران که توانسته است کاهش ۶۰ درصد درآمد نفتی را تحمل کند، به دلیل ظرفیت‌های بالا و البته بهره‌گیری از مؤلفه‌های حماسه اقتصادی قادر خواهد بود که این طلسم عملیات روانی دشمن را نیز بشکند.

۵- همانطور که دولت قبلی به راهبرد اقتصاد مقاومتی، بی‌اعتنایی کرد، دولت کنونی نیز «حماسه اقتصادی» را برناتافته و برای آن برنامه‌ای ندارد ریاست محترم جمهور با توجه به تجربیات ارزشمندی که از دوران دفاع

مقدس دارد، بر این نکته آگاه است که حماسه اقتصادی مردم در دوران دفاع مقدس و کمک‌های آنها به جبهه، نقش اصلی در پیروزی و ایستادگی دولت وقت و رزمندگان داشت. بسیاری از آن تجربیات در شرایط کنونی قابل الگوبرگشت و اجراست.

۶- روند مذاکرات و اظهارات اخیر رئیس کمیته خارجی سنا نشان می‌دهد که نظام سلطه بیشتر از ایران به ختم پرونده هسته‌ای برای حل مسائل منطقه‌ای بین‌المللی خود نیاز دارد. آنها بر این نکته اذعان کرده‌اند که حمایت‌های ایران است که می‌تواند بستری برای حل مسائل منطقه‌ای باشد و تداوم چالش هسته‌ای این فرصت را از آنها سلب می‌کند.

۷- نشست دوم ژنو یکبار دیگر اختلافات درون گروه ۵+۱ را نشان داد. فعال شدن دستگاه دیپلماسی ایران در این عرصه می‌تواند ظرفیت‌های ایران را در مذاکرات افزایش دهد.

۸- با توجه به سلطه عیان صهیونیست‌ها بر گروه ۵+۱ و عدم ثبات و استقلال رأی این گروه به نظر می‌آید این ایران است که باید حضور خود را به استقلال رأی آنها مشروط کرده و میدان بازی را تغییر دهد. در این عرصه مؤلفه‌های قدرت سخت و نرم ایران می‌تواند تکیه گاه دستگاه دیپلماسی کشور شده و دست برتر را در مذاکرات آینده به ایران بدهد، در غیر این صورت ادامه مذاکرات با این شرایط نفعی برای ایران ندارد.

۹- اما این روند به رغم نتایج احتمالی در عرصه دیپلماسی و هسته‌ای یک نتیجه غیر قابل انکار نیز خواهد داشت و آن همان جمله حکیمانه مقام معظم رهبری است که فرمودند: باذن الله از این مذاکرات ضرری هم نمی‌کنیم بلکه تجربه‌ای در اختیار ملت قرار می‌گیرد که مثل تجربه تعلیق موقت غنی‌سازی در سال‌های ۸۲ و ۸۳، ظرفیت فکری و تحلیلی مردم را بالا خواهد برد.



اندیشه و رفتار سیاسی شهید مطهری

علی مرادزاده

این نوشتار در دو بخش تنظیم گردید که در شماره گذشته «ساختار اندیشه دینی سیاسی»، «روش‌شناسی انتقادی»، «آینده‌سازی»، «خاستگاه افکار و آراء»، «تئوری‌پردازی انقلاب اسلامی» و «جریان‌سازی و هدایت مبارزه» استاد شهید مطهری مورد مذاقه و ارائه قرار گرفت. و در این شماره محورهای همچون «تبیین تئوریک و تفسیر جمهوری اسلامی»، «آینده‌پژوهشی و آینده‌نگری»، «فوائد و آثار ایمان»، «ماهیت و چشم‌انداز تربیتی انسان»، «انسان امروز» و «غیرت دینی» ارائه و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

شهید مطهری و جمهوری اسلامی

استاد شهید مطهری که فرایند شکل‌گیری، اوج‌گیری، پیروزی و نهادینه ساختن انقلاب اسلامی همواره نقش اساسی داشتند پس از پیروزی انقلاب از ارکان تأسیس جمهوری اسلامی بودند. ایشان در رابطه با جمهوری اسلامی از چند زاویه مؤثر واقع شدند:

۱- تبیین تئوریک و تفسیر جمهوری اسلامی: استاد مطهری در تبیین صحیح ماهیت و ترسیم اهداف و

چشم‌انداز انقلاب اسلامی و تفسیر منطقی از جمهوری اسلامی پیشتاز و بی‌بدیل بودند. افکار و گفته‌های و نوشته‌های ایشان همواره مبنای شکل‌گیری ساختار نظام سیاسی جدید و تدوین قانون اساسی برآمده از انقلاب قرار گرفت. ایشان به تبعیت از امام خمینی^(۵)، مردم‌سالاری دینی را معادل مفهوم جمهوری اسلامی دانسته و آن‌را نمونه و الگوی مطلوبی برای کشور ارزیابی کردند که جامعترین مدل مردم‌سالاری و جمهوریت مبتنی بر اسلام خواهد بود. و مردم‌سالاری لیبرال را نفی می‌کرد. شهید مطهری در تفسیر این مفهوم، محتوای نظام را شریعت اسلام و شکل آن را جمهوری و مبتنی بر آراء و انتخابات آزادانه مردم دانستند و فرمودند: جمهوری اسلامی از دو کلمه مرکب شده است، کلمه جمهوری و کلمه اسلامی، کلمه جمهوری، شکل پیشنهاد شده را مشخص می‌کند و کلمه اسلامی محتوای آن را. (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۷۹، ۱۳۷۷) درباره ماهیت قوانین نیز فرمودند: اسلام برای نیازهای ثابت، قوانین ثابت و برای نیازهای متغیر، وضع متغیری در نظر گرفته است. (همان، ص ۹۱) در خصوص اسلامیت نیز تصریح می‌کند: (اسلامیت حکومت) یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره می‌شود و در مدار اصول اسلامی حرکت می‌کند چون می‌دانیم که اسلام به عنوان یک دین، در عین حال یک مکتب و یک ایدئولوژی، طرحی است برای زندگی بشر در همه ابعاد و شؤون آن. (همان، ص ۸۰). شاخصه‌های جمهوری اسلامی در این دیدگاه عبارتند از: باور به ولایت الهی در تکوین و تشریع، عدالت، معنویت، خدمتگزاری، جهاد و مبارزه، ایثار و فداکاری، امانت‌داری، قانونگرایی، ساده زیستی زمامداران. (جمهوریت و اسلامیت از دیدگاه شهید مطهری، جمعی از نویسندگان، ص ۸۴)

در بیان شهید مطهری مساله جمهوری، مربوط است به شکل حکومت که مستلزم نوعی دموکراسی است. یعنی این که مردم حق دارند سرنوشت خود را خودشان در دست بگیرند و این ملازم با این نیست که مردم خود را از گرایش به یک مکتب و یک ایدئولوژی و از التزام و تعهد به یک مکتب معاف بشمارند.

(پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۸۱) بنابراین اسلامی بودن این جمهوری، به هیچ وجه با حاکمیت ملی... منافات ندارد. (همان، ص ۸۳). دموکراسی اسلامی، بر اساس آزادی انسان است، اما این آزادی انسان در آزادی شهوات خلاصه نمی‌شود. (همان، ص ۱۰۲)

امام راحل در این زمینه معتقدند که «شکل حکومت ما، جمهوری اسلامی است، جمهوری به معنای اینکه متکی بر آزادی اکثریت است.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۷). جمهوری اسلامی یعنی اینکه رژیم با احکام اسلامی و به خواست مردم عمل می‌کند. (همان، ج ۷، ص ۲۰۱). ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آراء عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام می‌باشد. (آئین انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی).

۲- مجاهدت در اداره کشور: شهید مطهری در کمیته استقبال از امام خمینی^(۹)، همراهی با امام در فرانسه و لحظه ورود به ایران، نقش کلیدی داشتند، در تأسیس شورای انقلاب و استقرار دولت قانونی و بسترسازی تدوین قوانین و مقررات لازم برای اداره کشور مجاهدت شبانه روزی کردند. شهید محلاتی^(۱۰) می‌گوید: کمیته استقبال از امام را سه نفر اداره می‌کردند که شهید مطهری و شهید مفتاح بودند و من که متأسفانه هنوز مانده‌ام، شهید مطهری همچون قوه عاقله، تمام جریانات استقبال ورود امام و برنامه‌ها را مورد بررسی قرار می‌داد. (خردمند، محمد، شهید مطهری، مرزبان بیدار، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳).

علما و روحانیون به عنوان اعتراض به بختیار از هشتم بهمن در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند و شمار آنان تا دهم بهمن به دوهزار نفر رسید و شهید مطهری رکن اصلی در برپایی این تحصن بود و فرمودند تا وقتی امام نیایند باید تحصن ادامه یابد. (سرگشتهای ویژه در زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، شورای نویسندگان، ج ۲، ص ۹۸ و ۹۹). سرانجام در ۱۲ بهمن امام به تهران آمد و تا چند روزی اداره بیت امام بر عهده شهید مطهری بود، ایشان

آنقدر مراقب بود تا مبدا عناصر ناسالم از این گروهکها، یا غیر گروهکها نفوذ کرده و اخلال نمایند. حالت بیدارباشی خصیصه ایشان بود. (همان، ص ۵۲)

پیش از پیروزی انقلاب از طرف امام، مسئولیت شورای انقلاب بر عهده استاد مطهری واگذار گردید و که استاد در این امر به نحو شایسته انجام وظیفه نمودند. تا امام به تهران بازگشتند. پس از بازگشت امام نیز همواره در دبیرستان علوی در کنار امام بودند و با ایشان همکاری می کردند. سرانجام در نیمه شب ۵۸/۲/۱۱ بوسیله اعضای گروه منحرف و ضد مذهبی فرقان به شهادت رسید. (باقی نصرآبادی، علی، سیری در اندیشه های اجتماعی شهید مطهری، ۱۳۸۸، چ سوم، ص ۴۵)

شهید مطهری، آینده پژوهشی و آینده نگری

بدیهی است شهید مطهری در قامت یک ایدئولوگ و تئوری پرداز همواره دغدغه آینده نهضت را داشتند، ایشان آینده پژوهی و آینده نگری در فرآیند انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار دادند و پیرامون دو متغیر اساسی معطوف به آینده یعنی شناسایی و دفع آسیب ها و آفات از یکسو و حفاظت و پاسداری از دستاوردها و تضمین استمرار انقلاب از سوی دیگر به تفصیل به کنکاش پرداخته و سخن گفتند. ایشان مهمترین آفات و آسیب های پیش روی انقلاب اسلامی را عبارت می دانند از:

۱- نفوذ اندیشه های بیگانه: اندیشه های بیگانه از طریق دوستان و دشمنان نفوذ می کنند، دشمنان تلاش دارند تا روح آن مکتب را تغییر دهند و دوستان بعلت ناآشنایی با مکتب، آگاهانه یا ناآگاهانه به اندیشه های بیگانه گرایش پیدا می کنند.

۲- تجددگرایی افراطی: افراط و تفریط در مسیر نهضت آفت انقلاب است، شهید مطهری تجددگرایی افراطی را عبارت می داند از آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست به منظور رنگ زمان زدن و

باب طبع زمان کردن و آنرا آفت بزرگی برای نهضت می‌داند و می‌گوید وظیفه رهبری نهضت است که جلوی آن را بگیرد.

۳- **ناتمام گذاشتن نهضت:** در نگاه شهید مطهری یکی از بزرگترین آفت نهضت‌های روحانیت این بوده است که تا مرحله پیروزی پیش رفته‌اند و پس از پیروزی ادامه کار را رها کرده و نتیجه زحمات آنها را دیگران و احياناً دشمنان برده‌اند. بنابراین تکرار چنین نقیصه‌ای را آفتی در کمین انقلاب اسلامی می‌دانند.

۴- **رخنه فرصت‌طلبان:** افراد فرصت‌طلب و دشمنان دوست‌نما در جریان اوج گیری نهضت از غفلت رهبران و فرزندان انقلاب استفاده کرده و معمولاً با همرنگ کردن خود با توده گسترده مردمی در صدد دستیابی به اهداف خود هستند که همان انحراف نهضت از مسیر اصلی آن است.

۵- **ابهام طرح‌های آینده نهضت:** شهید مطهری یکی از عوامل عدم موفقیت نهضت‌های انقلاب را کوتاهی روحانیت در ارائه طرح لازم برای اداره آینده نهضت می‌داند.

۶- **انحراف در اندیشه های اساسی انقلاب:** شهید مطهری آفت محتوایی انقلاب را انحراف در نیت‌ها، جهات و اهداف و ماهیت اندیشه‌های می‌داند و تنها راه ادامه انقلاب را در مسیر خدایی بودن آن می‌داند. «نهضت خدایی باید برای خدا آغاز یابد و برای خدا ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه غیرخدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شاملش گردد. (نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲-۸۷)

شهید مطهری به موازات اهتمام به معرفی آفات و آسیب‌ها تلاش می‌کند تا نسبت به استمرار انقلاب و حفظ دستاوردهای آن نیز زمینه‌ها و بسترهای لازم را فراهم سازند، در اندیشه آن شهید فداکار حفظ انقلاب نیاز به نهادینه کردن اصول و مفاهیمی در جامعه دارد که مهمترین آنها را عبارت می‌دانند از:

۱- تحقق عدالت اجتماعی واقعی (پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۵۳ و ۱۵۰)

۲- تحقق واقعی استقلال و آزادی در جامعه (همان، ص ۱۵۹)

۳- معنویت افزایی در جامعه (همان، ص ۱۶۵)

۴- استمرار رهبری روحانیت شیعه. (همان، ص ۱۸۰-۱۸۵)

بدون تردید شهید مطهری از ارکان اصلی مبارزه و مبارزان بود، نگاه عمیق و تیزبین او ابعاد مبارزه را از انحراف و تحریف و افراط و تفریط مصون می‌داشت. وی همواره در تمامی میدانهای مبارزه حضوری تعیین کننده داشت. در پخش اطلاعیه‌ها و محتوای پیام‌ها و سخنرانیهای امام نقش کلیدی ایفا می‌کردند. اندیشه‌ها و شعارهای انحرافی و التقاطی را بموقع تشخیص داده و نقد می‌کردند. زبان گویا و چشم بیدار و قلم رسای انقلاب اسلامی بودند و جوانان و نخبگان را اقناع و سیراب می‌کردند، همواره خار چشم رژیم طاغوت، مانعی به سر راه جریانها و گروهکهای مارکسیست و لیبرال و ملی‌گرا و التقاطی بودند و حضورش مبارزه و مبارزان را حیات و رونقی توصیف ناپذیر می‌بخشید. آثار برجای مانده از آن شهید والا مقام توشه راه نیروهای انقلاب است و افکار و اندیشه‌های منشوری راهگشا برای نسل‌های آینده خواهد بود، ایشان از این بابت حقی پایان ناپذیر برگردن جمهوری اسلامی و نیروها و جریانهای انقلابی دارند و امیدواریم خداوند متعال او را با شهدای کربلا و با محمد و آل محمد^(ص) محشور گرداند و ما را قادران مجاهدتها و ادامه دهنده راه او و تحقق بخش افکار و آثارش قرار دهد.

فوائد و آثار ایمان در اندیشه شهید مطهری

۱- ایمان پشتوانه اخلاق و خود سازی است: اخلاق که مهمترین سرمایه و آبروی زندگی انسان است، بدون ایمان دارای اساس و مبنای درستی نخواهد بود. به تعبیر شهید مطهری، ایمان سر سلسله همه معنویات است و تقویت ایمان به خدا، زیربنای هر اندیشه معنوی است. (مطهری، بیست گفتار، انتشارات صدرا، ص ۲۲۱-۲۲۲)

۲- ایمان تامین کننده سلامت جسم و جان: سلامت جسم و جان، رابطه

نزدیکی با ایمان در انسان دارد. به انسان روحی مطمئن تر و اعصابی آرام تر و قلبی سالم تر اعطا می کند و بر اثر آن از مصیبت ها، رنج ها، سختی ها و محرومیت های این دنیا ناامید و مأیوس نمی شود. (همان، ص ۲۲۸)

۳- **ایمان سامان بخش روابط اجتماعی:** ایمان تعادل و هماهنگی و انعطاف در میان فرد و جامعه ایجاد می کند، شهید مطهری می گوید: «انعطاف به این است که جامعه بر محور مصالح جمع بگردد و فرد در ناحیه میل ها و آرزوهای خود رضایت بدهد به آرزوها و هدف های اجتماعی». (همان، ص ۲۳۰) و نیز می گویند: «آن چه که بیش از هر چیزی حق را محترم، عدالت را مقدس، دلها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می سازد، تقوی و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می دهد به ارزش های اخلاقی اعتبار می بخشد، شجاعت مقابله با ستم ایجاد می کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می دهد و متحد می کند، ایمان مذهبی است». (مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ج ۲، ص ۴۷ و ۴۸)

۴- **ایمان، ایجاد کننده بهجت و انبساط خاطر در انسان:** ایمان در انسان بهجت و خوش بینی ایجاد می کند. «حالت فرد با ایمان در کشور هستی، مانند حالت فردی است که در کشوری زندگی می کند که قوانین و تشکیلات و نظامات آن کشور را صحیح و عادلانه می داند و به حسن نیت گردانندگان اصلی کشور نیز ایمان دارد». (همان، ص ۴۴-۴۳)

۵- **ایمان عامل تسلط بر نفس:** از نگاه شهید مطهری، ایمان موجب می شود انسان بر نفس خویش تسلط کامل داشته باشد و نفس خود را کوچک تر از آن می داند که تسلیم خواسته هایش شود.

ظرفیت ها و استعداد های انسان برای تعلیم و تربیت:

شهید مطهری انسان را از جمله کلماتی می داند که با تعبیرها و تعریف های مختلف و متفاوتی به کار برده شده است، تعبیری چون، حیوان ناطق، آرمان خواه، سیری ناپذیر، متعهد و مسئول، آینده نگر، آزاد و مختار، عصیان گر

اجتماعی، خواستار نظم، خواستار زیبایی، خواستار عدالت، دوچهره، عاشق، صاحب وجدان، ابزار ساز، دروازه معنویت و غیره که هر کدام از اینها بیان کننده و جهی از وجوه بیکران انسان است. (قدرت الله قربانی، درآمدی بر اندیشه دینی سیاسی شهید مطهری، ص ۱۹۳)

شهید مطهری در تعریف انسان می گوید: «انسان مجموعه‌ای است از قوا، غرائز و استعدادها، انسان هم به زمان حاضر بستگی دارد و هم به زمان آینده». (مطهری، مجموعه آثار، ج ۷، ص ۵۷)

از این رو شهید مطهری، ابعاد مختلف استعدادهای انسان را که می‌بایست در تعلیم و تربیت از آنها استفاده شود و به کمال مطلوب انسانی هدایت شوند مورد اشاره قرار می‌دهد. از جمله:

۱- **عقل:** انسان با قوه تقعل نسبت به شناخت خود، جهان و خدا نا یل می‌شود. انسان با این نوع شناخت، بسیاری از حقایق را که مستقیماً از راه حواس با آنها تماس ندارد کشف می‌کند.

۲- **آزادی:** آزادی نتیجه عقلانیت موجود و مطلوب در انسان است و انسان با این وسیله می‌تواند آینده سعادت بخش برای خود انتخاب کند و هم آینده شقاوت آلود. (مطهری، انسان در قرآن، ج ۴، ص ۳۶)

۳- **آگاهی و علم:** آگاهی و علم انسان معمولاً نسبت به سه موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از: شناخت خدا، انسان و جهان. در نظر شهید مطهری یک محدودیتی در علم است که این تنها با چراغ ایمان قابل رفع می‌باشد. (مطهری، همان، ص ۵۷)

۴- **خود آگاهی:** شهید مطهری خود آگاهی را از استعدادها و ویژگی‌های انسان می‌داند و آن را در اقسام مختلفی مورد بررسی قرار می‌دهد، که عبارتند از: خود آگاهی فلسفی، خود آگاهی جهانی، خود آگاهی طبقاتی، خود آگاهی ملی و ناسیونالیستی، خود آگاهی انسانی، خود آگاهی عرفانی، خود آگاهی پیامبرانه. (مطهری، همان)

۵- پرستش: نحوه پرستش و خداجویی آگاهانه و فطری در نهاد انسان قرارداده شده و نیازمند شکوفایی است.

۶- حقیقت جوئی: از دیدگاه شهید مطهری، حقیقت همان تطابق علم با واقع است. حقیقت یعنی اندیشه‌هایی که با واقع و نفس الامر منطبق است، به عبارت دیگر حقیقت یعنی آنچه که معلول برخورد عالم عین و عالم ذهن باشد. (مطهری، مسئله شناخت، انتشارات صدرا، ص ۱۸۱)

۷- خیر اخلاقی: انسان بر خلاف سایر موجودات دارای اخلاق و بایدهای اخلاقی است. انسان با اخلاق است که معنا پیدا می‌کند و شهید مطهری می‌گوید: «اخلاق وجدان فطری انسان است که خدای متعال به هر انسانی داده است». و «اخلاق بازگشت انسان به بازیافتن خود اصیل و خود واقعی خودش است». (مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۳۱۵ و ۵۶)

۸- زیبایی و جمال دوستی: زیبایی دوستی نیز مانند هر امر فطری دیگر در ذات انسان به ودیعت گذاشته شده است.

۹- ایمان در انسان: ایمان مربوط به بعد معنوی انسان است و به معنای تسلیم محض در برابر حقیقت راستین، اعتقاد و گرایش، مجذوب شدن به یک فکر، و پیوند ادراکی با حقیقت می‌باشد. و نیز ایمان یعنی تسلیم و یعنی خدا آگاهی مقرون به گرایش و تسلیم در پیشگاه حق.

ماهیت و چشم انداز تربیتی انسان

شهید مطهری عقیده دارد که از نظر قرآن، انسان موجودی است برگزیده‌ی از سوی خداوند، و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویش شدن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود، اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد. ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است از اشرافیت

و کرامتی ذاتی برخوردار است. (مطهری، انسان در قرآن، ص ۱۳)

استاد در کتاب انسان در قرآن، ابعاد گوناگون منفی و مثبت انسان را شرح می‌دهد. او در جنبه مثبت بر خلیفه خدا بودن، فطرت خدایی داشتن، ظرفیت علمی داشتن، جنبه ملکوتی، شخصیت آزاد، کرامت ذاتی، وجدان اخلاقی، ذاکر خدا بودن، پرستش کننده خدای خود و موارد دیگر اشاره می‌کند، و در جنبه منفی بر ستمگری، ناسپاسی، عصیان‌گری، شتاب‌گری، تنگ چشم، مجادله‌گری، حریص بودن، و غیره اشاره دارد، و لذا به این بیان می‌رسد که از نظر قرآن، انسان موجودی است بالقوه که زمینه و امکان رشد هرگونه کمال و نیز ردیلتی در او وجود دارد. اگر انسان رو به سوی کمالات آورد انسان حقیقی می‌شود که مسجود ملائکه است و دارای ایمان واقعی به خدا است. اما اگر به سوی زذالت‌ها رود انسان منهای ایمان است که چنین انسانی حریص، خونریز، بخیل و ممسک و اسفل السافلین است.

انسان امروز از نگاه شهید مطهری

استاد مطهری از ویژگیهای انسان عصر حاضر انتقادات شدیدی می‌کند، و با توجه به رسالت اساسی انسان، اعتقاد دارد که ماهیت او دچار تغییرات اساسی شده است، در واقع انسان امروز علی‌رغم موفقیت‌های علمی گسترده‌ای که به دست آورده است و علی‌رغم تغییرات فراوانی که در طبیعت و محیط زندگی خود داده است، از نظر معنویات و ارزش‌های معنوی دچار مشکلات اساسی است. از دید استاد مطهری انسان در عصر حاضر، از مقام انسانیت خود تنزل کرده است، ایشان سقوط و تنزل مقام انسان را معلول عللی می‌داند که عبارتند از:

- ۱- اکتشاف عدم مرکزیت زمین، پس انسان غایت و مقصد کاینات نیست
- ۲- اثبات میمون زادگی انسان و نه فرشته نژادی
- ۳- آلودگی ولکه دار شدن تاریخ و پرونده انسان و پوچ شدن ادعاهای تقدس مآبی اخلاقی و احسان و خدمت و دانش دوستی و حق پرستی
- ۴- نفی اصلت و استقلال و آزادی با رجوع به جبر گرایی مادی و تاریخی

که با قضا و قدر الهی از زمین تا آسمان متفاوت است.

۵- نفی روح و اینکه تار و پود انسان نیز مانند هر موجود دیگر اجزاء و ذرات مادی است و بس، که آخرین ضربه را بر پیکر ادعای نیمه خدایی انسان وارد آورد.

۶- ایده الیسم و سلب واقع نمایی ادراک که همه مکتبها حتی ماتریالیسم از نظر نفی وجود ذهنی و رابطه ماهوی به ایده الیسم منتهی می شود. (یادداشت‌های شهید مطهری، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۳۳۶) بنابراین با ملاحظه علل ذکر شده می توان گفت که انسان در طول تاریخ با کشف دنیای خارجی، درون خود و واقعیت نهفته در وجود خود را به فراموش سپرده و حتی آن را نفی کرده است. شهید مطهری در این باره می گوید: «بشر تا توانسته محیط اطراف خود را تغییر داده، بدون اینکه بتواند یا بخواهد خود را بکشد و طرز تفکر خود را و عواطف و تمایلات خود را عوض کند. ریشه مشکلات امروز بشر را در همین جا باید جست همچنان که ریشه نیاز بشرابه دین و معنویت و ایمان و پیامبر نیز در همین جا باید بدست آورد». (مطهری، سیری در سیره نبوی، صدرا، ص ۱۸) با همه پیشرفتهای معجزه آسا در ناحیه علم و فن از لحاظ مردمی و انسانی گامی پیش نرفته بلکه به سیاه ترین دوران سیاه خویش بازگشته است.

لذا بر انسان است تا دوباره با مراجعه به فطرت اصیل خویش به بازیابی بازاندیشی در خود واقعی خود بپردازد تا از خود مسخ شده خارج شود و به خود حقیقی برسد. (قدرت الله قربانی، پیشین، ص ۲۱۹-۲۳۱)

شهید مطهری و غیرت دینی

شهید مطهری مظهر کامل غیرت دینی بود، شاخص‌های غیرت دینی در آن شهید فرزانه را می توان به وضوح ترسیم نمود از جمله: حق مداری و پاسداری از حقیقت که با مقاومت در برابر سفسطه و مغالطه و غرب‌گرایی و شرق‌گرایی می ایستاد و مناظره می کرد، احساس تکلیف در برابر حقیقت، جسارت و ثبات

شخصیت، سوز و گداز دینی و دین‌پژوهی، حساسیت دینی، برخورد بنیادی و ریشه‌ای با موضوعات و ...

شهید مطهری در شفاف‌سازی فضای فکری و علمی جامعه نقشی بی‌بدیل داشت و دائماً به روشنگری می‌پرداخت، با انحرافات مبارزات ریشه‌ای می‌کرد، با جریانهای مارکسیسم، ناسیونالیسم، تحجرگرایی، التقاط، اخباریگری مدرن، روشنفکران وابسته به غربزدگی و شرق‌زدگی قاطعانه در می‌افتاد و هیچ‌کس را در برابر او یارای مقاومت نبود. سدی استوار در برابر تهاجم و شبیخون فرهنگی و جنگ روانی بیگانه بود، به شبهات و ابهامات موجود پاسخ روشن و قاطع می‌داد.

آیت‌ا... مطهری در برخورد با تنش‌های فکری و فرهنگی جامعه با سه روش اقدام می‌نمود: ۱- برخورد اثباتی ۲- بیان نکات مثبت در کنار اشکالات ۳- جدال احسن. از آنجا که در جهاد با نفس و پیمودن مراحل سیر و سلوک عرفانی و اخلاقی به مدارج بالای معنوی دست یافته بود سخنانش در ساختن دیگران تأثیر شگرف بر جای می‌گذاشت، در قرآن‌پژوهی و تبیین و تحلیل سیره پیامبر اکرم (ص) و اهلبیت (ع) گوی سبقت را از همگان ربوده بود و هرجا وارد بحث و تحقیق می‌گردید حرف نو داشت. تمدن اسلام را به نحو مطلوب بیان می‌کرد و علل سقوط تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را همواره گوشزد می‌نمود، در واقع می‌توان او را دایره‌المعارف اسلامی نامید.

شهید مطهری از محضر اساتید وارسته و بزرگی کسب فیض نمود و خود نیز شاگردانی مبرز و نمونه تربیت کرد که هر یک منشأ آثار و برکات شایان توجهی برای جهان اسلام بالآخر جامعه ایران گردیدند. مطهری در عین حال که در تبیین و تفسیر و تحلیل ید طولایی داشت. منتقدی با انصاف و منطقی بود و نقد را از خود روحانیت آغاز می‌نمود و خواستار اصلاحات و تغییراتی در حوزه‌های علمیه بود در عین حال از نقاط مثبت و کمالات حوزه و روحانیت با تمام وجود به دفاع برمی‌خواست. مجموعه این فعالیت‌ها و تجارب از او شخصیتی جامع‌الاطراف ساخته بود که با هیچ تندبادی برآشفته نمی‌شد. ویژگی‌های

بی‌نظیر شهید مطهری سبب ماندگاری او شد، جاذبه‌های علمی و عملی او جوانان و روشنفکران بانصاف را شیفته خود گردانید، او در دل‌های مردم قرار دارد و محبوب قلوب است، عمر خود را در جهت هدایت و روشنگری سپری کرد. در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نکردند، بر سختی‌ها و موانع و چالش‌ها صبر جمیل بخرج دادند، معنویت را توشه راه قرار دادند و از صبر و صلوة به نحو مطلوب یاری جستند، و در نهایت در این راه شهد شیرین شهادت نوشیدند و جهان اسلام را در ماتی جانکاه فرو بردند. بحق می‌توان او را الگو و اسوه رهپویان حقیقت بشمار آورد و روز شهادت او را روز معلم و روز عقیدتی سیاسی نامید با این امید که گویندگان، نویسندگان، هنرمندان، مسئولان و پژوهشگران اندیشه و اهداف آن شهید بزرگوار را بخوبی بشناسند، و به دیگران بشناسانند و الگوی رفتاری و نظری خود قرار دهند.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۳۸۷، چاپ دوم، انتشارات صدرا
- ۴- آیت‌الله شهید مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۷.
- ۵- شفیعی فر، محمد، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، چ اول، ناشر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- ۶- جاوید موسوی، سید حمید، سیمای استاد در آینه نگاه باران، تهران، صدرا، چ چهارم، ۱۳۷۸.
- ۷- فصلنامه مربیان، ش ۲۷، بهار ۸۷.
- ۸- قربانی، قدرت‌الله، درآمدی بر اندیشه دینی سیاسی شهید مطهری، ۱۳۸۵، چ دوم، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

- ۹- ملک‌الشعرای بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انقراض قاجاریه، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۱، دوره ۲ جلدی.
- ۱۰- محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، چ اول، ۱۳۶۵، نشر امیرکبیر،
- ۱۱- سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ۱۳۷۰، چ سوم.
- ۱۲- خردمند، محمد، شهید مطهری، مرزبان بیدار، ۱۳۸۵، چ هشتم.
- ۱۳- باقی نصرآبادی، علی، سیری در اندیشه های اجتماعی شهید مطهری، ۱۳۸۸، چ سوم، بوستان کتاب.

جنبش دانشجویی

جنبش دانشجویی، عمل جمعی دانشجویان در ساحت سیاسی و تحولات اجتماعی محسوب می‌گردد. این جنبش موثرترین فعالیت‌ها را در تحریک اعتراضات و ایجاد تحولات در زمینه‌های گوناگون سازماندهی و اجرا کرده است. جنبش به حرکتی جمعی گویند که داوطلبانه و یا بصورت برنامه‌ریزی شده روی می‌دهد و در آن قصد ایجاد تغییر و تحول وجود دارد، تحولی که می‌تواند در سطح فکر و اندیشه باشد تا دگرگونی نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. این حرکت پس از مدتی حالت سازمان یافته به خود گرفته، باعث ایجاد تشکیلاتی پویا گردید که دارای رهبری نه لزوماً منحصر باشد. افراد شرکت کننده در جنبش دارای جهت‌گیری مشخص و اهداف معینی می‌باشند که به‌طور آهسته به یک حرکت منظم و منسجم تبدیل شده، تحت گفتمانی غالب به‌سوی اهداف و آرمان‌ها حرکت می‌کند.

بنابراین هر عمل جمعی افراد لزوماً جنبش نیست. و هر عمل جمعی دانشجویان را هم نمی‌توان جنبش دانشجویی نامید. شکل متکامل آن حرکتی پیوسته است که در مفهوم جنبش بگنجد. عمل جمعی دانشجویان



می‌تواند شامل فعالیت‌های دانشجویی، تحرکات دانشجویی و مبارزات دانشجویی باشد که می‌توانند جنبش نباشند. البته هر کدام از این‌ها می‌توانند قابلیت تبدیل به جنبش دانشجویی داشته باشند و زمینه‌ساز آن گردند. وجود سازمان‌های دانشجویی و اتحادیه‌های دانشجویی نیز به هیچ وجه بیانگر وجود جنبش دانشجویی نیستند.

اصلی‌ترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های جنبش دانشجویی عبارتند از:

- ۱- برخورداری از شبکه‌های تعامل غیر رسمی افراد و گروه‌ها جهت ایجاد شرایط بسیج عمومی
- ۲- این حرکت جمعی و مشترک داوطلبانه است.
- ۳- استفاده از اعتراض عمومی در جریان حرکت
- ۴- از یک ایدئولوژی مشخص و مشترک پیروی می‌کنند و اعضا را به تبعیت از آن فرا می‌خوانند.
- ۵- تمرکز آن‌ها بیشتر بر روی مسائل و منازعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.
- ۶- به منظور تحقق اهداف خود، برنامه و دیدگاه‌های خاصی دارند.
- ۷- برای رسیدن به این اهداف، مراسم، روش‌ها، عادات و آداب خاصی دارند.
- ۸- جوانی و سرشار از شور و نشاط و انرژی بودن
- ۹- دانشجویان معمولاً خود را روشنفکر می‌دانند. دانشجویان و جنبش‌های اصیل دانشجویی معمولاً تلاش می‌کنند تا با جنبشی هدفمند و تفکرات روشنفکری برگرفته از فضا و اقتضائات واقعی جامعه، آرمان‌ها و ارزش‌های مورد نظر خود را دنبال کنند.
- ۱۰- جنبش‌های دانشجویی معمولاً وابسته نیستند. آنان نه وابسته به خارج‌اند و نه سرسپرده احزاب داخلی می‌شوند

۱۱- ایدئولوژی‌ها و رویکردهای جنبش دانشجویی تا حد زیادی متأثر از شرایط حاکم بر جامعه و دانشگاه است

۱۲- استکبار ستیزی و استعمارزدایی

۱۳- جنبش دانشجویی نقش پیشرو را در بسیاری از تحولات دارد. مقام معظم رهبری که همواره عنایت و توجه خاصی به دانشجویان و ضرورت تقویت جنبش‌های دانشجویی داشته و دارند در این زمینه معتقدند: «در همه جای دنیا، دانشجویان یکی از قشرهای پیشرو هستند. علت هم واضح است. روح نالوده جوان، هنگامی که با ذهن و فکر روشن ناشی از تحصیل و با دید بصیر و آگاهی همراه می‌شود، ترکیب خیلی ممتاز و فاخری بوجود می‌آورد. آن ترکیب همان دانشجو است. به این خاطر است که دانشجویان همیشه از قشرهای پیشتازند.»

۱۴- جنبش دانشجویی به دنبال کسب قدرت نیست

با توجه به اهداف، ویژگی‌ها و کارکردهای جنبش‌های اجتماعی می‌توان گفت: جنبش دانشجویی از جمله اصلی‌ترین مصادیق جنبش اجتماعی است. جنبش دانشجویی نوعی حرکت دسته جمعی و البته داوطلبانه است که تغییر و تحول در سطح دانشگاه، جامعه و حکومت را دنبال می‌کند، اهداف و آرمان‌های مشخص را در چارچوب تعاملات غیر رسمی در نظر دارد و از طریق برنامه‌ریزی‌های غیر متمرکز و بدون رهبری متمرکز و مشخص به فعالیت می‌پردازند.

برای بررسی تاریخچه جنبش دانشجویی، اجباراً جریان پیوسته‌ای از حرکات و فعالیت‌های دانشجویی بایستی بررسی شود که شامل نشان دادن فراز و فرودهاست و تنها در مقاطعی عنوان جنبش را یدک می‌کشد.

در جنبش دانشجویی هم مجموعه‌ای از دانشجویان بصورت داوطلبانه حرکتی جمعی را برای ایجاد تغییر و تحولات در دانشگاه و جامعه صورت

می‌دهند. تغییرات موردنظر ممکن است در حیطه‌های مختلف فرهنگی، ارزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد. جنبش دانشجویی، کوششی است در راستای رسیدن به اهداف و آرمان‌های مشترک، که با شبکه‌های تعامل غیررسمی انجام می‌شود. این حرکت، رهبری مشخصی ندارد و معمولاً دارای رهبری چندسر از سلول‌های مختلف است. باورها و تعلقات خاص مشترک جنبش دانشجویی است که سبب شکل‌گیری هویت جمعی دانشجویی گردیده، سبب انسجام و همبستگی موثر و کارآمد در جهت فعالیت‌های سیاسی می‌شود. جنبش دانشجویی با ورود در منازعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه تغییرات تند در این زمینه‌ها را طلب می‌کند و همین باعث ایجاد منازعات و اختلافات بین آنها و حکومت و حتی برخی گروه‌های خارج حکومت می‌گردد.

از تفاوت‌های جنبش دانشجویی با سایر گروه‌ها این است که درصدد ایجاد تحولات و یا اعمال فشار جهت کسب منافع خاص حزبی و گروهی نیست و برای کسب قدرت تلاش نمی‌کند، بلکه در پی فضا سازی و فشار برای پیدایش تغییرات جهت حرکت بسوی منافع عمومی جامعه است. با توجه به خصوصیات جنبش دانشجویی می‌توان گفت که این جنبش‌ها، میان دوره‌های بلند مدت نهفتگی و کوتاه مدت کنش شدید در نوسان هستند. جنبش دانشجویی بر اساس شرایط حاکم بر جامعه و دانشگاه، ایدئولوژی خاصی را دنبال می‌کند که این ایدئولوژی اهداف و آرمان‌ها را معین می‌کند. جهت‌گیری جنبش دانشجویی و آهنگ حرکتش توسط ایدئولوژی آن تعیین می‌شود. و همین ایدئولوژی است که وفاداران و مخالفان را خودبخود از هم جدا می‌کند.

فعالان جنبش دانشجویی از جمله روشنفکران جامعه محسوب می‌گردند و بالتبع قبض و بسط تابع جریان روشنفکری هستند. آنها به تناسب این نقش

خود دارای دغدغه‌های انسانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند که با توجه به آن به موضع‌گیری در رابطه با مسائل حساس جامعه خود و جامعه جهانی اقدام می‌کنند. دانشجویان جنبش دانشجویی هرگز حاضر به ورود در قدرت نیستند و به اصطلاح سیاسی بیرون از سیاست هستند. یعنی در عین حال که خود را موظف به موضع‌گیری می‌دانند، ولی از هیچ گروه خاصی جانبداری نمی‌کنند و حتی به گروه‌هایی که در راستای آرمان آنها عمل می‌کنند، وابستگی ندارند. این به جهت آن است که گروه‌ها، شیر کنترل آرمان‌ها و اهدافشان نشوند. فعالان دانشجویی همواره نیرویی بالقوه و انقلابی اصیل محسوب می‌گردند. آنها نه تنها تحول خواه و تغییرساز هستند، بلکه در هر جریان اصلاح‌گری، قلب حرکت را تشکیل می‌دهند.

رسالت جنبش دانشجویی، نقد سازنده و منصفانه است. مهمترین ویژگی جنبش دانشجویی، آرمان‌گرا و آرمان‌خواه بودن آن است. این مهمترین مسأله و مهم‌ترین خواست رهبری انقلاب از دانشجویان و جریانات دانشجویی است. آن چه از دانشجو و جنبش دانشجویی انتظار می‌رود این است آرمان‌خواه باشند تا از برآیند آرمان‌خواهی دانشجویان و مصلحت‌اندیشی‌های مسئولان برآیند مطلوبی حاصل شود. جنبش دانشجویی و دانشجویان را می‌توان چشم‌بیدار جامعه دانست، دانشجویان با داشتن روحیه انتقادی و اصلاحی خویش به وضعیت موجود قانع نیستند و انتظار از آنان هم این است که منتقد، منصف، مصلح و بصیر باشند. تشکلهای دانشجویی باید با جرأت، شهامت و بصیرت در میدان حضور داشته باشند.

آزاداندیشی و استقلال‌طلبی را از دیگر ویژگی‌های مهم جریانات دانشجویی است اما این آزاداندیشی را نباید با هرج و مرج طلبی اشتباه گرفت. متأسفانه در دوره‌هایی شاهد بودیم که برخی جریانات دانشجویی کاری جز شورش، دعوا، درگیری و غوغاسالاری انجام نمی‌دادند. رسالت

جنبش دانشجویی این است که بستری برای بیان حرف‌های مختلف و تضارب آرا و اندیشه‌های مختلف ارائه بکند که اولاً "خودش صاحب تحلیل جامع و بصیرت شود و ثانیاً" این که نقدها و اعتراضات در محیط‌های علمی مطرح بشود. انتقاد سازنده از نظام و دولت باعث تضعیف نظام و دولت نیست بلکه به تقویت آنها منجر می‌شود. رسالت دیگر جنبش دانشجویی، طرح مطالبات واقعی مردم و تحقق آرمان‌های انقلاب و اسلام است و جنبش دانشجویی و دانشجویان باید از نزدیک با نیازها، مشکلات و مطالبات مردم آشنا باشند و در فضای انتزاعی و غیر واقعی و حتی حزبی و جناحی به آن مسائل نپردازند.

آفات جنبش دانشجویی را می‌توان ترک رسالت و آزاداندیشی‌اش و از دست دادن روحیه انتقادی و آرمان‌گرایی‌اش دانست. دولتی شدن و از دست دادن استقلال رأی و تصمیم‌گیری، منفعت طلبی و مصلحت‌اندیشی، فقدان جامع‌نگری و نگاه تک بعدی به مسائل، آرمان‌های امام، رهبری و انقلاب اسلامی از دیگر آفات جنبش دانشجویی و حرکت‌های دانشجویی بشمار می‌روند.

برخی از تشکله‌ها به دلیل عدم رعایت نسبت جنبش دانشجویی با حکومت، یا ورود اعضای فعال سابق آن در دولت و نهادهای دولتی در مقابل بسیاری از اشتباهات و کاستی‌های دولت مورد حمایت خود سکوت کرده‌اند

برخی از تشکله‌ها هم به عنوان شاخه دانشجویی احزاب کار می‌کنند و صراحتاً "اعلام می‌کنند که ما شاخه دانشجویی فلان حزب و گروه هستیم و برخی دیگر از تشکله‌ها هم شاهدیم که با فارغ التحصیلی آن فعال دانشجویی و حتی گذراندن دوران سربازی مهمترین نقش و تأثیر را بر مجموعه دارند. لذا از چنین تشکله‌هایی حرکات و فعالیت‌های انتقادی و پیشرویی و پیشتازی در نمی‌آید.

افق و استراتژی‌های جنبش دانشجویی در کلام امام خمینی^(ره) و مقام

معظم رهبری و تعالیم اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی مشخص شده است و باید در این راستا حرکت کرد. دینداری و ترویج دین اجتماعی و حضور دین در صحنه اجتماع و سیاست، عدالت خواهی در عرصه‌های مختلف اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و سیاست، استکبارستیزی و استبدادستیزی را از مهمترین اولویت‌ها و افق‌های پیشروی جنبش دانشجویی بر شمرد. جنبش دانشجویی باید پیگیر مطالبات مردم از مجموعه حاکمیت باشد که دولت نیز بخشی از آن است.

جنبش دانشجویی در بسیاری از کشورهای دنیا از چندین دهه قبل از ایران آغاز شد ولی جنبش دانشجویی در ایران از آغاز تاکنون که تقریباً به حدود ۸ دهه می‌رسد توانسته است نقشی پیش‌تاز و اثرگذار داشته باشد. اینکه گفته می‌شود ۸ دهه به این دلیل است که تحصیلات دانشگاهی در ایران از سال ۱۳۱۳ با تاسیس دانشگاه تهران آغاز شد و از همان ابتدا هم دانشجویان احساس کردند که به عنوان قشر روشنفکر و تحصیل کرده جامعه می‌بایست در مقابل تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورشان واکنش نشان دهند. اشغال ایران پس از جنگ دوم جهانی و تلاش آنها برای جریان‌سازی در ایران و بی‌کفایتی رژیم طاغوت و ریخت و پاش‌های غیرقابل توجیه دربار موجب شکل‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران شد و به تبع آنها تشکلهای همسو با احزاب یاد شده نیز در دانشگاه‌ها شکل گرفتند.

انجمن اسلامی دانشجویان یکی از تشکلهایی بود که در این برهه از تاریخ تاسیس شد و در همان ابتدا اهداف خود را تعریف و تبیین کرد که عبارت بودند از:

۱- اصلاح جامعه بر طبق دستورات اسلام

۲- کوشش در راه ایجاد دوستی بین افراد مسلمان مخصوصاً جوانان

روشنفکر

۳- انتشار حقایق اسلامی بوسیله ایجاد موسسات تبلیغاتی و نشر مطبوعات

۴- مبارزه با خرافات

سه گرایش اصلی یعنی مارکسیست‌ها، اسلام‌گراها و ملی‌گراها همواره در تحولات سیاسی کشور فعال بوده‌اند، این گرایش‌ها در حالی از دهه ۲۰ در دانشگاه فعال شدند که همزمان جریانات دانشجویی دیگری نیز در دانشگاه با شدت و حدت زیادی به دنبال جذب هوادار بودند که از جمله آن‌ها:

- ۱- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، ۲- سازمان مجاهدین خلق ایران (مجاهدین اسلامی)، ۳- مارکسیست‌های منشعب از مجاهدین خلق (مجاهدین مارکسیست)، ۴- گروه‌های کوچک اسلامی محلی مثل گروه ابوذر نهبوند، گروه شیعیان راستین همدان، گروه الله اکبر اصفهان، گروه والفجر زاهدان ۵- گروه‌های کوچک مارکسیست که در دو گروه مستقل و وابسته قابل دسته‌بندی هستند. مستقل مثل سازمان آزادیبخش خلق ایران، گروه لرستان و سازمان آرمان خلق و شبکه‌های متعلق به احزاب سیاسی طرفدار مبارزه مسلحانه مانند گروه طوفان، سازمان انقلاب حزب توده، حزب دموکرات کردستان و اتحادیه کمونیست‌ها.

اوج اعتراضات دانشجویی به عملکرد رژیم طاغوت و دخالت بیگانگان در امور کشور را می‌توان در واقعه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ مشاهده کرد. در ۱۴ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان به منظور اعلام نارضایتی خود از کودتای ۲۸ مرداد و نیز اعتراض به ورود «دنيس رایت» کاردار جدید انگلیس به ایران اقدام به برپایی تظاهرات کردند. تظاهرات در روز ۱۵ آذر به خارج دانشگاه کشیده شد و منجر به درگیری و زخمی و بازداشت شدن تعدادی از دانشجویان گردید.

در چنین شرایطی که خشم دانشجویان و مردم از هجوم نظامیان به اعتراضات دانشجویی رو به فزونی بود انتشار خبر قصد ورود نیکسون معاون

وقت رئیس جمهور آمریکا به ایران، اعتراض و خشم دانشجویان را دوچندان ساخت. وحشت شاه از گسترش این اعتراضات و ملتهب شدن فضای امنیت کشور در آستانه ورود این مقام بلند پایه آمریکایی به ایران موجب شد تا رژیم نیروهای زرهی خود را در روز ۱۶ آذر در داخل دانشگاه تهران مستقر کند. با ورود نظامیان رژیم به داخل دانشکده و تیراندازی آن‌ها به سوی دانشجویان، ۳ نفر از دانشجویان دانشکده فنی به نام‌های مهدی شریعت رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگ نیا به دست نظامیان به شهادت رسیدند و تعدادی نیز مجروح شدند. حادثه ۱۶ آذر که از سوی بسیاری از تشکل‌های دانشجویی حتی در خارج کشور محکوم شد به نقطه عطف مهمی در مسیر مبارزات دانشجویی تبدیل شد.

در واقع اعتراضات دانشجویی در سال‌های بعد بویژه اعتراضات صورت گرفته به قرارداد کنسرسیوم نفت با جدیت بیشتری دنبال شد و تا دهه ۴۰ ادامه داشت که دارای نقاط عطفی همچون آغاز نهضت امام خمینی^(ه) بود. قیام امام خمینی^(ه) به عنوان مطرح‌ترین مرجع تقلید شیعیان در آن زمان و مخالفت جدی وی با برخی اقدامات رژیم پهلوی از جمله لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و قانون کاپیتولاسیون موجب شد تا موج همراهی دانشگاهیان و دانشجویان از تفکر و حرکت ایشان گسترش یابد. اقداماتی که نقش موثری در روشنگری جامعه و بویژه جوانان و دانشجویان و جهت دهی آن‌ها به سوی اهداف نهضت امام خمینی^(ه) داشت و در نهایت زمینه‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ را فراهم کرد.

علاوه براین دانشجویان پیوسته به دنبال آن بودند تا با هوشیاری زمینه هرگونه توطئه و خیانت را از دشمن بگیرند که نمونه آن نقش دانشجویان در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ بود.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دانشجویان یکی از وظایف اصلی

خود را نقش آفرینی در عرصه دفاع مقدس تعریف کردند که حقیقتاً توانستند وظیفه خود را در این جهت به نحو شایسته ای انجام دهند بطوری که بسیاری از فرماندهان و افراد تاثیرگذار ۸ سال دفاع مقدس از میان دانشجویان و دانشگاهیان بودند. در دوران پس از دفاع مقدس نیز دانشجویان و جنبش دانشجویی در پویایی نظام سیاسی، سازندگی و آبادانی کشور، پیشرفت علمی و تکنولوژیکی، و... نقش بسزایی داشته است. با این وجود درمقاطععی بواسطه نفوذ و سوء استفاده برخی جریان های سیاسی افراطی، برخی از تشکل های دانشجویی نیز راه افراط درپیش گرفتند و در دوران اصلاحات موجب بی ثباتی سیاسی گردیدند و دشمنان را به طمع انداختند به بروز فتنه ها و تشدید آنها کمک کردند و امنیت کشور را به چالش کشیدند. اما بدنه دانشجویی و غالب تشکل های دانشجویی رسالت خویش را نسبت به اسلام و انقلاب ایفا نمودند و اعلام رضایت مقام معظم رهبری دلیل این مدعاست.

« پاسخ به سؤالات سیاسی »

۶

۱- سیاه نمایی‌های برخی از مسئولین دولت
«تدبیر و امید» نسبت به وضعیت اقتصادی کشور و
عملکرد دولت قبلی را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

همان‌گونه که در سؤالات شماره‌های قبلی اشاره
شد، جریانی در حاشیه دولت شکل گرفته که نه تنها
دغدغه حل مشکلات مردم را ندارند بلکه اهداف سیاسی
خود از جمله تصاحب کرسی‌های مجلس نهم را، در
سیاه دولت یازدهم دنبال می‌کنند. البته این اهداف
زمانی محقق می‌شود که به توانند نبض افکار عمومی را
در دست بگیرند لذا با دو هدف شروع به سیاه نمایی
می‌کنند. هدف اول، از یک سو ناتوانی خود در اداره
کشور و مهار گرانی‌های افسارگسیخته را با سرپوش
گذاشتن به اینکه ارث دولت‌های قبلی خالی بودن خزانه
کشور، بدهکاری‌های فراوان است، حساسیت‌های جامعه
نسبت به گرانی‌های اخیر فروکش می‌شود، از سوی
دیگر با القاء و برجسته‌سازی ضعف دولت قبلی و ایجاد
تنفر در جامعه در صدد هستند راه برگشت مجدد آنان
به قدرت را سد کنند. هدف دوم، که مهمتر از هدف اول
است و خیلی زیرکانه دنبال می‌شود، در بعد خارجی و

پرسش و پاسخ

موضوع مذاکره با آمریکا است، البته همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند ما به دستگاه دیپلماسی اعتماد داریم، اما برداشتن تحریم ها به عنوان مهمترین خواسته تیم مذاکره کننده ایرانی خود به خود ارسال سیگنال اثرگذاری تحریم ها به طرف غربی است به همین خاطر بعد از مذاکره شاهد موضع گیری های متفاوت از سوی مقامات غربی بودیم، از سوی دیگر برخی در عرصه داخلی نیز با ایجاد عطش کاذب در جامعه، حل تمام مشکلات اقتصادی را در گرو برقراری رابطه با آمریکا جستجو می کنند. نتیجه این خواهد بود که ما راهی جز تن دادن به خواسته غربی ها نداریم، بنابراین هادیان و نخبگان بسیج باید ضمن روشننگری هوشیاری لازم را داشته باشند.

۲- ارزیابی شما از توهین و اهانت اخیر به مقدسات چگونه است؟

اگرچه سابقه پروژه تقدس زایی از ارزش های انقلاب اسلامی به دوران اصلاح طلبان بر می گردد. اما با روی کار آمدن دولت جدید و احساس تنفس برای برخی از افراد و گروه های سیاسی زاویه دار با نظام، اهداف پشت پرده خود را یکی پس از دیگری جهت تست میزان واکنش جامعه اجرا می کنند راه اندازی نهضت خاطره گویی و انتساب آن به امام^(ه)، اهانت به خانواده شهدا، و به دنبال آن افراطی خواندن آنها، زیر سوال بردن غدیر خم و... حاوی چند نکته مهم است.

الف) روند اهانت ها و انتساب گفتارها و رفتارهای غلط به ساحت مقدس امام^(ه) خواسته یا ناخواسته گامی در پروژه دشمنان در تابو شکنی و قداست زدایی از معمار کبیر انقلاب است مخصوصا در وضعیت کنونی، موجب برداشت های ناصحیح در جامعه و حرمت شکنی انقلاب و سست کردن پایه های اعتقادی مردم نسبت به اصل انقلاب و نظام می گردد.

ب) این حرمت شکنی ها با هدف ایجاد یاس و سرخوردگی در میان صاحبان اصلی انقلاب، خانواده شهدا، و یاران و ارادتمندان امام^(ه) دنبال

می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد خاطره سازی ها و اهانت ها همان گونه که مشاهده شد با ورود در حریم محکمت نظام اسلامی در روزنامه بهار ادامه پیدا کرد به نظر می‌رسد این پروژه دنباله دار است به این جا ختم نخواهد شد پس :

در گام اول : نخبگان و صاحبان قلم و بیان هر کدام باید به سهم خود در حفظ و صیانت از ارزشها و مقدسات برای مقابله با بدخواهان نظام و مقدسات جامه عمل بپوشند.

در گام دوم : مسئولین و دست اندرکاران نظام ضمن شناسایی عوامل و عناصر پشت پرده باجدیت با آنان برخورد نمایند.

۳- اتخاذ رویکرد حل همه مشکلاتی در گرو برقرای رابطه با امریکا توسط دولت یازدهم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هرچند تحریم‌های اقتصادی بر مشکلات اقتصادی مردم بی اثر نیست. اما نمی‌تواند مهمترین عامل برای مشکلات اقتصادی کشور تلقی شود. چرا که بسیاری از کشور هایی که تحریم نیستند اما دارای مشکلات اقتصادی زیادی می‌باشند. همچنین ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بیشترین ارتباط را با امریکا داشت اما مردم در آن زمان نیز مشکلات اقتصادی فراوانی داشت. این امر گویای این حقیقت است که مشکلات اقتصادی ما ناشی از تحریم ها یا عدم ارتباط با امریکا نیست. بنابراین ریشه مشکلات اقتصادی کشور را، باید در مسائل داخلی جستجو کرد و نباید این گونه برنامه ریزی نمود که با روابط دیپلماسی می‌توان این مشکلات را کاهش داد، یا در صورت کاهش تحریم ها، مشکلات اقتصادی مردم به طور کامل از بین می‌رود. چرا که مشکلات اقتصادی جامعه دارای ریشه‌های ساختاری است و تنها با اصلاح ساختارها می‌توان گام موثری در جهت رفع مشکلات اقتصادی مردم برداشت.

۴- به نظر شما آیا محدود کردن سیاست خارجی دولت یازدهم به

موضوع هسته ای می‌تواند تامین کننده منافع ملی کشور در تمامی حوزه ها باشد؟

همان گونه که در رسانه ها نیز منعکس شده است مدیریت اجرایی کشور طی ماههای اخیر این گونه عمل کرده است که مولفه اساسی برای گشایش در بیشتر موضوعات و مشکلات در سیاست خارجی قرار گرفته و در سیاست خارجی نیز به مساله هسته ای متمرکز گردیده است و برای تحقق اهداف و حقوق هسته ای، تنظیم مناسبات با غرب و اروپا را به صورت فعال در دستور کار خود قرار داده است. هرچند همان گونه که مقام معظم رهبری اشاره فرمودند با به تیم هسته ای و دستگاه دیپلماسی کشور اعتماد داریم اما بخشی نگرانی در سیاست خارجی سبب می‌شود دامنه تلاش و کارکرد دولت نامتوازن، محدود، آسیب پذیر و مشکل آفرین شود. چرا که انرژی دیپلماتیک کشور فقط در ایجاد تعامل با غرب خلاصه شده و از سایر فرصت‌های جهانی پیش روی نظام اسلامی غفلت می‌شود زیرا علاوه بر تمرکز به پتانسیل و عزم ملی در حوزه داخلی، موازنه سازی در مناسبات با سایر کشورها، نهادها و سازمان‌های بین المللی در حوزه سیاست خارجی بهتر می‌تواند در تامین منافع ملی کشور موثر واقع شود.

۵- به نظر شما چرخش ظاهری امریکایی ها در به تعویق انداختن تمديد تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران چیست آیا می‌توان اعتمادی به امریکاییها داشت ؟

درک درست از تغییرات محاسباتی حریف یک اصل مهم در مذاکرات است. پس به تعویق انداختن تشدید تحریم ها و تمایلاتی که هر از چند گاهی از سوی برخی از دولتمردان امریکایی مشاهده می‌شود. می‌تواند تلقی کننده آدرس غلطی برای تیم مذاکره کننده ایرانی باشد. به عبارتی دستگاه دیپلماسی کشور نباید با یک امتیاز مصنوعی، دچار ذوق زدگی شود و همه

خواسته‌های نظام و ملت را به پای این امتیاز تصنعی خرج کند. چرا که عجله در دیپلماسی و مذاکرات می‌تواند سم مهلکی برای کشور باشد. به عنوان مثال جاسوسی و شنود مکالمات تلفنی مقامات اروپایی توسط کاخ سفید است بیانگر عدم پایبندی به تعهدات و نداشتن صداقت امریکاییها در عرصه‌های بین المللی است. چرا که امریکایی‌ها در مناسبات سیاسی خود کوچک‌ترین اعتمادی به هم پیمانان خود ندارند. در نتیجه به حریفی که اصل بدبینی در سرنوشت رفتارهای بین المللی آن قرار دارد نمی‌توان اعتماد کرد. پس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باید ضمن هوشیاری و ذکاوت، بیش از پیش رفتارهای حریف را رصد نمایند تا بعد ها دچار مشکل نشوند.

۶- ارزیابی شما از اظهارات آقای آخوند وزیر مسکن و شهرسازی در خصوص توقف مسکن مهر چیست؟

در این خصوص از دو بعد می‌توان به موضوع اشاره کرد از یک سو ساخت مسکن مهر قانونی مصوب و مطالبه عمومی از دولت‌های قبلی، فعلی و آینده است. بنابراین امکان توقف آن وجود ندارد مگر این که دولت جدید طرحی جایگزین آن ارائه کند. از سویی دیگر ساخت و تحویل مسکن مهر نه تنها به روند اصلاح قیمت‌ها در بخش مسکن کمک کرد، در بخش اشتغال‌زایی نیز موثر بوده است. هرچند طرحی با این وسعت خالی از اشکال نیست و نیازمند اصلاح نواقص و کاستی‌هاست بنابراین مسئولان محترم باید به جای اصلاح ایرادات نباید صورت مساله را پاک کنند. چرا که اظهارات ناامید کننده خلاف مشی دولتی است که با شعار «تدبیر» و «امید» بر سرکار آمده است. پس مسئولین محترم باید از اظهارات غیر کارشناسی که سبب تشویش اذهان عمومی می‌گردد خودداری کنند.

۷- موضوع نصب بیلبردهای صداقت امریکایی در برخی از شهرها چون تهران و مشهد چه بود و به چه دلیل جمع آوری شد؟

هرچند زمان برای ارزیابی مذاکرات ایران و آمریکا زود است اما شواهد و قرائن موجود گواهِ بر این است که آمریکاییها صداقتی در مذاکرات نخواهند داشت. چرا که هیچ نشانه یا اقدام عملی از سوی آنها دیده نمی‌شود. به عنوان مثال آمریکاییها در قرارداد الجزایر متعهد به عدم مداخله در امور داخلی ایران بودند. یا متعهد شده بودند اموال بلوکه شده ایران را پس بدهند. امروز هم هیچ تضمینی برای اقدامات عملی آنها که مبنی بر صداقت باشد وجود ندارد. اما بلیبوردهای ضدآمریکایی که در برخی از شهرهای کشور چون تهران و مشهد نصب بود همین پیام را تداعی می‌کرد که صداقت آمریکایی‌ها در مذاکرات از دیدگاه ملت ایران زیر سؤال است. هرچند به بهانه ایجاد مشکل در روند مذاکرات و یا نداشتن مجوز نصب و... برداشته شد.

اما آن چه مهم بود این که بلیبوردهای «صداقت آمریکایی‌ها» ارتباطی به نفی یا نقد دیپلماسی دولت یازدهم نداشت. هرچند برخی برداشت ناصوابی از این رویکرد کردند. چرا که تصاویر فقط روشنگری دیپلماسی فریبکارانه آمریکا در قبال ایران بود. به هر حال لازم است دستگاه دیپلماسی ما آمریکا را آن‌چنان که هست بشناسد نه آن‌چنان که می‌نمایانند.

۸- ارزیابی شما از اهداف پنهان طراحان حذف شعار «مرگ بر آمریکا» چیست؟

این روزها به بهانه مذاکرات ایران با ۱+۵ برخی می‌خواهند با پاک کردن حافظه تاریخی عظمت ملت ایران، در سردادن شعار مرگ بر آمریکا بکاهند، با فرض اینکه مذاکرات به نتیجه برسد و بخشی از دشمنی‌های آمریکا علیه ملت ایران پایان داده شود هیچ دلیل عقلی وجود ندارد که شعار مرگ بر آمریکا کم رنگ و یا بی رمق شود. امروز آمریکا هیچ اقدام عملی در برداشتن تحریم‌های ظالمانه و یا حتی کاهش آن بر نداشته است. معلوم نیست عده‌ای در داخل بر اساس کدام منطق سیاسی می‌گویند باید شعار «مرگ بر

آمریکا» کم رنگ شود، فکر می‌کنند کوتاه آمدن در برابر آمریکا آنها را راضی خواهد کرد و خصومت ورزی علیه ملت پایان خواهد یافت. در صورتی که سخت در اشتباه هستند چرا که تحولات اخیر مصر در چند قدمی نگاه ما عبرت آمیز است. بنابراین دل خوش کردن به استکبار جهانی و در راس آن آمریکایی‌ها عاقبت خوبی در انتظار کشور و جامعه ما نخواهد داشت. اما همان‌گونه که مقام معظم رهبری تاکید فرمودند: این اقدام، یک تجربه و احتمالاً یک کار مفید است. اگر نتیجه گرفته شود چه بهتر اما اگر نتیجه گرفته نشد، معنایش این خواهد بود که برای حل مشکلات، کشور باید روی پای خود بایستد.

۹- به نظر می‌رسد برخی رسانه‌های اصلاح طلب در داخل کشور نقش پیاده نظام استکبار را بازی می‌کنند ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

البته خط تقویت مواضع غرب از خارج شروع و به داخل کشور کشیده شده است. بررسی خط رسانه‌ای برخی جراید نشان می‌دهد که آنها دقیقاً همان خطوط مورد نظر غرب را در داخل تعقیب می‌کنند تا شاید بتوانند رضایت سران آن سوی آب را جلب کنند. در نتیجه در تبلیغات چی بودن برخی رسانه‌ها به نفع جبهه غرب تردیدی نیست، اگر چه اصلاح طلبان در ماجراهای "پایگاه‌های مطبوعاتی دشمن" و "شارلاتانیسم مطبوعاتی" سابقه‌ای خلافتکارانه و منفی از خود ثبت کرده‌اند و برخی گردانندگان و عوامل این رسانه‌ها تجربه‌ای مفصل در آشوب خیابانی و غرب دوستی دارند. بنابراین همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی روز دوازدهم آبان در دیدار دانش آموزان و دانشجویان فرمودند: ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغات چی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغات چی‌های بی‌مزد و موجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی

را گمراه کنند. پس هادیان سیاسی به عنوان دیده بانان سنگر بسیج باید نقشی فعال در روشننگری و بصیرت افزایی سیاسی نمایند

۱۰- به نظر شما علل عدم موفقیت مذاکرات ژنو ناشی از مخالفت

دولت فرانسه بود یا دلایل دیگری داشت؟ اگر مروری بر پرونده هسته‌ای ایران در ۱۲ سال اخیر داشته باشیم، رفتار دولت فرانسه چندان هم غیر قابل پیش‌بینی هم نبود. زیرا هرچه تعداد بازیگران بین‌المللی در پرونده هسته‌ای ایران بیشتر شود باعث می‌شود مذاکرات در بزنگاه‌های حساس شاهد رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی باشد. اما این امر می‌تواند دلایل دیگری داشته باشد، از یک سو تغییر رویکرد دولت جدید و انتقال نقطه ثقل اتکا از روسیه و چین به مذاکره مستقیم با اروپا و آمریکا، بروز چنین کشمکش‌هایی را قابل پیش‌بینی و در عین حال گریز ناپذیر کرده است. از سوی دیگر چین و روسیه نیز به دلیل تغییر رویکرد دولت جدید، رفتار مذاکراتی ایران با ۱+۵ را با حساسیت بیشتری دنبال می‌کنند. حضور معاون وزیر خارجه چین و کاهش سطح مذاکرات از سوی بازیگران شرقی اولین بازتاب‌های نمایان شرایط جدید است.

امام فامنه ای (مدظله العالی) :
در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور (۹۲/۰۸/۲۹)

رفتار یکایک شما عزیزان بسیجی
با آحاد مردم باید جوری باشد
که بگویند اینها پرورش یافتگان
نظام اسلامی‌اند؛ مایه‌ی جلب محبت،
مایه‌ی جلب احترام برای نظام اسلامی
و برای جمهوری اسلامی.



نماینده‌ی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین
معاونت سیاسی